

شماره ۲۳

سال ششم

فروردین تا تیر ۱۳۸۳ شمسی

نیسان - آو ۵۷۶۴ عبری

آوریل - جولای ۲۰۰۴ میلادی

אנפך
פינה

אנפך

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

میراث فرهنگی جامعه کلیمیان ایران

- سرطانه حضور و ارتباط کلیمیان ایران با یهودیان جهان
- انگار و رویدادها
- انگیزه‌ها و موانع گشودگی ادیان در سده‌های پیشین ما
- ژوک پیودی و جهان امروز
- خیرات انتشارات انجمن کلیمیان تهران در کتابخانه کتاب
- عبری و یانوزیک

مدارس یهودی در ایران

جلد تومارهای مقدس تورات
کنده کاری شده روی چوب
کار هنرمند یهودی از اصفهان



בה שבת אפק בינה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال ششم - شماره ۲۳

فروردین تا تیر ۱۳۸۳ شمسی

نیسان - آو ۵۷۶۴ عبری

آوریل - جولای ۲۰۰۴ م

مدیر مسئول و سردبیر:

هارون یشایایی

مشاور سردبیر: آرش آبائی

هیئت تحریریه:

دکتر یونس حمای لاله‌زار - رحمن دلرحیم

سیما مقتدر - ماهیار کهن‌باش

شرکان انورزاده - لیورا سعید - سارا حی

بیژن آصف - الهام مؤدب - پریسا حی

مریم حناسازاده - آلبرت شادپور

و مسئولان نهادهای انجمن

امور اداری - امور مالی و اشتراک -

حروفچینی و صفحه‌آرایی:

نسترن جاذب

پشتیبانی رایانه‌ای و اینترنت:

مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران

الهام آبائی

امور اجرایی: نوید هارون‌شیلی

طراحی جلد: هومان خسروی

عکس‌ها: داوود گوهریان

لیتوگرافی و چاپ: پیام حق

صحافی: نصر

نشانی نشریه: تهران

خیابان شیخ‌هادی

شماره ۳۸۵ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر: ۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی:

bina@iranjewish.com

پایگاه اینترنتی:

www.iranjewish.com

♦ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده

بلامانع است.

بینا - בינה - در عبری به معنای

آگاهی و بصیرت است

● سرمقاله: حضور و ارتباط کلیمیان ایران با یهودیان جهان / هارون یشایایی ۲/

● اخبار و رویدادها ۳/

● انگیزه‌ها و موانع گفت‌وگوی ادیان در سنت‌های دینی ما ۱۲/

● زن یهودی ایرانی و جهان امروز / مرجان یشایایی ۱۴/

● غرفه انتشارات انجمن کلیمیان تهران در هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ۱۶/

● پاریس میزبان فرهنگ و سنت‌های دینی و آیینی اقلیت‌های دینی ایران ۱۹/

● خائن به قوم یهود / آیزاک باشویس سینگر ۲۰/

● پیرامون فیلم مصائب مسیح ۲۴/

● نغمه ماندگار / شیرین طالع ۲۶/

● اکستاسی را بشناسید / مریم حناسازاده ۲۸/

● مصاحبه با زیلا کهن‌کبریت، مربی کلیمی ورزش / شرکان انورزاده ۳۰/

● گزارش فعالیت‌های بهداشتی و درمانی کانون خیرخواه (سپیر) ۳۲/

● درگذشت بانوی خدمتگزار و فداکار خانم ملیحه سپیر (کشفی) ۳۳/

● نگاهی به تقوا و تزکیه روح در دین یهود / رحمن دلرحیم ۳۴/

● همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمان و یهودی به روایت روزنامه آلمانی ۳۵/

● عبری بیاموزیم ۳۷/

● همایش دین، معنویت و انسان امروز / آرش آبائی ۳۸/

● بخش کودک / سارا حی ۳۹/

● بخش نوجوان / الناز گیدانیان ۴۰/

● شرح عکس‌های پشت و روی جلد:

مدارس یهودی در تهران، همدان، اصفهان، یزد و شیراز در سال‌های ۱۳۳۰ - ۱۳۱۰

تقاضای اشتراک نشریه افق بینا

نام / موسسه:

آدرس دقیق پستی:

کد پستی:

تلفن: شماره فیش پرداختی:

برای اشتراک ۶ شماره مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال را به حساب جاری شماره ۲۴۸۹ بانک

ملی - شعبه ملک (شیخ‌هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران»

(قابل پرداخت در تمام شعب بانک ملی) واریز کرده و فیش بانکی را به همراه

تقاضای اشتراک به نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ هادی

شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷ ارسال نمایید.



حضور و ارتباط کلیمیان ایران با یهودیان جهان

سرمقاله

نگاهی به موقعیت جامعه یهودی ایران بعد از جنگ جهانی دوم و مخصوصاً بعد از سال‌های ۱۳۳۲ شمسی نمایان‌گر تلاش سازمان‌های صهیونیستی جهانی برای نفوذ در تشکیلات دینی و اجتماعی یهودیان ایرانی بوده است. با آن که تشکیلات صهیونیسم جهانی هرگز موفق نشدند سازمان‌های بومی و سنتی کلیمیان ایران را در سیطره خود درآورند و آن چه مخصوصاً در کشورهای اسلامی دیگر مثل عراق - مصر - یمن و غیره اتفاق افتاد در ایران برای آنها حاصل نشد، با این همه تأثیر مخرب اقدامات آنان را در مقطع زمانی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ نمی‌توان نادیده گرفت.

انقلاب اسلامی ایران ارتباط تشکیلات صهیونیست‌ها را با سازمان‌های یهودی ایران و تشکیلات بومی و سنتی کلیمیان ایران مخصوصاً نهاد مرکزی انجمن کلیمیان تهران قطع کرد و با وجود این کلیمیان ایران توانستند در فضای انقلاب و رهبری داهیان امام خمینی راه مستقل دفاع از ارزش‌های دینی و فعالیت سازمان‌های اجتماعی خود را طی کنند، البته این راه با فراز و نشیب‌های فراوان پیموده شد. کسر تعداد یهودیان ایران تحت تأثیر مهاجرت‌های سازمان یافته، اعمال سلیقه‌های شخصی و تبعیض‌آمیز از طرف بعضی مسئولین نظام که موجب ایجاد فضای عدم اعتماد و ترک علائق و پای‌بندی بین همکیشان ما می‌شد و در نتیجه مسئولیت‌پذیری آنها را با مشکل مواجه می‌ساخت، فشار تبلیغاتی روزافزون بلندگوهای خارجی که موضوع حقوق اقلیت‌های دینی را دست‌مایه و بهانه ضدیت خود با نظام جمهوری اسلامی ایران قرار داده و می‌دهند و مجموعه‌ای از دلایل دیگر که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد، شرایط خاصی را به مدیریت جامعه کلیمیان ایران تحمیل می‌کرد.

یکی از نتایج این تحمیلات در افکار عمومی یهودیان جهان و مردم ناآگاه این بود که گویا کلیمیان ایران در وضعیتی نابسامان

در دام افتاده و به گروگان گرفته شده‌اند. این برداشت از زندگی یهودیان ایران موقعیت ما را ناپایدار وانمود می‌کرد و ارتباط جامعه کلیمیان ایران با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی را واژگونه جلوه می‌داد که هم جامعه کلیمی و هم جمهوری اسلامی ایران را به ناحق زیر سؤال می‌برد.

انجمن کلیمیان تهران برای بیرون رفتن از این موقعیت ناهنجار، ایجاد ارتباط با سازمان‌های اجتماعی و نهادهای غیروابسته یهودیان جهان را سرلوحه اقدامات خود قرار داد. انجمن کلیمیان با راهنمایی نهادهای قانونی در ایران و سازمان‌های غیردولتی N.G.O در ایران و خارج از کشور موفق شد پرده ابهام را که دشمنان ملت ایران بر چهره جامعه کلیمیان ایران زده بودند به کناری بزند و جامعه کلیمیان ایران را در شرایط کنونی آن طور که هست به جهانیان بشناساند و ارتباط عمیق و تاریخی فرهنگ یهودی را با فرهنگ و تمدن ایران و تأثیر متقابل این دو را با یکدیگر روشن سازد.

و مخصوصاً یادآور شود که مناسبات ملت ایران با یهودیان آن طور که بلندگوهای خارجی عنوان می‌کنند نیست و ایرانیان یهودی چون قرن‌های گذشته با هموطنان خود در صفا و صمیمیت زندگی می‌کنند.

در اینجا برای مزید اطلاع خوانندگان عزیز مواردی از حضور نمایندگان جامعه کلیمی ایران در مجامع بین‌المللی با ذکر تاریخ و شرح مختصر آورده می‌شود و امیدواریم که این ارتباط در جهت منافع ملت ایران و جامعه کلیمیان با همکاری و راهنمایی مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران تداوم یابد.

اولین شرکت نمایندگان جامعه کلیمیان ایران در کنفرانس جهانی حقوق زن - پکن، سال ۱۹۹۵

در این کنفرانس جهانی، فرنگیس حصیدیم به عنوان نماینده سازمان بانوان

حضور هیئت ایرانی در همایش جهانی بنیاد یادبود فرهنگ یهود - شهریور ۱۳۸۲، سوئد

مرجان یشایایی، آرش آبائی و فرهاد افرامیان در دوازدهمین همایش سالانه بنیاد یادبود فرهنگ یهود Memorial Foundation For Jewish Culture شرکت کردند. این کنفرانس به منظور آشنایی جوانان و مسئولین جوان جوامع یهودی جهان با یکدیگر و تبادل تجربیات و بررسی مشکلات این جوامع در کشور سوئد برگزار شد.

هیئت ایرانی با تشکیل نمایشگاه آثار فرهنگی هنری یهودیان ایران، شرکت در جلسات سخنرانی، ارائه توضیحات درباره جهان اسلام و نزدیکی احکام آن با اصول و عقاید دین یهود، لزوم ارتباط دینی و فرهنگی و گفتگو با اندیشمندان مسلمان را مورد تأکید قرار داد. همزیستی مسالمت‌آمیز جامعه اقلیت مذهبی در کشور اسلامی ایران نتیجه مذاکرات مسئولان جامعه یهودی ایران با رهبران مذهبی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جهت رفع سوء تفاهات و حل مشکلات جامعه برشمرده شد.

انتقال موقت تومارهای تورات به آلمان و برگرداندن آنها به ایران

در پی درخواست وزارتخانه‌های امور خارجه (اداره کل هماهنگی‌های فرهنگی) و فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت ارسال ۲ سفر تورا (تومار تورات) به کنیسای تازه تأسیس شهر دویسبورگ در غرب آلمان در اکتبر سال ۲۰۰۰، انجمن کلیمیان این تورات‌ها را پس از تهیه، ترمیم و آماده‌سازی، توسط نمایندگان انجمن آرش آبائی و سیما مقتدر در اختیار کنیسای دویسبورگ آلمان قرار داد. بعد از افتتاح کنیسا و شرکت در مراسم رسمی این تومارهای مقدس توسط هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان تهران به ایران برگردانده شدند. ■

نمایندگان شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان در جمهوری اسلامی، در اجلاس پکن + ۵ زنان در نیویورک (ژوئن ۲۰۰۰ میلادی) شرکت کرد و حضور مسئولیت‌بار و سرافرازانه زن ایرانی کلیمی در چهارچوب منافع ملی را نشان داد. وی همگام با N.G.O ایران وجود بارز تشکیلات یهودیان ایران را برای نمایندگان کشورهای جهان تشریح نمود. دیدگاه‌ها و پیشنهادات هیئت ایرانی مورد حمایت و توجه بسیاری از شرکت‌کنندگان کشورهای مختلف قرار گرفت.

مرجان یشایایی در آمریکا با مقامات یهودیان آمریکا و سازمان‌های ایرانیان یهودی مقیم آمریکا ملاقات نموده و در جلسات متعدد دیدگاه‌های خود را بیان و با همکیشان ایرانی تبادل نظر کرد.

کنفرانس اتحادیه جهانی زنان یهودی، بوداپست - مجارستان ژوئن ۲۰۰۱

شرکت نمایندگان سازمان بانوان یهود ایران در سال ۲۰۰۰ در نشست سالانه اتحادیه جهانی زنان یهودی (ICJW)

فرح داورپناه (سلیمانی) و مرجان یشایایی (اقبالی) در این اجلاس حضور یافتند. در این کنفرانس مرجان یشایایی درباره اعمال نابرابری‌ها در مورد حقوق زنان یهودی ایران و موقعیت جامعه یهودی با توجه به وضعیت زنان سخنرانی کرده، مشکلات خاص و فشارهای غیرمستعارف سنتی بر زنان یهودی را به عنوان نارسایی عمده مورد توجه قرار داد.

شرکت و حضور نمایندگان زن یهودی در چنین کنفرانس‌هایی و باور این که در نظام جمهوری اسلامی ایران سازمان‌های مذهبی و اجتماعی خاص یهودیان وجود دارد، برای حضار غیرمنتظره بود.

شرکت فرح داورپناه و مرجان یشایایی در این کنفرانس حضوری چشم‌گیر و پرفایده بوده است.

یهود ایران همراه با دیگر سازمان‌های غیردولتی زنان شرکت نمود.

حضور حصیدیم به عنوان نماینده زنان یهودی ایران حضوری چشم‌گیر بود، به طوری که کلیه شرکت‌کنندگان در این کنفرانس توضیحات ایشان را در مورد وضعیت زنان یهودی در ایران و جامعه کلیمی به طور کلی مورد توجه جدی قرار دادند و نمایندگان N.G.O ایرانی از حضور وی تشکر نمودند.

شرکت در کمیسیون حقوق بشر - ژنو، ۱۹۹۸

در سال ۱۹۹۸ کمیسیون فرعی حقوق بشر سازمان ملل با عنوان «رسیدگی و ارتباط با حقوق اقلیت‌های دینی» در ژنو (سوئیس) تشکیل گردید.

در این کمیسیون، فرنگیس حصیدیم به عنوان نماینده بانوان یهودی ایران و رئیس سازمان بانوان یهود ایران شرکت نمود و با دیگر شرکت‌کنندگان در این جلسات گفتگو و تبادل نظر کرد در این میان موقعیتی پیش آمد تا با سازمان‌های یهودی در سوئیس و ایرانیان یهودی مقیم آن کشور نیز آشنا شود. در همین ارتباط در ۱۱ مهر ۱۳۷۸ در دیدار جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست جمهوری با نمایندگان سازمان‌های غیردولتی زنان اقلیت، فرنگیس حصیدیم ریاست هیئت مدیره سازمان بانوان یهود نکاتی را در ارتباط با وضعیت زنان اقلیت، فعالیت سازمان‌های زنان کلیمی و حضور فعال در کنفرانس‌های مختلف ملی و بین‌المللی مانند: شرکت در کنفرانس جهانی زن در پکن سال ۱۹۹۵ و کمیسیون فرعی حقوق بشر سازمان ملل در کشور سوئیس، به اطلاع رئیس جمهوری اسلامی ایران رساند.

حضور نماینده سازمان بانوان یهود ایران در اجلاس پکن + ۵ (اجلاس زنان ۲۰۰۰) نیویورک

مرجان یشایایی (اقبالی) به نمایندگی سازمان بانوان کلیمی ایران با همراهی

اخبار و رویدادها

جلسه آشنایی با دانشجویان آمریکایی در کنیسای یوسف آباد

میزان آزادی‌های مذهبی، نوع مشاغل و مسائل استخدام دولتی، چگونگی آموزش دینی و نحوه تربیت عالمان یهودی. ارتباط با ایرانیان یهودی مقیم آمریکا و کیفیت فعالیت‌های فرهنگی در جامعه کلیمی ایران از محورهای اصلی مباحث این دیدار بودند.

این جلسه با معارفه و گفتگوی دوستانه طرفین پایان یافت.

دوازدهمین سالگرد

تاسیس کتابخانه انجمن کلیمیان

همایشی فرهنگی به مناسبت دوازدهمین سالگرد تاسیس کتابخانه مرکزی کلیمیان در محل این کتابخانه در روز دوشنبه ۸ تیرماه برگزار شد.

همان این همایش مژده دقیقی مترجم توانای حوزه ادبیات داستانی بود.

در ابتدا ایرج عمرانی ضمن خیرمقدم به حضار شرحی از فعالیت‌های کتابخانه را بیان نمود و سپس لیندا لیوی شوقی با معرفی آثار مژده دقیقی شرحی از ترجمه‌های وی را به اطلاع اعضای کتابخانه رساند.

سارا حی مجری برنامه، پرسش و پاسخ را با این مترجم آغاز کرد و برنامه با سؤالات حضاران و پاسخ مژده دقیقی ادامه یافت. محور اصلی بحث پیرامون کتاب «یک مهمانی یک رقص» نوشته آیزاک باشویس سینگر (نویسنده یهودی) بود که مژده دقیقی آن را ترجمه کرده است. در پایان جلسه، هارون یشایایی شرح مبسوطی راجع به ادبیات ییدیش، و کتاب‌های حوزه فرهنگ یهود مانند سیری در تلمود، پادیاوند، تاریخ شفاهی یهود و ... ایراد کرد.

جلسه بررسی روابط اجتماعی جوانان در کنیسای یوسف آباد

به همت سازمان بانوان یهود و کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران، جلسه بحث و گفتگویی تحت عنوان «روابط اجتماعی جوانان» ۲۹ فروردین ماه در کنیسای یوسف آباد تهران برگزار گردید. دکتر شکوه نوابی‌نژاد (مشاور خانواده) به عنوان کارشناس این گفتگو، با تشریح مراحل رشد روانی - اجتماعی، مرحله نوجوانی را مهمترین دوره تحولی رشد در انسان‌ها معرفی

جمعی از دانشجویان دانشگاه تافتس آمریکا (Tufts University) که به دعوت دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه برای آشنایی با وضعیت فرهنگی ایران به تهران و برخی دیگر شهرها سفر کرده بودند، عصر روز سه‌شنبه ۱۲ خرداد ماه با حضور در کنیسای یوسف آباد تهران، با نمایندگان جامعه یهودی ایران تبادل نظر کردند.

در این جلسه که به شکل میزگرد و به زبان انگلیسی برگزار شد، بهزاد صابری انصاری، معاون دانشکده روابط بین‌الملل، پروفیسور مایکل فیشر، استاد مردم‌شناسی دانشگاه تافتس و مهندس آرش آبائی، مسئول کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران مدیریت جلسه را به عهده داشتند و جمعیتی از دست‌اندرکاران امور فرهنگی جامعه کلیمی و اعضای هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل نیز جزء حاضران جلسه بودند.



پس از تشریح خلاصه‌ای از وضعیت عمومی جامعه ایرانیان یهودی توسط آرش آبائی، دانشجویان آمریکایی پرسش‌های متعددی درباره وضعیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی کلیمیان مطرح کردند که پاسخ‌هایی از طرف مدیریت جلسه و نیز مرجان یشایایی عضو سازمان بانوان کلیمی، فرنکیس حصیدیم مدیر بیمارستان دکتر سپیر، نادر کی‌پور عضو هیئت مدیره سازمان دانشجویان یهود، دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار و دکتر سیامک مره‌صدق به ایشان ارائه شد.

این نمایشگاه در تالار آبی کاخ نیاوران به مدت ۷ روز از ۳۰ اردیبهشت تا ۵ خرداد ماه ادامه داشت. انجمن کلیمیان در کنار دیگر اقلیت‌های کشور آثار نقاشی ارزنده‌ای را از هنرمندان کلیمی چون سلیمان ساسون، کریستا ناسی و همچنین آثار صنایع دستی فیروزه‌کوب برادران یروشلمی و فرش‌های کلیمی‌باف و نقره‌دوزی هنر خاص زنان یهودی ایران را به نمایش گذاشت.



همچنین در این هفته در کنار شخصیت‌های فرهنگی، محیط طباطبائی (معاونت معرفی آموزش میراث فرهنگی) و هیئت همراه و جمعی از کلیمیان از این نمایشگاه دیدن کردند.

شرکت مسئولان جامعه کلیمیان ایران در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)

جمعی از مسئولان کلیمیان ایران در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) شرکت کردند. روز پنجشنبه ۱۴ خرداد ماه سال جاری بنا به دعوت ستاد برگزاری مراسم ارتحال امام (ره)، فیض‌الله ساکت‌خو نماینده انجمن کلیمیان در ستاد ارتحال امام (ره) به همراه هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان تهران، حاخام یوسف همدانی‌کهن مرجع دینی کلیمیان ایران و مورس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و نیز جمعی از اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان در مراسم سالگرد امام (ره) در مرقد مطهر شرکت کردند. در این مراسم ابتدا حجت‌الاسلام حسن خمینی سخنرانی نمود و سپس مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه مخصوص حضور یافتند و بیانانی را در ارتباط با روحیه خدمتگزاری امام (ره) بیان فرمودند. همچنین در این مراسم سران قوای سه‌گانه نظام و نیز رئیس مجمع تشخیص مصلحت نیز حضور داشتند.

کرد و افزود دوران نوجوانی دوره‌ای است که فرد به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که من کیستم؟
نوابی‌نژاد برای پاسخ به این سؤال به وجود دو نوع خود در شخصیت افراد اشاره کرد و گفت: «خود واقعی در هر فرد آن چیزی است که او هست. این خود بسیار مهم و پیچیده است و معمولاً انسان تمایل دارد بخشی از خود واقعی خود را از دیگران پنهان کند. خودآرمانی در فرد آن چیزی است که انسان دوست دارد آن‌گونه باشد. خودآرمانی باید به خود واقعی نزدیک باشد چون اگر فاصله زیادی بین آنها باشد فرد نمی‌تواند به خودآرمانی دست پیدا کند...»

نوجوان فردی است که خودآرمانی در او بسیار بزرگ است به همین خاطر او نمی‌تواند تصمیمات واقع‌بینانه‌ای بگیرد. نوجوان معمولاً بسیار احساسی است زیرا تصویر خود واقعی او کمرنگ است به همین علت منطبق در آن اثر کمتری دارد.

وی در پایان مباحث خود، فعالیت‌های گروهی را امکان به وجود آوردن راهی برای خودشناسی دانست و توصیه کرد تا سازمان‌های جوانان جامعه کلیمی بیشتر در این زمینه فعالیت کنند.

وی در پایان جلسه به سؤالات حاضران در جلسه در مورد روابط اجتماعی جوانان پاسخ داد.

حضور هنرمندان کلیمی

در نمایشگاه میراث فرهنگی

به مناسبت روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی کشور با مشارکت فرهنگسرای ملل، و انجمن‌های دینی کشور و به منظور ایجاد فضایی مناسب جهت تعامل فرهنگی و معرفی هنرمندان ادیان توحیدی با عنوان هنر ایرانی، فرهنگ ایرانی، ادیان توحیدی اقدام به برگزاری نمایشگاهی از آثار نقاشی و حجمی هنرمندان ادیان توحیدی کشور نمود.



اثری از بهروز حشمت در کنیسه یهودیان اتریش

اثری از بهروز حشمت، مجسمه‌ساز سرشناس ایرانی مقیم اتریش، در یک کنیسه متعلق به یهودیان در وین نصب شد.

این کنیسه که اکنون متعلق به یهودیان لیبرال در وین است، در جریان تسلط نازی‌های آلمان بر اتریش در دهه ۱۹۳۰ میلادی ویران شد و در سال‌های پس از جنگ نیز دیگر به عنوان عبادتگاه یهودیان مورد استفاده قرار نگرفت.

اما این کنیسه، که از قدیمی‌ترین کنیسه‌های شهر وین محسوب می‌شود، پس از بازسازی، روز یکشنبه ۲۲ فوریه ۲۰۰۴، با حضور شماری از مقامات بلندپایه سیاسی، رهبران دینی و هنرمندان اتریشی افتتاح شد.

مجسمه بهروز حشمت، در واقع، بخشی از مجموعه دیوارهای وی است که اکنون در قسمت جلو کنیسه نصب شده است.

این مجسمه، که همانند دیگر کارهای حشمت از آهن آفریده شده، تمثیلی از شکاف رود نیل، به هنگام عبور قوم بنی‌اسرائیل همراه پیامبر خود می‌باشد.

دو تکه مجسمه به صورتی مواج از هم جدا شده و در پس خود دیواری شیشه‌ای را نمایان می‌سازند.

به گفته بهروز حشمت، دیوارها باید کنار روند تا بتوان راهی به سوی حقیقت گشود.

حقیقت بنیاد جست‌وجوی انسانی است، امری که هم در هنر و هم در دین باید مبنا باشد.

بهروز حشمت، در عین حال تأکید می‌کند که جست و جوی حقیقت نمی‌تواند و نباید تنها و تنها در انحصار یک حوزه، چه دین و چه ایدئولوژی و یا حتی هنر باشد.

به عقیده این هنرمند، اکنون و براساس تجارب تلخی که بشر آزموده، باید پذیرفت که حقیقت به تمامی و برای همیشه تنها به گروهی از انسان‌ها تعلق نداشته و اولین گام عملی در این راه احترام گذاشتن به دیگری و عقاید اوست.

وی در عین حال تأکید می‌کند به ویژه چنین کاری نباید به معنای نادیده گرفتن اقدامات دولت اسرائیل باشد که وی آن را غیرانسانی قلمداد می‌کند.

بهروز حشمت که متولد ۱۳۲۹ در تبریز است، کار مجسمه‌سازی با آهن را از اوایل دهه ۱۳۵۰ (۱۹۷۰) آغاز کرد و نمایشگاه‌هایی از آثار خود در گالری‌های اصولی تبریز (۱۳۵۴-۱۳۵۲) و سیحون تهران (۱۳۵۳) ترتیب داد.

مجسمه‌ای از وی در سال ۱۳۵۳ در محل ورودی کارخانه ماشین‌سازی تبریز، که در آن زمان در آن محل مشغول به کار بود، نصب شده که هنوز نیز پابرجاست.

اخبار و فعالیت‌های انجام شده

دبستان موسی‌بن‌عمران در سال تحصیلی ۸۳-۸۲

۱- اول مهرماه جشن بازگشایی دبستان، جشن شکوفه‌ها با حضور یشایایی ریاست انجمن کلیمیان تهران.

۲- برگزاری مراسم روز دانش‌آموز همراه با اهداء جوایز.

۳- مراسم بزرگداشت دهه فجر انقلاب اسلامی ایران، سرود، سخنرانی، قرائت مقاله، برگزاری نمایشگاه کارهای دستی.

۴- جشن ایلانوت (درختکاری) در کنیسه‌ای عبدالله‌زاده، برنامه خیمه‌شب‌بازی.

۵- جشن حنوکا، اهداء لوح یادبود، اجرای برنامه.

۶- بازدید دانش‌آموزان از کتابخانه انجمن کلیمیان در هفته کتاب.

۷- بازدید از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۸- افتتاح کتابخانه دبستان موسی‌بن‌عمران با همکاری شهرداری تهران و انجمن کلیمیان تهران.

۹- تجهیز دبستان به وسائل ورزشی توسط شهرداری تهران.

۱۰- جشن پوریم، پذیرایی، اجرای برنامه مذهبی و سرود.

۱۱- بازدید دکتر یعقوب سامیح جهت حفظ بهداشت دهان و دندان دانش‌آموزان.

۱۲- اهداء جوایز به دانش‌آموزان ممتاز سال اول دبستان از طرف انجمن کلیمیان تهران.

۱۳- مراسم بزرگداشت روز معلم، همراه با سخنرانی رحمانی مدیریت دبستان، اهداء هدیه به کلیه معلمان و کارمندان دبستان موسی‌بن‌عمران.

۱۴- بازدید کودکان آمادگی مهدکودک‌های (۱) و (۲) از دبستان، اهداء جوایز.

۱۵- برگزاری جشن الفبا و پایان تحصیلی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی.

۱۶- تشکیل مرتب جلسات انجمن اولیاء و مربیان با دعوت و حضور یشایایی ریاست انجمن کلیمیان تهران.

۱۷- اهدا کامپیوتر، یخچال، کتابخانه توسط انجمن کلیمیان تهران به دبستان موسی‌بن‌عمران.

- برگزاری جشن‌های تولد دسته‌جمعی برای کودکان در سالن مهد کودک، ۸۳/۲/۳۰
- ویزیت پزشک عمومی (دکتر یونس حمامی لاله‌زار) از کلیه مقاطع مهدکودک، ۸۳/۲/۳۱
- بازدید کودکان از مهد یلدا «۲» به همراه تماشای نمایش عروسکی در این مهد، ۸۳/۳/۱۷
- مهدکودک یلدا آمادگی خود را جهت ثبت‌نام ترم تابستانی اعلام می‌نماید.
- آدرس: خیابان گرگان - خیابان شهید نامجو - کوچه شفق
- تلفن: ۷۵۵۴۷۰۴

اخبار مهدکودک و آمادگی یلدا (۲)

بهمن ماه:

- بردن کلیه کودکان به کانون پرورش فکری برای تماشای نمایش عروسکی
- بازدید کودکان از فروشگاه
- برگزاری جشن ایلاتوت در مهدکودک

- سخنرانی روان‌شناسی با عنوان انضباط در کودکان

- تولد دسته‌جمعی کودکان در مهد

اسفند ماه:

- قرائت براخا تورا در کنیسی ابریشمی توسط گروهی از کودکان مقطع آمادگی
- برگزاری جشن نوروز در تالار محبان به همراه نمایش‌های شاد

اردیبهشت:

- گردش دسته‌جمعی کودکان در پارک ساعی
- بازدید کودکان از مهد یلدا (۱) جهت تماشای نمایش عروسکی
- بازدید مقطع آمادگی از مدرسه ابریشمی
- سخنرانی روان‌شناسی با عنوان ارتباط یادگیری با بهداشت روان
- خرداد:
- گردش دسته‌جمعی کودکان و پارک قزل‌قلعه
- تولد دسته‌جمعی



- ۱۸- حضور هفتگی مشاور روانشناس لیورا سعید برای رسیدگی به مشکلات دانش‌آموزان.
- ۱۹- اهداء نهال و گل به دبستان روز درختکاری.
- ۲۰- تجهیز کلاس‌های دبستان به تخته وایت‌برد.
- ۲۱- تعمیر حیاط و دیوار کلاس‌های دبستان توسط انجمن کلیمیان.
- کلاس‌های آموزش دینی و زبان عبری همه روزه (به استثنای شبات) دایر بوده و دانش‌آموزان به همت معلمین عبری خود در کنیسه‌های مختلف به قرائت تورا و براخا تورا پرداختند. مراسم صبحگاهی و خواندن تفیلا نیز در ایام سال تحصیلی توسط دانش‌آموزان اجرا می‌شود.

اخبار مهدکودک یلدا (۱)

مهدکودک و آمادگی یلدا (۱)

با بهره‌گیری از امکانات بهینه و در اختیار داشتن کادر آموزشی دلسوز و مجرب، در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ نیز با کارنامه درخشان خود در خدمت آموزش و پرورش کودکان یهودی در زمینه‌های متفاوت آموزشی بود.

آموزش عبری، انگلیسی، موسیقی، شعر، نقاشی و کاردستی همچنین ارایه واحدهای پرورشی و خلاقیت از برنامه‌های مهدکودک در سال گذشته بود. به علاوه مهدکودک فراب برنامه‌هایی را به شرح زیر و با هدف ارتقاء مهارت‌ها و افزایش توانمندی‌های نونهالان عزیز همکیش ارایه داده است.

- غربال‌گری تشخیصی کودکان مبتلا به مشکلات گفتاری توسط افلاطونی (گفتار درمان‌گر مددکار اجتماعی ۸۲/۱۱/۲۸)

- برگزاری مراسم سال نو و برپایی جشن شاد، ۸۲/۱۲/۲۶

- نمایش عروسکی در رابطه با زلزله، ۸۳/۲/۱۵

- بازدید کودکان مقطع آمادگی از دبستان‌های یهودی (دیدار از مدرسه ابریشمی) ۸۳/۲/۲۱

- بردن کودکان به سالن آمفی تئاتر حوزه هنری سالن اندیشه جهت تماشای تئاتر عروسکی، ۸۳/۲/۲۳

- بازدید کودکان از شهر کتاب همراه با برنامه‌های متنوع، ۸۳/۲/۲۹

جامعه کلیمی، مهندس موریس معتمد نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی و اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان برگزار شد...

اخبار و رویدادهای خارجی

نامه پاپ درباره روابط یهودیان و مسیحیان

پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان در پیامی به مناسبت صدمین سالگرد بزرگترین کلیسای رم گفت: یهودیان و مسیحیان برای دستیابی به صلح راه طولانی در پیش دارند. به گزارش خبرگزاری فرانسه در نامه پاپ به دیدار تاریخی وی از معبد یهودیان در سال ۱۹۸۶ اشاره شده و آمده است: ما همواره باید برای دستیابی به صلح با کمک یکدیگر این راه طولانی را طی کنیم. عدالت و صلح منافع ما را به سوی همکاری بدون تردید با جهان معاصر که درگیری‌ها و جنگ‌ها آن را نابود ساخته است، دعوت می‌کند. رهبر کاتولیک‌های جهان از رنج و مشکلات و آلام ناشی از تداوم اعمال خشونت‌آمیز در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و قدس شریف و ریخته شدن خون هزاران فلسطینی بی‌گناه ابراز نگرانی کرد. پاپ ژان پل دوم گفت: ادیان سه‌گانه اسلامی، مسیحی و یهودی بر ضرورت برقراری روابط، حفظ و یکپارچگی و مسئولیت‌پذیری در برابر یکدیگر تأکید می‌کنند زیرا اگر از این امور فاصله گرفته شود حقد و کینه جای آن را خواهد گرفت.

شرق ۱۳/۳/۵

افشاگر اسرار هسته‌ای اسرائیل:

پایگاه «دیمونا» باید مورد بازرسی قرار گیرد

«مردخای وانون» کارشناس هسته‌ای اسرائیل که اسرار نیروگاه اتمی این رژیم را فاش کرد، گفت: «من نسبت به آنچه انجام دادم، افتخار می‌کنم».

به گزارش تلویزیون «سی.ان.ان» وی دیروز پس از آزادی از زندان «شیکما» در «عسقلان» واقع در جنوب مناطق اسرائیلی، با نژادپرست خواندن اسرائیل افزود: «دولت یهود نیازی به سلاح اتمی ندارد».

وانون پس از انتشار مقاله‌ای در نشریه «ساندی تایمز» چاپ «لندن» که در آن، اسرار نیروگاه «دیمونا» را فاش کرد، به وسیله سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) در سال ۱۹۸۶ میلادی در انگلیس ربوده و به مناطق اسرائیلی منتقل شد.

همچنین مهدکودک در تابستان امسال نیز مانند تابستان سال‌های گذشته کلاس‌های مختلف ژیمناستیک، سفال‌گری، عبری، انگلیسی، شنا، مقدمات کامپیوتر دایر خواهد نمود.

گزارش مجمع عمومی عادی

سازمان دانشجویان یهود ایران

مجمع عمومی عادی سازمان در تاریخ ۲۲ اسفند ۸۲ برگزار گردید. هیئت رئیسه مجمع عمومی را حمید اقبالی، کامران دانیالی و آرزو یعقوب‌زاده عهده‌دار بودند. پس از قرائت گزارش هیئت مدیره دوره سی و ششم و پرسش و پاسخ با هیئت مدیره و بازرسی، کاندیداها به معرفی خود پرداختند. پس از انجام رأی‌گیری، اعضای هیئت مدیره دوره سی و هفتم به شرح زیر انتخاب گردیدند:

اعضای اصلی: سارا حی، سامان کاهن، نادر کی‌پور، دالیا دانیالی، دانیل ذریمانی.

همچنین نغمه عرب‌زاده و سپهر یعقوب‌زاده به عنوان اعضای علی‌البدل و ماهیار کهن‌باش به عنوان بازررس انتخاب شدند. در اولین جلسه هیئت مدیره و پس از تفویض اختیارات از سوی هیئت رئیسه، مسئولیت‌های اساسنامه‌ای به شرح زیر معین گردید:

مسئول هماهنگی: سارا حی، جانشین هماهنگی: دانیل ذریمانی، خزانه‌دار: سامان کاهن، منشی: دالیا دانیالی.

هیئت مدیره در جلسات خود، ابتدا به بازنگری در فعالیت زیرگروه‌ها پرداخت و سپس برنامه‌هایی را با توجه به میزان داشته‌ها و هدف معین شده برای زیرگروه‌ها تدوین نمود. از جمله فعالیت‌های صورت گرفته در این مدت، انتشار شماره‌های ۶ و ۷ پرواز، نشریه داخلی سازمان دانشجویان یهود ایران، انجام تعمیرات داخلی و همچنین برگزاری برنامه‌های عمومی و فوق برنامه می‌باشد.

افتتاح سالن پذیرایی و مراسم مجتمع کوروش

با تلاش پی‌گیر اسحق شومر، انجمن کلیمیان تهران یکی از قسمت‌های مجتمع فرهنگی کوروش را بازسازی و آماده استفاده همکیشان کلیمی نمود.

مراسم افتتاح سالن پذیرایی کوروش که مخصوص پذیرایی از همکیشان کلیمی، با شرایط بهداشتی و رعایت اصول کثروث می‌باشد روز یکشنبه ۱۴ تیرماه با حضور جمعی از معتمدین

رئیس کنیسه یهودیان تاجیکستان می‌گوید خبر تخریب این کنیسه و انتقال آن به جای دیگر بیشتر یهودیان ساکن شهر دوشنبه را نگران کرده است.

این تصمیم شهرداری دوشنبه در پی صدور یک فرمان رئیس جمهوری تاجیکستان درباره احداث کاخ ملت در مرکز پایتخت این کشور اتخاذ شده است و قرار است کنیسه یهودیان در کنار کلیه ساختمان‌های قدیمی در اطراف بازار «برکت» تخریب شود. در همین حال، مسئولین کنیسه یهودیان مقیم شهر دوشنبه از این تصمیم شهرداری ابراز نارضایتی کرده و از دولت تاجیکستان خواسته‌اند برای کنیسه آنها در مرکز شهر دوشنبه ساختمان دیگری را اختصاص بدهد.

معمولا اواخر هر هفته در روز شنبه یهودیان شهر دوشنبه برای نیایش به تنها کنیسه یهودیان در تاجیکستان در خیابان ناظم حکمت در مرکز شهر دوشنبه گردهم می‌آیند. برخی از آنها گفتند کنیسه یهودیان شهر دوشنبه برای اکثر این افراد تنها محلی محسوب می‌شود که آنها با هم دیدار می‌کنند و تبادل نظر می‌کنند.

میخائیل عبدالرحمان اف، رئیس کنیسه یهودیان تاجیکستان می‌گوید خبر تخریب این کنیسه و انتقال آن به جای دیگر بیشتر یهودیان ساکن شهر دوشنبه را نگران کرده است. عبدالرحمان اف می‌گوید یهودیان هیچ مشکل سیاسی با دولت کنونی تاجیکستان ندارند ولی انتقال ساختمان کنیسه به محل دیگر مایه نگرانی آنهاست.

رئیس کنیسه یهودیان افزود: «تنها مشکل ما انتقال ساختمان کنیسه از مرکز به مناطق کنار شهر است. زیرا اکثر افرادی که به این کنیسه می‌آیند افراد سالخورده هستند و در صورت به بیرون از مرکز کوچ دادن ساختمان آن به مشکلات رفت و آمد این افراد به کنیسه افزوده خواهد شد».

براساس گزارش‌های رسمی درحال حاضر در تاجیکستان بیش از ۵۰۰ یهودی به سر می‌برند که اکثر آنان در شهر دوشنبه کار و زندگی دارند. به گفته برخی از آنها کنیسه یهودیان در اواخر قرن ۱۹ میلادی در یکی از محلات مرکزی شهر دوشنبه که در آن سال‌ها روستای کوچکی بود، احداث شده است.

در دوران شوروی پیشین تعداد یهودیان مقیم تاجیکستان به مراتب بیشتر از شماره کنونی آنها بود. از اوائل دهه ۱۹۸۰ میلادی روند مهاجرت یهودیان از تاجیکستان به کشورهای خارجی آغاز شد و حالا تعداد اندک آنها در این کشور باقی مانده‌اند.

در همین حال، شفقت سعیداف، سخنگوی شهرداری دوشنبه گفت که در جلسه شهرداری موضوع احداث کنیسه یهودیان

وی به عنوان کارشناس مسائل هسته‌ای «دیمونا» پس از ورود به انگلیس گفته بود که اسرائیل بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای دارد.

دادگاه تل آویو نیز پس از دستگیری وانوو، وی را به اتهام انتشار اخبار محرمانه به ۱۸ سال زندان محکوم کرد که مدت محکومیت او به تازگی به پایان رسید.

وانوو در سال ۱۹۵۴ در یک خانواده یهودی در مراکش متولد شد و در ۹ سالگی همراه خانواده‌اش به فلسطین اشغالی مهاجرت کرد. وی در سال ۱۹۷۶ میلادی در نیروگاه دیمونا در جنوب فلسطین آغاز به کار کرد.

همچنین به گزارش شبکه خبری «العربیه» وی اعلام کرد: دولت اسرائیل یک دولت دیکتاتور و وحشی است که مرتکب وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها در حق من شد.

وانوو افزود: امروز پس از آزاد شدن نیز بار دیگر تأکید می‌کنم که اسرائیل نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد، زیرا پس از پاکسازی‌هایی که در ایران، لیبی و دیگر کشورهای منطقه انجام شد، دلیلی برای وجود این سلاح در نزد اسرائیل وجود ندارد.

افشاکننده اسرار هسته‌ای رژیم صهیونیستی تصریح کرد: پیام من به جهان آن است که پایگاه‌های هسته‌ای اسرائیل به خصوص پایگاه دیمونا تحت بازرسی قرار گیرد و بازرسان تسلیحاتی باید در این پایگاه‌های هسته‌ای جهت بازرسی گسترده حضور یابند. وانوو گفت: به رغم آن که اسرائیل می‌خواست با به حبس کشیدن اراده و روح آزاد، من را شکست دهد و منجر به دیوانگی من شود، در نهایت، نتوانست مرا شکست دهد.

وانوو افزود: من هیچ تمایلی برای ماندن در اسرائیل ندارم و قصد دارم به آمریکا بروم.

وی تأکید کرد: من هیچ واهمه‌ای از اسرائیل ندارم و همچنان سخن گفتن درباره مسأله سلاح‌های کشتار جمعی اسرائیل را ادامه خواهم داد و متوقف نخواهم شد.

ایران ۸۳/۲/۳

کنیسه یهودیان تاجیکستان

در آستانه تخریب

شهرداری دوشنبه پایتخت تاجیکستان تصمیم گرفته است تنها کنیسه یهودیان را که از صد سال قبل تاکنون در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر واقع است، به یکی از محلات کنار این شهر کوچ بدهد.

فراهم می‌کند. این برنامه به دو زیرشاخه تحصیلی اصلی تقسیم می‌شود:

- ۱- شاخه‌های تحصیلی تاریخ و ادبیات یهود باستان (معبد دوم و عصر ربانیان)
- ۲- تاریخ قرون وسطی و اوایل درون نوین
- ۳- تاریخ نوین یهود (اروپای شرقی و غربی و آمریکا)



دپارتمان تمدن و زبان‌های خاور نزدیک، زبان‌های سامی شمال غرب شامل زبان عبری و زبان آرامی تدریس می‌شود. همچنین دروس زیر ارائه می‌گردد:

طومارهای کشف شده در بحر میت و تاریخ یهودیت کهن، ادبیات کاهنان، تاریخ یهودیت در جهان باستان، شرع یهودیت در عصر معبد دوم، سمینار تلمود، روش‌های نقادانه در مطالعه تلمود، تاریخ کودکی یهود در قرون وسطی، تاریخ تمدن یهودی، تاریخ فرهنگ یهود در قرن دوازدهم اروپا، یهودیان و اکثریت‌های مسلمان و مسیحی در قرون وسطی، تنوع عقاید روحانی یهودی در قرون وسطی، چشم‌انداز تاریخی در مطالعه نسل‌کشی یهودیان توسط نازی‌ها، خانواده یهودی، یهودیان و انقلاب از سال ۱۷۸۹ تا ۱۹۳۰، تغییرات اجتماعی و مذهبی در محلات یهودی‌نشین اروپا طی قرن نوزدهم و عناوینی درخصوص مهاجرت یهودیان.

همچنین در رشته تحصیلی «عهد قدیم و کتاب مقدس عبری» که برای دانشجویانی طراحی شده که قصد تحقیق یا تدریس در ادبیات تاریخ، مذهب و الهیات را در اسرائیل باستان دارند، دروس ارائه شده شامل: سفر پیدایش و شکل‌گیری اسفار خمسه، کتاب حزقیال نبی، ویرایش کتاب پادشاهان، مشکلات سفر تثئیه، داستان‌های پیشگویانه در کتاب پادشاهان، تاریخ اسرائیل باستان، دانیال و ادبیات مرتبط، نبوت‌های پس از سرگردانی (دوره تبعید یهود به بابل)، عزرائیل نبی و نحیای نبی،

بررسی می‌شود: «براساس طرح عمومی شهر دوشنبه باید یک ساختمان تازه در محل کنیسه یهودیان ساخته شود. به این دلیل کنیسه یهودیان و ساختمان‌های دیگری که در آن محل هست، به محلی دیگر کوچ داده می‌شوند. به زودی جلسه شهرداری موضوع ساختن کنیسه جدید برای یهودیان را بررسی می‌کند.» اما میخائیل عبدالرحمان اف، رئیس کنیسه یهودیان که در جلسه شهرداری شرکت داشته، می‌گوید این جلسه تصمیم مشخصی در رابطه به انتقال ساختمان کنیسه یهودیان اتخاذ نکرده است. وی افزود قرار است به زودی ابو داود گوریویچ، رهبر مذهبی یهودیان آسیای مرکزی از تاجیکستان دیدار کند و موضوع احداث و محل کنیسه جدید یهودیان را با مقامات شهرداری مورد بررسی قرار بدهد.

به عقیده برخی از صاحب‌نظران قضیه تخریب تنها کنیسه یهودیان در تاجیکستان و انتقال آن به یکی از محلات کنار شهر دوشنبه می‌تواند باعث ارزیابی نادرست این قضیه در میان جامعه یهودیان جهان شود. زیرا به باور این صاحب‌نظران جمعیت یهودیان جهان یکی از جوامع پرقدرت در جهان است و آنان می‌توانند تخریب کنیسه یهودیان را به عنوان یک مسأله سیاسی بازتاب بدهند.

از این رو، صاحب‌نظران تاجیک می‌گویند مقامات تاجیکستان باید در حل مسایل مربوط به فعالیت نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف در این کشور مواظب اعمال خود باشند تا این قضیه منجر به کاهش توجه به برخی از سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد این کشور نگردد.

معرفی شاخه تحصیلی «مطالعات یهودی» در دانشگاه ییل (آمریکا)

دپارتمان مطالعات مذهبی دانشگاه ییل به عنوان یکی از دانشگاه‌های مهم مطالعات دینی در جهان در شکل جدید خود از سال ۱۹۶۳ میلادی شروع به کار نموده است. این بخش در سطوح بالاتر از لیسانس در ده شاخه تحصیلی فعالیت می‌کند: تاریخ مذهبی آمریکا، مسیحیت باستان، مطالعات بودائی، مطالعات اسلامی، مطالعات یهودی، عهد جدید، عهد عتیق (کتاب مقدس عبری)، فلسفه دین، اخلاقیات مذهبی و الهیات (کلام).

برنامه «مطالعات یهودی» به عنوان یکی از شاخه‌های تحصیلی این دپارتمان، به صورت میان‌رشته‌ای، امکان تحقیق و مطالعه نقادانه درخصوص مذهب، تاریخ، ادبیات، زبان‌ها و فرهنگ مادی یهودیان را از عهد باستان تا دوران مدرن امروز

چالش هفتگی سازمان بانوان پهن

سازمان بانوان پهن، طی هفته‌های گذشته برنامه‌های ذیل را اجرا نمودند:

- ۱- بخش فیلم زندگی و آثار فروغ فرخزاد در محل سازمان بانوان.
- ۲- سخنرانی لیدا لوی شوقی مسئول کتابخانه انجمن کلیمیان، درباره آثار فروغ فرخزاد و معرفی کتاب.
- فلسات هفتگی سازمان بانوان پهن با حضور علاقمندان مخصوص بانوان روزهای دوشنبه از ساعت ۶ بعدازظهر در محل مجتمع سرانندی واقع در خیابان سپهرمال‌الدین اسرآبادی، خیابان سیزدهم تشکیل می‌گردد.

خرد و دانش بن سیر، ضرب‌المثل‌ها و ظرایف، تاریخ و روش‌های تفسیر عهد قدیم، سمینار طومارهای کشف شده در بحر میت، سمینار معبد دوم، کتاب ارمیای نبی، زبان مقدس عبری پیشرفته (تندخوانی، ترکیب‌بندی انشای عبری) مشکلات در اشعار کتاب مقدس عبری و زبان آرامی می‌باشد.

انتخاب ادیان، اردیبهشت ۸۳

انتشار سیدور یشاریم با ترجمه فارسی



(کتاب نایش روزانه یهود)

تسلیت آقای یعقوب یعقوب‌زاده و فامیل وابسته

درگذشت مادر بزرگوارتان، سرکار خانم کشور درخشان را به حضرتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آمرزش طلب می‌کنیم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

دبستان موسی بن عمران با کادر مجرب آموزشی در سال تحصیلی جدید ۸۴-۸۳ دانش آموز می‌پذیرد. سرویس ایاب و ذهاب آماده است.

۸۹۰۴۳۹۰ ☎

قدردانی

بدین وسیله از دکتر یونس حماسی‌الله‌زار که در معاینه عمومی وضعیت پزشکی کودکان مهد یلدا (۱) قبول زحمت نموده‌اند قدردانی نموده و موفقیت روزافزون ایشان را در پیشبرد اهداف انسان‌دوستانه از خداوند منان مسئلت داریم.

مهد کودک و آمادگی یلدا (۱)

پایگاه اینترنتی انجمن کلیمیان تهران

WWW.IRANJEWISH.COM

* مطالب و مقالات برگزیده مجلات افق بینا

* تاریخچه ایرانیان کلیمی

* بخش انگلیسی با گزیده مقالات بخش فارسی

با کمال خوشوقتی به اطلاع همکیشان عزیز می‌رسانیم سیدور یشاریم کامل با ترجمه فارسی که یک نمونه بی‌نظیر در ترجمه می‌باشد، از طرف انجمن کلیمیان تهران منتشر شده و در اختیار کنیساها و سازمان‌ها می‌باشد. کسانی که قصد دریافت سیدور یشاریم با ترجمه فارسی را دارند می‌توانند به دبیرخانه انجمن کلیمیان مراجعه نموده و یا با تلفن‌های ۶۷۰۲۵۵۶ و ۶۷۰۷۶۱۲ تماس بگیرند.



انگیزه‌ها و موانع گفت و گوی ادیان

در سنت‌های دینی ما

کنفرانس مشترک موسسه گفت‌وگوی ادیان

و کلیسای پرسبیتی در آمریکا

۱۸ خرداد ۱۳۸۳، تهران - ایران

آن باشند تا دیگران نیز به عمل، رستگاری پیشه

سازند. موسی و عیسی و محمد هر سه با «کوه» و «فرود از بلندای کوه» و رفتن به سوی «دامنه» آنجا که «مردم» زندگی می‌کنند، اشتراک دارند. یکی بر کوه سینا وحی دریافت کرد و به فرامین ده‌گانه مسلح شد و به سوی خلق شتافت اما نه برای جنگ که آن سلاح صلاح بود نه سلاح جنگ و ستیز. عیسی مشهورترین موعظه‌اش، موعظه بالای کوه یا «موعظه صخره» نام دارد و در واقع اساس بنیاد آیین وی است و محمد نیز بر بالای کوه «نور» در تاریکی غار حرا به سلاح وحی مجهز شده و برای دستگیری از بیچارگان اخلاقی و معنوی و اقتصادی و اجتماعی به دامنه یعنی آنجا که خلق هستند، فرود می‌آید. و چه زیباست این کار نمادین خدا که همه آنها بالا می‌روند و به او می‌رسند را دوباره به پایین برمی‌گرداند تا دست از راه‌ماندگان را بگیرند و به آسمان معنویت و اخلاق و نجات ببرند. محمد و عیسی و موسی، اسلام، مسیحیت و یهودیت، مسلمانان و مسیحیان و یهودیان، همه واژگانی پرمعنی هستند که در تک تک آنها نجات انسان و رهایی آدمیان و زنده کردن یاد خدا در وجود انسان جای گرفته است. و سپس خدایی را که پس از این همه واسطه‌هایی آسمانی که به سوی ما فرستاد، خود، بی‌تاب بشر و اشرف مخلوقات خود است و از این رو در دوران خاتمیت وحی و وساطت در بشر تجلی می‌کند تا او را به کمک آن چه از پیش فرستاده است و محمد و عیسی و

موسی آورده‌اند، به نزد خود ببرد، با خود سازند و در خود. و باز اشاره باید کرد که این سه راه آسمانی که شمار زیادی از آدمیان ربع سکون از آن پیروی می‌کنند، نام‌هایی پرمعنی دارند. موسویان، عیویان و محمدیان. با اندک تفاوتی، نتوانسته‌اند، نام‌های جالفتاده‌ای برای این سه آیین شوند. و نیز آیین موسی، آیین عیسی و آیین محمد، اصطلاحاتی نیستند که دین باوران این سه آیین را خوش آید و اگر کاربردی دارند، کاربردی غیردقیق و گاه از سر نقد است.

نسبت این آیین‌ها به آورندگان را از آن رو نمی‌پسندند که می‌گویند اینان آنچه آوردند خدایی است و خدا خود بر آنها نام می‌نهد، این آیین‌ها تولیدات فکری یا ذهنی اینان یا تجربه خاص شخصی‌شان (چنان که در ادیان شرق مطرح است) نیست. مسلمانان می‌گویند محمد واسطه وحی است و آن چه آمده است اسلام است و ما نه محمدیان که مسلمانان هستیم و محمد خود، مسلمان است. مسیحیان خود را به صفت مسیحایی وصف می‌کنند و نه نام خاص و فیزیکی مسیح یعنی عیسی و نام عیویان را بر خود نمی‌پسندند و باز می‌گویند عیسی اگر قدر می‌بیند و ارج، به خاطر آن است که مسیح شده است و نجات را به ارمغان می‌آورد و یهودیان، البته با تفاوتی، آیین یهود را به جای آیین موسی یا موسوی می‌پذیرند و نام خود را نه موسویان که یهودیان می‌پسندند چرا که

در این کنفرانس نمایندگان جامعه کلیمیان ایران هارون یشایی، رئیس انجمن کلیمیان و دکتر یونس حمامی لاله‌زار متفکر دینی یهودیان نیز حضور داشتند و نقطه نظرات خود را در مسائل مربوط به جامعه کلیمیان ایران و مسائل شرعی و فقه یهود در ارتباط با گفتگوی بین ادیان بیان داشتند. ریاست این جلسه به عهده حجت‌الاسلام سیدمحمد ابطحی و دکتر اسکات سیتون از ایالات متحده آمریکا بود.

در این جلسه هیئت ۱۲ نفره اعضا کلیسای پرسبیتی از آمریکا و متفکران اسلامی حضور داشتند سخنرانی فهمیه موسوی‌نژاد رئیس موسسه گفتگوی ادیان در این جلسه مورد توجه فراوان حضار قرار گرفت.

گفتگو، فرود آمدن از فراز

متن سخنرانی فهمیه موسوی‌نژاد در کنفرانس در انگیزه‌ها و موانع گفت و گوی ادیان .

۱۸ خرداد ۱۳۸۳

سپاس و ستایش خدایی را که در اوج عظمت پایین دستی پیشه می‌کند و در دل این برآمده از خاک جای می‌گیرد و با حضورش آسایش و آرامشی را خلق می‌کند که هرگونه تردید در معنای «الا بذکر الله تطمئن القلوب» را از بین می‌برد. پیک آسمانی سه بار از آسمان فرود آمد و سه کس را خطاب قرار داد، موسی، عیسی و محمد. و از آنها خواست که بر وجود و حضور خدا گواه باشند و تعالیمشان را در قالب وحی در بقچه نبوت به دستشان داد که خود عامل به آن و برای دیگران شارح

مسیحیان پیرو الهیات انجیلی اصلاح شده، در مقام «اهل کتاب» معتقدند که باید خود را به خدای کتاب مقدس تسلیم سازند و این کار جز از طریق ایمان (و بنابراین اطاعت) از تعلیم کتاب مقدس که کلام مکشوف شده خداست، میسر نیست.

مسیحیان انجیلی پیرو الهیات اصلاح شده نیز می‌توانند قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان را در درجه نخست با توجه به شهادت آن در نظر گیرند، بدین معنا که بپذیرند قرآن به راستی بر حضرت محمد نازل شد و سپس تدوین و به رشته تحریر کشیده شد و در قالب نسخه‌ای خطی در دسترس انسان‌ها قرار گرفت.

از چشم‌انداز مسیحیان انجیلی پیرو الهیات اصلاح شده، روشن است که هر یک از جوامع دینی اسلام و مسیحیت، کتاب آسمانی خود را دارای حجیت و کلام آخر می‌داند. اغلب، همین تفاوت به تنهایی حل‌ناشدنی جلوه کرده است. می‌توان تمامی اتهامات صریح را مبنی بر بی‌اعتبار بودن متن فعلی کتاب مقدس و یا مخدوش شدن آن را در جریان انتقال متن، به محک علم نقادی متن سنجید.

و باز از منظر مسیحیان انجیلی، هرگاه مسیحیان و مسلمانان به وجوه افتراق خود با یکدیگر می‌رسند، به جای بی‌احترامی و متهم ساختن یکدیگر به کفرگویی، بهتر است این حقیقت را مد نظر قرار دهند که هر یک تابع درک دین خود از داورهای خدا است، داورهایی که بر ایمان ایشان حاکم است و آنان در همین محدوده نیز با احترام و فرمانبرداری عمل می‌کنند.

چنین دیدگاهی درخصوص نحوه اشاعه دین، استلزاماتی در پی دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود. مطابق دیدگاه فوق، دولت نمی‌تواند برای تحمیل ایمان بر وجدان انسان‌ها، به زور متوسل شود. آزار و ایذای اجتماعی یا تبعیضی که برپایه دین صورت می‌گیرد، پذیرفتنی نخواهد بود، خاصه وقتی این مسیحیان هستند که بر پیروان سایر ادیان ظلم و تبعیض روا می‌دارند. ■

آنان با دریافت وحی از بلندای با خدا بودن به میان ما آمدند تا خدا را در وجودمان تجلی بخشند و ما امروز پس از قرن‌ها به اندک ظرفیت و امکانات خویش احیای نام و آیین آنها را در این جمع کوچک که صمیمانه چندین سال است تلاش می‌کنند، سرلوحه کار خویش ساخته‌ایم.

و البته ما به آن بزرگ مردانی که در قالب آن چه امروز به ادیان شرق شهرت یافته است، تعلیم نجات‌بخشی را برای انسان به یادگار گذاشته‌اند توجه داشته و در این مسیر «شرق» و «غرب» سیاسی را به کنار نهادیم و با تکیه بر همزیستی «شرق» و «غرب» دینی که حاکی از ادیان منطقه شرقی آسیا و ادیان منطقه غرب آسیا است، در پی فراهم آوردن زمینه‌ای بسیار کوچک برای نجات انسان هستیم. پس بیایم از فرازها فرود آییم و اگر در آن فرازها و فرود، رازی یافتیم به میان بشریت آوریم و چونان پیروان راستین محمد و عیسی و موسی تعالی انسان را هدف خود و تجلی خدا در دوران زندگی آدمیان را مقصد بدانیم و در این راه بسیار کسان به راه‌های بسیار می‌اندیشند، ما به گفت‌وگو و هم‌سخنی می‌اندیشیم.

والسلام

فهیمة موسوی‌نژاد

مدیر موسسه گفت‌وگوی ادیان

مختصری از سخنرانی پروفیسور ساموئل ا.ج. لارسن (نماینده کلیسای پرسبیتی آمریکا)

مدیر امور آموزشی دانشکده الهیات

اصلاح شده در کنفرانس ادیان ۱۸ خرداد ماه ۱۳۸۳

در قرآن، یهودیان و مسیحیان به «اهل کتاب» موسومند. مسیحیانی که پیرو الهیات انجیلی اصلاح شده هستند، کتاب مقدس را کتاب آسمانی خود می‌دانند، همان‌گونه که یهودیان نیز کتاب مقدس عبری (عهد عتیق) را کتاب آسمانی خود برمی‌شمارند.

می‌گویند موسی خود یهودی است و آن چه آورده است، سلسله‌ای تعلیم جامع برای قوم برگزیده خدا یعنی بنی‌اسرائیل که به وصف منطقه یهودیه، یهودیان نام گرفته‌اند می‌باشد.

پس می‌توان گفت آن بزرگواران حامل وحی که هر کدام به طور نمادین از کوه «سبل بالا و محکم بودن» به «دامنه» آمده‌اند، در واقع خدا را از دور از دسترس بودن به درون جامعه بشری آوردند تا بشر نخواهد برای رسیدن به او به بالای کوه رود، به بالا و بالا رود، بلکه خدا را چنان به او نزدیک ساخته‌اند که «اقرب من جبل الورد» باشد و تجلی یافته در وجود انسان. و این است پیام محمد و عیسی و موسی که در قالب اسلام و مسیحیت و یهودیت برای انسان آورده شده.

آنجا که نجات انسان و تعلیم خدا مطرح است، اینان یعنی محمد و موسی و عیسی خود پنهان می‌شوند و هویت شخصی برای خود قایل نیستند، آن چه مهم است، آیینی است که خدا به آنها داده و آنان باید به انسان برسانند و چه خوب هم رسانند و ما همه انسان‌ها باید قدر دان نام و آیین آنها باشیم و از این رو می‌گوییم صلوات الله علی نبینا محمد (ص) و علی جمیع الانبیا و المرسلین سیما موسی بن عمران و عیسی بن مریم. (و سلام و درود خدا بر پیامبر ما محمد (ص) و بر تمامی انبیا و فرستادگان و به ویژه موسی پسر عمران و عیسی پسر مریم باد).

در موسسه گفت‌وگوی ادیان، اگر رنجی متحمل می‌شویم و کاری انجام می‌دهیم با همین برداشت صورت می‌گیرد و بی‌تردید روح بلند آن سه بزرگ تاریخ یاری‌گر ما در این عرصه خواهد بود. ما به تبع از این آیین بزرگ که اسلام نام دارد و آن دو دیگر را کنار خود می‌خوانیم چرا که قرآن می‌گوید «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و الانشُرک به شیئا»



زن یهودی ایرانی و جهان امروز

متن سخنرانی مرجان یشایایی
در ارتباط با حقوق زن در سوند
سال ۲۰۰۳ میلادی (مرداد ۱۳۸۲)

دهه سوم زندگی آنها است که از سن متوسط ازدواج در ۱۵ سال گذشته در جامعه یهودی ایرانی و همچنین از سن متوسط فعلی ازدواج در جامعه اکثریت پائین تر است. کم شدن

**امروز با وجود این که
تشکیلات متعدد جوانان یهودی
در ایران فعال هستند، کار
بنیادین در امور اجتماعی از
حوزه مرکزی فعالیت این
سازمان ها کنار گذاشته شده
است**

سن ازدواج علاوه بر تحمیل بار اقتصادی به زوج جوان و به خطر انداختن فرصت های ادامه تحصیل و پیشرفت های فردی، احساس افسردگی و سرخوردگی از انتخاب با عجله و تحت فشار را برای تمام عمر و طول زندگی مشترک در ذهن هر دو طرف باقی می گذارد. درصد بالایی از ازدواج ها از طریق کاملاً سنتی و معرفی بزرگان خانواده ها و مراسم خواستگاری صورت می گیرد که طبیعتاً تنوع روابط اجتماعی را محدود کرده، امکان انتخاب فرد را پائین می آورد و احتمالاً طرفین را به قبول و ادامه یک زندگی مشترک ناخواسته مجبور می سازد.

در دوران ازدواج و زندگی مشترک، سلطه بی چون و چرای مرد در حوزه های اقتصادی و فرهنگی خانواده و تربیت فرزندان که به موجب قوانین جاری مملکتی

مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به زنان اعمال می شود. مقاله حاضر نگاهی کوتاه است به وضعیت زنان در جامعه یهودی ایران که سعی در مطرح کردن و تجزیه و تحلیل نکات اصلی دارد. این نوع محدودیت های سنتی در مسیر زندگی فرد تأثیرات متفاوتی را می گذارد که چند مرحله آن بررسی می شود.

در آشنایی و روابط دختران و پسران جوان در سال های اخیر نه تنها بهبودی دیده نشد بلکه در اثر موج مهاجرت ایجاد شده در جامعه یهودی ایرانی و طبعاً کوچک شدن جامعه، شاهد نوعی بازگشت به سنت ها بوده ایم که شدیداً آزادی روابط دختر و پسر در حد معاشرت را زیر سوال می برد و عملاً ازدواج ها در شرایط نامعلوم از جانب طرفین و ناآشنایی به خصوصیات یکدیگر انجام می گیرد. با توجه به این که رهبری مذهبی یهودی در ایران کاملاً سنتی و کنسرواتیو است این محدودیت ها به عنوان روش و فریضه مذهبی از تربیون کنیساها تبلیغ می شود، در نتیجه حرکت اجتماعی کند می شود و زنان بیش از همه از آن زیان می بینند. بسیاری از دختران و پسران که مایل به ایجاد رابطه دوستی با یکدیگر هستند با سخت گیری های بی مورد سنت گرایی که آبرو، شخصیت و آینده اجتماعی آنان را نشانه رفته است مواجه می شوند و سعی می کنند این روابط را در خارج از جامعه یهودی پیدا کنند و یا با ازدواج زود هنگام در سنین پائین جلوی بدگویی های افراد مختلف را بگیرند.

سن متوسط ازدواج در حال حاضر در جامعه یهودی ایران در بین دختران حدود بیست سال و در پسران قبل از فرا رسیدن

مسئله زنان و به خصوص دختران جوان در جامعه یهودی ایران را از منظری کاملاً متفاوت از اکثر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس، می توان مطرح کرد.

کشور ما در حال گذار از نظام سنتی به دوران قبول شرایط و مقتضیات عصر مدرنیته می باشد. تحول فکری و کلی جامعه ایرانی، فاصله گرفتن از طرز تفکر سنتی و نزدیک شدن تدریجی به سمت باورهای است که نگاه به مدرنیسم و آینده دارند، اگر چه که روشنفکران و جامعه ایرانی در طی این روند سعی در حفظ هویت شرقی جامعه ایرانی داشته اند. ویژگی بسیار مهم جامعه یهودی ایران در زمان ما، دور ماندن از تحولات فکری و اجتماعی صورت گرفته در جامعه ایرانی و سپس در جوامع یهودی دیگر کشورهای دنیا و حفظ هویت کنسرواتیو (محافظه کارانه) آن است. به طوری که هنوز هم گرایش غالب در روابط اجتماعی و فردی، گرایش سنتی و کنسرواتیو است و حتی در مهاجرت به آمریکا و اسرائیل، ایرانیان یهودی بار سنگین سنت های قدیمی را با خود جابجا می کنند.

بیش از آن که این روابط ایستا را حاصل تأثیرات خارج از جامعه یهودی بدانیم، در واقع نفوذ فرهنگ و سنت های گذشته و میل افراد داخل جامعه به حفظ این نفوذ، از مهمترین علل کند بودن تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه یهودی ایران هستند.

معمولاً تحول فکری به علت پیامدهای نامعلوم آن و حرکتی که در جامعه ایجاد می کند، سرکوب شده، به از بین رفتن یهودیت و خانواده های یهودی نسبت داده می شود و بیشترین فشار در جوامع کوچک سنتی مثل جامعه یهودی ایران از جنبه های

دگرگونی در مجموعه این کلاف پیچیده کاری طولانی مدت است که نیاز به تغییر پارامترهای متعدد دارد. از جمله مهمترین کارهایی که باید صورت گیرد، ایجاد باور و اعتقاد به لزوم تغییر در جوامع سنتی است. این که اصولاً مدیران جامعه و ارگان‌های مربوطه و به خصوص نسل جوان به این نظر برسند که روابط اجتماعی که به شکل دست نخورده از چندین نسل قبل به آنها رسیده در دنیای امروز باید تغییر کند و مطابق با عصر ارتباطات، روابط اجتماعی هم امکان تغییر وضعیت موجود خود با شرایط جدید را داشته باشند و سپس این که نسل جوان باور کند که قدرت تاثیرگذاری روی این روابط را دارد. از هجوم بنیادها و افکار سنتی نترسد و بتواند سنت‌های گذشته و اعتقادات دینی خود را با شرایط جدید زندگی هماهنگ نموده، حرف خود را شجاعانه مطرح کند. امروز با وجود این که تشکیلات متعدد جوانان یهودی در ایران فعال هستند، کار بنیادین در امور اجتماعی از حوزه مرکزی فعالیت این سازمان‌ها کنار گذاشته شده است و ترتیب دادن برنامه‌های تفریحی و برگزاری سخنرانی‌ها اولویت اول را اشغال کرده است. مشکل دیگر در زندگی جوانان یهودی ایرانی با توجه به محدودیت‌های پس از انقلاب و ۸ سال جنگ با عراق ارتباطات خارجی این جامعه با سایر یهودیان جهان است که برای گذار از شرایط کنونی و رسیدن به شرایط بهتر به یک نیاز فوری مبدل شده است. تبادل آرا و عقاید و تجربیات و آشنا شدن از نزدیک به آنچه در جهان امروز می‌گذرد یکی از مهمترین انگیزه‌های هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در این کنفرانس و کنفرانس‌های دیگری است که در سطح بین‌المللی برگزار می‌شوند.

ما امید داریم که به عنوان عضوی از اعضای جامعه جهانی یهود و تنها جامعه یهودی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کند، کار دشوار هماهنگی فرهنگی این جامعه را با جوامع امروزی آغاز کرده و با توجه به ویژگی‌های خاص ایرانی به پیش ببریم و در این راه هیچ امکانی را کنار نخواهیم گذاشت. ■

متأسفانه به علت این که زنان یهودی ایرانی حاضر به بازگو کردن مسائل خود در بیرون از خانواده نیستند، هیچ آمار روشنی از خشونت‌های خانگی به شکل فیزیکی یا روحی و روانی وجود ندارد. تنها مسئولانی که در تماس مستقیم با زنان (خصوصاً زنان ازدواج کرده) هستند مانند مدیران مهدهای کودک یهودی یا مددکاران اجتماعی و مراکز مشاوره خانواده سازمان بانوان یهودی از روی نشانه‌های ناپیدا و نامحسوس از جمله صدمات فیزیکی و یا افسردگی و ناراحتی‌های روحی پیشرفته در بین مادران و کودکان می‌توانند به این خشونت‌ها پی ببرند.

مراحل بسیار مشکل طلاق باعث تثبیت تسلط مردانه و ترویج اعمال خشونت‌های خانگی شده است. طلاق در جامعه یهودی ایران امری بسیار ناپسند است و بر اثر این ذهنیت امکان ازدواج دوباره طرفین جدا شده در مردان بسیار پائین و در مورد زنان تقریباً محال است و زنانی که به هر علت با شرایط بسیار دشوار امکان جدایی از همسر خود را پیدا می‌کنند، می‌دانند در هر سن و سالی که باشند امیدی به تشکیل مجدد زندگی خانوادگی وجود ندارد، مگر با جدایی از پدر و مادر و ترک زادگاه خود و قبول یک روند پیچیده و مشکل مهاجرت و یا ازدواج غیریهودی که معمولاً با عدم موفقیت همراه است.

همانطور که گفته شد جامعه ایرانی و از جمله جامعه یهودی در حال گذار از شرایط زندگی سنتی به زندگی مدرن است. طرح این مسائل به معنی نگاهی مطلقاً بدبینانه به روابط اجتماعی نیست ولی تاثیر شدیدی که این روابط به خصوص روابط جوانان از جو سنتی می‌پذیرد، برداشتن هر قدمی را برای نزدیک کردن این روابط به نوع امروزی آن بسیار مشکل کرده است. در واقع فعالیت‌های ما در نهادهای زنان یهودی ایرانی نه تحول و دگرگونی اساسی در کیفیت این روابط، بلکه تعدیل آن در همان چهارچوب قوانین و مقررات سنتی است. این در حالی است که تعداد زنانی که در مقاطع دانشگاهی تحصیل می‌کنند رو به افزایش است ولی اشتغال زن به خصوص بعد از ازدواج در هر رده‌ای با توجه به نگرش سنتی در جامعه یهودی امری است که ندرتا دیده می‌شود.

و بعضی اصول اعتقادی دین ما مورد حمایت اجتماعی هم هست، زن یهودی ایرانی را با هر سطح تحصیلات و اشتغال به شکل شریک دست دوم و حرف‌شنوی مرد خانواده درآورده است. در واقع نقش زنان تنها در محدوده اداره خانه و بزرگ کردن (نه تربیت) فرزندان زیر نظر مرد خانه معنی پیدا می‌کند. اظهار نظر در مورد تربیت فرزندان، سیاست‌های کلی و کلان خانواده، اعمال نظر و هر نقشی در سیاست‌های اقتصادی خانواده از جمله هزینه‌های جاری چه جزئی و چه کلی مناطق ممنوعه‌ای به شمار می‌روند که ورود زن خانه به آنها تنها با اشکال و زحمت زیاد انجام می‌گیرد و تازه پس از این ورود، مشکل نقش زن باز هم دست دوم و غیرعادلانه است.

متأسفانه به علت این که زنان

یهودی ایرانی حاضر به بازگو کردن مسائل خود در بیرون از خانواده نیستند، هیچ آمار روشنی از خشونت‌های خانگی به شکل فیزیکی یا روحی و روانی وجود ندارد

با توجه به اینکه در قانون اساسی ایران تاکید شده است که اقلیت‌های مذهبی در احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت) ملزم به تبعیت از قوانین مذهبی خود هستند و در خیلی از موارد اظهارنظرهای مذهبی یهود سختگیرانه‌تر از قوانین جاری مملکت است، این تبعیض حقوقی و اجتماعی حتی ورای قوانینی عمل می‌کند که تا حدودی حقوق زنان را در جامعه اکثریت ایرانی پیش‌بینی کرده است. از جمله این قوانین حق طلاق برای زن در صورت غیبت یا عدم تمایل شوهر است که تحت شرایط محدودی برای زن ایرانی در نظر گرفته شده است، ولی در جامعه یهودی حق درخواست طلاق برای زنان در صورت فرار یا عدم حضور شوهر اصلاً موضوعیت ندارد. مورد دیگر حقوق زن ایرانی در امور اقتصادی خانواده مانند دریافت نفقه و مهریه و هزینه‌های جاری خانواده است که چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ قوانین مذهبی با مشکلات فراوان می‌توان برای آن راه‌حل پیدا کرد.



غرفه انتشارات انجمن کلیمیان تهران در هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

افزایش تعداد عنوان‌های کتاب درباره دین، فرهنگ، عرفان و تاریخ یهود

هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۴ الی ۲۴ اردیبهشت ۸۳ در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. انتشارات انجمن کلیمیان تهران نیز با برپایی غرفه‌ای به معرفی و عرضه آثار در حوزه فرهنگی و دینی یهود نمود.

ویژگی قابل توجه غرفه امسال، عرضه کتبی در حوزه یهود از روحانیون مسلمان حوزه علمیه قم با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم با عناوین «سیری در تلمود»، «یهودیت»، «کتاب مقدس» و «انتظار مسیحا در آیین یهود» بود.

از میان کتب منتشره توسط انجمن کلیمیان از ۲ کتاب تهلیلیم (مزامیر داوود) و فرهنگ و پیش یهود (کتاب درسی دوره دبیرستان) بیشترین استقبال صورت گرفت و ۲ کتاب سیری در تلمود (حجت الاسلام باقر طالبی دارابی) و یهودیت (حجت الاسلام عبدالرحیم سلیمانی اردستانی) نیز بسیار مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفتند.

بسیاری از مراجعین غرفه انجمن کلیمیان همانند سال‌های گذشته خواستار متن تورات و کتاب مقدس بودند که همچنان با پاسخ منفی متصدیان این غرفه مواجه می‌شدند.

اداره و پاسخگویی در غرفه انجمن امسال به طور عمده با همکاری جدی اعضای سازمان دانشجویان یهود صورت گرفت که علاوه بر ایجاد نظم و حضور مستمر در غرفه برای پاسخگویی، راهنمایی و عرضه کتب به مراجعین، ایشان را با فضای فکری جامعه مسلمان و اقشار مختلف کشور نسبت به یهودیان و آیین یهود بیشتر آشنا ساخت.

تعدادی از اعضای هیئت مدیره انجمن، نهادهای جامعه کلیمی، موسسه گفتگوی ادیان، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم، دانشجویان رشته ادیان دانشگاه‌ها و جمعی از مؤلفان و محققان حوزه یهود از این غرفه بازدید و با متصدیان آن به گفتگو پرداختند.

مسئولیت غرفه را آرش آبانی و تصدی دائم آن را سامان کاهن برعهده داشت و پیگیری، برپایی و اداره آن بر عهده فرهاد افرامیان، دالیا دانیالی، گلناز یروشلمی، دانیال ذریمانی، آنیثا کیکیان، نادر کی‌پور، سپیده کی‌پور، آپلین تشخیصی، پریسا حی، سارا حی، آرش گیلاردیان، نغمه عزیزاده، پگاه دانیالی، نازی حله‌لویان و سالار کاهن بود.

تجدید چاپ «گنجینه‌ای از تلمود»

کتاب «گنجینه‌ای از تلمود» گزیده و خلاصه‌ای از اصل کتاب است که توسط دکتر ابراهام کهن تدوین و در سال ۱۳۵۰ برای بار اول به فارسی ترجمه و منتشر شد. از سال ۱۳۵۰ تاکنون نسخه‌ای از تلمود در ایران منتشر نشده اگر چه مقالات و نقد و بررسی‌هایی بر این کتاب دینی انجام گرفت. از جمله می‌توان به «نقد و نگرش بر تلمود» نوشته ظفرالاسلام خان ترجمه محمدرضا رحمتی از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم و مقاله «جوهره تلمود» نوشته باقر طالبی دارابی، در مجله «هفت آسمان» شماره ۷ در سال ۱۳۷۹ اشاره کرد.

کتاب حاضر «گنجینه‌ای از تلمود»، نسخه افست از کتابی است که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد. «گنجینه‌ای از تلمود» دارای ۱۲ فصل است که هر فصل به یک موضوع دینی اختصاص یافته است:

فصل اول «یکتا خدای جهان‌آفرین» نام دارد که به موضوعات و مفاهیم وجود خدا، وحدانیت، نداشتن جسم و ماده، ابدیت، عدالت و رحمت، قدوسیت، کمال و ابوت می‌پردازد.

فصل دوم «خدا و کائنات» نام دارد و به پیدایش عالم و انتظام آن، خارج بودن از جهان مادی و نفوذ مطلق در عالم، فرشتگان، اسرائیل و سایر ملل جهان اختصاص دارد.

فصل سوم، با عنوان «انسان»، احکام دینی مربوط به وجود انسانی، روح، ایمان، دعا و نماز، غریزه، اختیار، گناه، توبه، کفاره، پاداش و کیفر را توضیح می‌دهد.

فصل چهارم، با نام «وحی و الهام به نسبوت»، تورات، تورات شفاهی، انجام دادن فرامین تورات.

فصل پنجم، «زندگی خانوادگی»، به احکام زن و همسر، ازدواج و طلاق، فرزند، تعلیم و تربیت، وظایف فرزند در قبال والدین.

فصل ششم، «زندگی اجتماعی»، به احکام فرد و جامعه، کار و زحمت، کارفرما و کارگر و صلح و عدالت.



فصل هفتم: «زندگی اخلاقی»، به احکام پیروی از خدا، تواضع و فروتنی، خیرات و صدقه، درستکاری، عفو و بخشایش، اعتدال و میانه و وظایف انسان در مقابل حیوانات.

فصل هشتم: «زندگی جسمانی» به احکام توجه به بدن و قوانین بهداشتی، علم تغذیه، معالجه و درمان بیماری‌ها اختصاص دارد. کتاب «گنجینه‌ای از تلمود» تألیف دکتر ابراهام کهن و ترجمه امیر فریدون گرگانی، از سوی انتشارات اساطیر منتشر شده است. تطبیق این کتاب با متون عربی توسط یهوشوع تنن الی انجام شده است.

«گنجینه‌ای از تلمود» در قطع وزیری با ۳۹۱ صفحه، با قیمت ۸۱۰۰ تومان در دسترس دین‌پژوهان است.

منبع: شرق، ۸۳/۳/۱۷

سیری در تلمود

عنوان اصلی:

The Essential Talmud

مؤلف: آدین اشتاین سالتز (۱۹۳۷ م)

مترجم: حجت‌الاسلام باقر طالبی دارابی

ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و

مذاهب قم

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۳

تلمود، به عنوان مجموعه عظیم و اصلی فقه یهود، در طول تاریخ در نظر غیریهودیان از یک سو به علت ساختار گسترده و منسجم فقهی، حقوقی و اخلاقی آن مورد مدح و احترام بوده و از سوی دیگر به علت لحن صریح آن در موضع‌گیری در برابر غیریهودیان (که در زمان شکل‌گیری آن در حدود ۲۰۰۰ سال پیش عموماً کافران را شامل می‌شد) و حتی سخت‌گیری نسبت به یهودیان غیرملتزم به شرع یهود، مورد انتقاد، عتاب و حتی توهین قرار گرفته است.

در تاریخ معاصر ایران و به ویژه سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به جهت آن که این مجموعه ۳۷ جلدی هرگز به طور کامل به زبان فارسی ترجمه نشد، و نیز به علت فضای ضدصهیونیستی کشور که متأسفانه به کرات آیین یهود را ابزار مقابله ایدئولوژیک با دولت اسرائیل و صهیونیسم قرار می‌داد (و می‌دهد)،

نقل قول‌هایی ناقص و حتی تحریف شده به تلمود و آیین یهود منسوب و متعاقب آن، امواج توهین و استهزا به این کتب به عنوان مرجع احکام دینی یهودیان از سوی رسانه‌ها، نشریات و کتاب‌ها به سوی افکار عمومی بی‌خبر از واقعیات ارسال می‌شد.

متأسفانه توان علمی و فرهنگی جامعه کلیمیان ایران در این سال‌ها در حدی نبود که بتواند با اقدام اساسی فرهنگی (که مهمترین آن تألیف کتابی مناسب بود) این هجمه کذب به مقدسات خود و امنیت فرهنگی جامعه کلیمی را خنثی سازد. جوابیه‌های پراکنده به مطالب موهن نشریات (که حتی به مدارس نیز راه یافته‌اند) و سخنرانی‌های معدود در همایش‌های دینی، حداکثر اقدام این جامعه در این زمینه بوده است.

خوشبختانه رویکرد مثبت جامعه ایرانی و محققان روشنفکر مسلمان در سال‌های اخیر به واقعیات دیگر ادیان در رفع این کوتاهی جامعه کلیمی تا حدی تأثیر نهاده است که انتشار سیری در تلمود مهمترین این اقدامات است.

حاکام آدین اشتاین سالتز- نویسنده کتاب - که امروزه شخصیتی جهانی و از رهبران فکری یهودیان جهان است، با تأسیس موسسه چاپ و نشر تلمود، تاکنون بیش از ۵۸ عنوان کتاب در زمینه تلمود، تفکر عرفانی یهود و سایر موضوع‌های وابسته نوشته و

شهرت او بیشتر به خاطر شرح و تفسیر و ترجمه‌های او در زمینه تلمود بابلی است که از سی سال پیش تاکنون ادامه دارد.

حجت‌الاسلام باقر طالبی دارابی از محققان برجسته حوزه ادیان و عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم، این کتاب را با دقت نظر و امانت‌داری کامل ترجمه کرده و پس از بازخوانی‌های متعدد توسط تنی چند از صاحب‌نظران، آن را به دست چاپ سپرده است. وی در مقدمه کتاب ضمن آن که از یهودیت با عنوان «دینی که آموزه‌های مشترک آن با دین اسلام بیشتر از هر دین دیگری است» نام می‌برد، کتاب و سنت اسلام را با شریعت مکتوب (تورات - عهد عتیق) و شریعت شفاهی (تلمود) در یهود مقایسه می‌کند.

طالبی دارابی در معرفی تلمود می‌نویسد: «تلمود نماد عقلانیت، تفکر، اجتهاد، فقه، کلام و در یک کلمه سمبل ادبیات دینی یهود است. سخن گفتن از تلمود، سخن گفتن از تاریخ اندیشه و فرآیند رو به رشد اجتهاد یهود است. تلمود اثری دیرپاست که ریشه در تاریخ و متن حوادث واقعه در زندگی پرمشقت یهودیان، به ویژه عالمان، فقیهان و حکیمان این قوم دارد...»

مترجم با اظهار افتخار عضویت در مجموعه کسانی که راه تفقه در دین را

برگزیده‌اند، این کتاب را با خرسندی به فارسی‌زبانان و حوزه‌های علمیه تقدیم کرده است. با این امید که شناخت گذشته تلاش‌های فکری عالمان یهودی در پاسخگویی به نیازهای دین‌داران و زنده نگه داشتن تعالیم یهودیت برای تفقه اسلامی و شیعی نیز ره‌آوردی شایسته داشته باشد.

کتاب سیری در تلمود حاوی سه بخش شامل تاریخ شکل‌گیری و تدوین تلمود، ساختار و محتوای آن، و روشمندی مباحث تلمودی است که حجت‌الاسلام طالبی، سه قسمت فهرست بخش‌ها و رساله‌های میثنا و تلمود، نمایه و واژه‌نامه عبری را نیز به آن افزوده است.

ویراستاری واژگان عبری کتاب و تنظیم واژه‌نامه عبری پیوست آن را مهندس آرش آبائی و دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار در انجمن کلیمیان تهران برعهده داشته‌اند.

انجمن کلیمیان تهران، ضمن تقدیر از مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم و به ویژه حجت‌الاسلام باقر طالبی دارابی به خاطر ترجمه و انتشار این کتاب ارزشمند، مطالعه آن را به تمامی همکیشان و محققان حوزه یهود توصیه می‌نماید.

کتاب مقدس - عهد عتیق و عهد جدید

مؤلف: ویلیام گلن - هنری مرتن

ترجمه: فاضل خان همدانی

معرفی: رضا سهرابی

از میان نامه‌های رسیده، در مورد این کتاب و ترجمه آن دوست عزیز و ارجمندمان مهندس رضا سهرابی یا آن طور که خود به زبان کردی نوشته است «ره‌زا سهرابی» در مورد شرح حال مترجم دانشمند و فاضل این اثر نفیس که حدود ۱۵۰ سال پیش اقدام به ترجمه نموده است و اخیراً به همت «انتشارات اساطیر» تجدید چاپ گردیده مطالبی با استفاده از مقاله محمد علی کوشا ارسال داشته‌اند که بعضی از قسمت‌های آن را به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانیم:

آنچه در این مقام جای شگفتی دارد، این است که اثری با این فخامت و دقت، آن هم از رشحه قلم ادیبی بزرگ و توانمند، به بازار علم و فرهنگ و ادب عرضه می‌گردد، ولی نه

تنها در مقدمه سخنی از شرح حال او به میان نمی‌آید، بلکه نام و نسب او نیز دستخوش تحریف و تغییر می‌شود! و به جای عنوان «محمد فاضل خان گروسی»، «فاضل خان همدانی» می‌نویسد، حال آن که هرگز در گروه نویسندگان و مترجمان همدان کسی به نام فاضل خان به چشم نمی‌خورد.

محمد فاضل خان گروسی - مترجم

کتاب مقدس

میرزا محمد معروف به «فاضل خان»، فرزند محمد اسماعیل، جد و نیای فاضل نیا‌های بیجار، از طایفه بایندر ترکمان، در شب جمعه، ۱۴ ذی‌الحجه ۱۱۹۸ قمری در روستای نگارستان گروس ولادت یافت. در جوانی وارد طبقه فضلا شد و او را «فاضل خان» لقب دادند و بعداً به این لقب معروف شد و در شعر «راوی» تخلص می‌کرد.

تلمود هنوز پایان نیافته است،
عالمان هر روز و هر ساعت
موضوع‌های جدیدی برای مطالعه و
تحقیق کشف می‌کنند و به نظرات
جدیدی می‌رسند

ترجمه کتاب مقدس (تورات و انجیل)، از عبری به فارسی. وصف این اثر بسیار نفیس و ماندگار را بارها از زبان افراد آگاه و آشنا به ادب فارسی شنیده بودم. هر چند برای یافتن آن جست‌وجوی فراوان کردم، اثری از آن نیافتم، تا این که در ۲۹ خرداد ۱۳۸۱، روزی در یکی از کتاب‌فروشی‌ها، کتاب بسیار فطوری توجه مرا به خود جلب کرد. وقتی کتاب را در دست گرفتم، دیدم همان گمشده من است که سال‌ها در پرس و جوی آن بودم. ولی با کمی تعجب دیدم نام مترجم به جای «فاضل خان گروسی»، «فاضل خان همدانی» ثبت شده است. به مقدمه آن نگریستم، باز دیدم که نه تنها به جای کلمه «گروسی» واژه «همدانی» آمده است و نام کوچک او هم که «محمد» است حذف گردیده، بلکه کمترین اشاره‌ای هم به شرح زندگانی و آثار او نیز نشده است! بسیار دریغ و افسوس خوردم که اثری این گونه سُخته و پخته از صاحب قلمی ادیب و فرهیخته، آن هم ترجمه‌ای از کتاب آسمانی تورات و انجیل، به جامعه دینی و فرهنگ‌دوستان ایران زمین عرضه گردد، ولی

نام و نشانی از مترجم آن به خوانندگانش داده نشود! با کمال بی‌تابی با ناشر آن انتشارات اساطیر در تهران - تماس گرفته، اصل قضیه را جویا شدم. ناشر محترم توضیح داد: اولاً ما حدود پانزده سال است که معطل اخذ مجوز برای نشر این اثر بوده‌ایم! ثانیاً در نسخه اصلی آن که در لندن است، بر روی جلد آن عنوان «فاضل خان همدانی» آمده، نه «گروسی»، و ما هم بر همین اساس، آن را انتشار داده‌ایم. من به ایشان توضیحات لازم را دادم و یادآور شدم که: فاضل خان گروسی به مناسبت این که در اواخر عمرش، چند ماهی ماموریت یافت که در کرمانشاه و همدان به سربرد، و ظاهراً این ترجمه را هم در همدان به انجام رسانده است، لذا به جای کلمه «گروسی»، واژه همدانی بر روی جلد آن قید شده است، وگرنه محمد فاضل خان، اصل و نسبش گروسی و تا ۱۶ سالگی هم در بیجار بوده و از آن جا به تهران رفته و در جرگه ملازمان فرهنگی فتحعلی شاه درآمده است.

آری، بعد از گفت و گوی تلفنی با ناشر محترم «انتشارات اساطیر» ایشان قول دادند که در چاپ‌های بعد، شرح زندگانی محمد فاضل خان گروسی را، که به قلم اینجانب نگارش یافته به طور فشرده در مقدمه آن اثر نفیس درج نمایند، و در دسترس خوانندگان آن کتاب قرار دهند.

انتشار سیدور (کتاب نماز یهودیان) با ترجمه فارسی

با توجه به ضرورت وجود ترجمه فارسی متن سیدور (کتاب نماز و دعای یهودیان) برای فهم بهتر معانی عبادات و آگاهی به احکام آن و نیز عدم امکان دسترسی به ترجمه‌های قدیمی، کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران با توجه به امکانات موجود، اقدام به ترجمه بخش‌هایی از متن سیدور یشاریم به زبان فارسی و تجدید چاپ آن سیدور نمود.

ترجمه متون برگزیده به عهده دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار و همکاری سایر کارشناسان فرهنگی و فنی این مجموعه بوده است. ■

پاریس میزبان فرهنگ

و سنت‌های دینی و آیینی

اقلیت‌های دینی ایران

نمایش سفره‌های آیینی جامعه کلیمیان ایران در فستیوال فرهنگی بهار ایرانی



فرهاد افرامیان نماینده انجمن کلیمیان در فستیوال فرهنگی بهار ایرانی در پاریس به اتفاق دو روحانی یهودی در یکی از کنیسه‌های پاریس

جشنواره فرهنگی با این وسعت در یک کشور اروپایی هستیم و نکته جالب توجه و حائز اهمیت آن هم حضور اقلیت‌های دینی کشور در این جشنواره فرهنگی است.

وی ضمن تشریح فلسفه مراسم ازدواج در بین ایرانیان یهودی که دربردارنده سبیل‌هایی از رموز آغاز یک زندگی سعادت‌مند با تکیه بر کتاب آسمانی تورات است، آمیختن سنن ایرانی و فرهنگ یهودی را دلیل جذابیت سفره آیینی کلیمیان برای یهودیان فرانسوی دانست.

در همین رابطه انجمن کلیمیان تهران از محمدمصدق خرازی سفیر ایران در فرانسه، انجمن‌های دینی کشور دکتر ایوبی رایزن فرهنگی در فرانسه، محیط طباطبائی و علیرضا اسماعیلی برای همکاری و مساعدتی که در اجرای این برنامه به عمل آوردند قدردانی نمود. ■

به دعوت سازمان میراث فرهنگی نمایندگان از انجمن‌های دینی کشور انتخاب و به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به منظور شرکت در جشنواره فرهنگی بهار ایرانی معرفی شدند.

نمایشگاه فرهنگ، آداب و رسوم اقلیت‌های دینی ایران با نام سفره‌های آیینی همزمان با گشایش جشنواره فرهنگی ایران در پاریس ۶ می تا ۱۲ ژوئن سال جاری میلادی در محل کنیسه سن پوپلیس پاریس برگزار گردید.

نماینده اعزامی انجمن کلیمیان تهران در فستیوال بهار ایرانی در پاریس در گفتگوهایی با خبرنگاران مطبوعات و رادیو، تلویزیون فرانسه از این نمایشگاه به عنوان آمیخته‌ای از فرهنگ، آداب و رسوم به همراه اصالت‌های انجمن‌های دینی کشور دینی موجود در ایران یاد کرد و افزود: برای اولین بار ما شاهد برگزاری

جلسه معرفی مبانی یهود

به درخواست انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال روز پنج‌شنبه ۲۱ خرداد ۸۳، تعدادی از دانشجویان رشته ادیان این دانشگاه به سرپرستی فاطمه قدمی در کنیسه یوسف‌آباد حضور یافتند.

در ابتدا دکتر یونس حمامی لاله‌زار در مورد تاریخچه ایرانیان یهودی، اصول ایمان و کتب مقدس یهود (تنخ - عهد عتیق) تلمود و شولحان عاروخ توضیحاتی ارائه دادند.

در ادامه جلسه هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان پیشنهاداتی را برای آشنایی و مطالعه بهتر یهودیت بیان کردند. جلسه با پرسش و پاسخ در مورد مناسک و اعتقادات یهود پایان یافت.

هشدار خاخام اعظم اسرائیل

درباره پیامدهای هنگ حرمت اماکن مقدس مسلمانان

«یوناماس پیتز» خاخام اعظم اسرائیل، به یهودیان افراطی نسبت به پیامدهای ناشی از آسیب رساندن به اماکن مقدس اسلامی در بیت‌المقدس هشدار داد. به گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره قطر، «یوناماس پیتز» گفت: پیامد هرگونه آسیبی به این اماکن، فاجعه‌بار خواهد بود.

همه ما فرزندان ابراهیم هستیم و هیچ پدری از این که یکی از فرزندان با کشتن خود بخواد برادر یا پسرش را بکشد، خوشحال نمی‌شود

وی که با شبکه تلویزیونی الجزیره گفت‌وگو می‌کرد، افزود: «به همه افراد از جمله ملت یهود، نسبت به پیامدهای حمله به مقدسات مسلمانان هشدار می‌دهم و در مقابل، از علمای ادیان دیگر نیز می‌خواهم از خدشه وارد کردن به مقدسات ملت یهود خودداری کنند. همه ما فرزندان ابراهیم هستیم و هیچ پدری از این که یکی از فرزندان با کشتن خود بخواد برادر یا پسرش را بکشد، خوشحال نمی‌شود. به گزارش ایرنا، «یوناماس پیتز» درباره تهدیدهای یهودیان افراطی علیه مسجدالاقصی نیز گفت: «جبل‌الیهیکل» یک حرم مقدس برای یهودیان نیز هست و ما مخالف آسیب رساندن به اماکن مقدس ادیان مختلف هستیم.

(ایران ۱۳/۵/۸۳)



خائن به قوم یهود

آیزاک باشویس سینگر
ترجمه: مزده دقیقی

بالکن ایستاده بودم و انتظار اتفاق دیگری را می‌کشیدم. در همین حال، مغازه‌های آن طرف خیابان، و مشتری‌هایش را تماشا می‌کردم، و میدان را که پُر بود از جیب‌برها، دخترهای ولنگار، و دستفروشی‌هایی که بساط بخت‌آزمایی داشتند. شماره‌ای را از

کیسه در می‌آوردید، و اگر بخت یارتان بود، شاید سه تا مداد رنگی برنده می‌شدید، یا یک دانه خروس قندی با تاج شکلاتی، یا یک دلقک مقوایی که وقتی نخش را می‌کشیدید دست و پایش را تکان می‌داد، یک مرد چینی با موی دم‌اسبی از خیابان می‌گذشت. در یک چشم به هم زدن، خیابان پُر از آدم شد. یک بار دیگر سروکله مرد سبزه‌رویی پیدا شد با عمامه سرخ‌رنگ که منگوله‌ای از آن آویزان بود، عبایی شبیه به شال دعا روی دوش انداخته، و پای بی‌جوراب سندل پوشیده بود. بعدها فهمیدم که یهودی ایرانی بوده، از اهالی شهر شوش - همان پایتخت باستانی که شاه آخِشورش، ملکه استر، و هامان خبیث در آن زندگی می‌کردند.

همه اهالی خیابان مرا می‌شناختند، چون پسر خاخام بودم. آدم روی بالکن که می‌ایستد، از هیچ‌کس نمی‌ترسد. انگار ژنرال باشد. وقتی یکی از دشمن‌هایم رد می‌شد، می‌توانستم روی کلاهش تف بیندازم و تنها کاری که از او برمی‌آمد این بود که مشت‌هایم را برانگیزد و ناسزا بگوید. حتی پلیس‌ها هم از آن بالا چندان ابهتی نداشتند. زنبورها و پروانه‌ها، و مگس‌هایی با شکم‌های بنفش روی نرده بالکن می‌نشستند. سعی می‌کردم آنها را بگیرم یا فقط می‌ایستادم و با شگفتی تماشایشان می‌کردم. چطور تا خیابان

داستانی از آیزاک باشویس سینگر (۱۹۰۳-۱۹۷۹) داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس آمریکایی یهودی لهستانی الاصل که اخیراً مجموعه داستان‌هایی از او به نام «یک مهمانی یک رقص» ترجمه خانم مزده دقیقی به وسیله انتشارات نیلوفر به بازار کتاب آمده و مورد استقبال قراوان قرار گرفته است. داستان خائن به قوم یهود از مجموعه داستان‌های این کتاب انتخاب شده و خوانندگان این کتاب را به خوانندگان عزیز توصیه می‌نمایم. اکثر داستان‌ها و نمایشنامه‌های سینگر درباره زندگی یهودیان در لهستان اوایل قرن بیستم است و تا آخرین سال‌های زندگی بیشتر کتاب‌هایش را به زبان «یدیش» زبان یهودیان غرب اروپا مخلوطی از زبان عبری و روسی و آلمانی می‌نوشت.

چه کیفی داشت که روی بالکن بایستی و سرتاسر خیابان کروخمالنا را (آن قسمت را که یهودی‌نشین بود) ببینی، از گنوینا تا سیلا^۱ و حتی دورتر، تا خیابان آیرون^۲ که خط تراموا داشت! یک روز، و حتی یک ساعت، هم نبود که اتفاقی نیفتد. یک لحظه دزدی را می‌گرفتند و لحظه بعد اینخا مایر^۳ دائم‌الخمر - شوهر استر فروشنده قنادی - به سرش می‌زد و نوی جوی آب می‌رقصید. یک نفر حالش بد می‌شد و آمبولانس خبر می‌کردند. خانه‌ای آتش می‌گرفت و آتش‌نشان‌ها، با کلاه‌های برنجی و چکمه‌های لاستیکی بلند، سوار بر اسب چهار نعل به آن سمت می‌تاختند. در آن بعدازظهر تابستان، با ردای بلند، و کلاه مخملی که موهای قرمز را می‌پوشاند، با دو تا پاکوشی ژولیده، نوی

کروخمالنا پرواز می‌کردند، و آن رنگ‌های خیره‌کننده را از کجا می‌آوردند؟ سعی کرده بودم مقاله‌ای درباره داروین را در یک روزنامه یدیش بخوانم، ولی چیزی از آن دستگیرم نشده بود.

ناگهان باز هم غوغایی به پا شد. دو مامور پلیس مرد کوچک اندامی را می‌آوردند، و چند زن با جیغ و فریاد دنبال او می‌دویدند. در کمال تعجب دیدم که از در حیاط ما داخل شدند. باورم نمی‌شد: پلیس‌ها این مرد کوچک‌اندام را به خانه ما آوردند، به دادگاه پدرم. شومل اسمتنا^۴ همراهش بود، یک وکیل غیررسمی که هم رفیق دزدها بود هم با پلیس‌ها زد و بند داشت. شومل روسی بلد بود و اغلب نقش مترجم را بین یهودی‌های خیابان و مقامات دولتی ایفا می‌کرد. خیلی زود فهمیدم چه اتفاقی افتاده. مرد کوچک‌اندام، کوپل میتزنر^۵، فروشنده لباس‌های دست دوم، چهار تا زن داشت. یکی از آنها در خیابان کروخمالنا زندگی می‌کرد، یکی در خیابان اسموتسا^۶، یکی در خیابان پراگا^۷، و یکی هم در خیابان ولا^۸، کلی طول کشید تا پدرم از قضیه سردرآورد. مامور ارشد

^۶ - Shmuel Smetena
^۷ - Koppel Mitzner
^۸ - Smocza
^۹ - Praga
^{۱۰} - Wola

^۱ - Krochmalna
^۲ - Gnoyna
^۳ - Ciepla
^۴ - Iron
^۵ - Itcha Meyer

بفهمند. شموئل اسمتنا قدبلند و چاق بود، و گردن سرخی داشت. کُتی از جنس مخمل کبریتی با دگمه‌های طلایی پوشیده بود و زنجیر ساعتی که روی جلیقه‌اش خودنمایی می‌کرد از یک روبلی‌های نقره درست شده بود. رویه پوتین‌هایش مثل روغن جلا برق می‌زد. من حواسم به زن‌های کوپل بود. آن که مال خیابان کروخمالنا بود کوتاه قد بود و پهن، مثل قابلمه خوراک شب‌ات، و دماغ کوفته و پستان‌های خیلی بزرگ داشت. ظاهراً از بقیه مسن‌تر بود. موهای کلاه‌گیسش آشفته و مثل پر کلاغ سیاه بود. گریه می‌کرد و اشک‌هایش را با پیش‌بندش پاک می‌کرد. با انگشت کلفتش که ناخنش شکسته بود کوپل را نشان می‌داد، و او را جنایتکار، خوک، قاتل و هرزه می‌خواند، و تهدید می‌کرد که دنده‌هایش را خرد می‌کند.

یکی از زن‌ها کم سن و سال و شبیه دختر بچه‌ها بود. کلاه حصیری با نوار سبز به سر داشت و کیفی با جفت برنجی به دست گرفته بود. گونه‌های سرخس آدم را یاد زن‌های خیابانی می‌انداخت که به انتظار مشتری جلو در خانه‌ها می‌ایستادند. شنیدم که گفت: «دروغ می‌گوید، حق‌بازتر از او در تمام دنیا پیدا نمی‌شود. کلی به من وعده و وعید داده بود. در تمام ورشو، چنین آدم متقلب و چاخانه‌ی پیدا نمی‌کنید. اگر همین الان طلاقم ندهد، باید توی زندان بیوسد. من شش تا برادر دارم که تک‌تکشان می‌توانند دخلش را بیاورند. وقتی این حرف‌های تند را بر زبان می‌آورد، چشم‌هایش می‌خندید و گونه‌هایش چال می‌افتاد. به نظرم زن دلربایی آمد. کیفش را باز کرد و یک ورق کاغذ بیرون آورد و جلو صورت پدرم گرفت. «این هم قبالة ازدواج من».

زن سوم قد کوتاه و مویور بود، از آن که کلاه حصیری به سر داشت بزرگ‌تر بود، ولی از زن خیابان کروخمالنا خیلی جوان‌تر نشان می‌داد. گفت که آشپز بیمارستان یهودی‌هاست، همان‌جا با کوپل میتزرن آشنا شده بود. به این زن گفته بود اسمش موریس کلتزر^{۱۳} است. برای معالجه سردرد شدیدش به بیمارستان مراجعه کرده بود و دکتر فرانکل

وقتی پدرم بالاخره فهمید که کوپل چه کار کرده، پرسید: «چطور جرئت کردی مرتکب چنین گناهی بشوی؟ نمی‌دانی که خاخام گرشوم^{۱۱} برای تعدد زوجات مجازات تحریم را مقرر کرده؟»

کوپل میتزرن با انگشت سیابه به همه اشاره کرد که ساکت باشند. بعد گفت: «جناب خاخام، اولاً که من به میل خودم با اینها ازدواج نکردم. مرا گول زدند. صدفار بهشان گفتم که زن دارم، ولی خودشان را مثل زالو به من چسبانده. همین که کارم به تیمارستان خیابان بونی‌فراته^{۱۲} نکشیده، ثابت می‌کند اعصابم از فولاد است. ثانیاً، من که قرار نیست از جدم یعقوب مؤمن‌تر باشم. اگر یعقوب می‌توانست چهار تا زن بگیرد، من مجازم ده تا زن بگیرم، شاید هم هزار تا، مثل حضرت سلیمان. از قضا، این را هم می‌دانم که حکم خاخام گرشوم برای هزار سال بوده، و نه صد سال از آن هزار سال گذشته. فقط صد سالش مانده. گناهش هم به گردن من. جناب خاخام، شما را که عوض من در آتش جهنم نمی‌سوزانند. صدای خنده به آسمان رفت. چند تا از مردهای جوان دست زدند. پدرم دستی به ریش کشید و گفت: «ما نمی‌دانیم صد سال دیگر چه اتفاقی می‌افتد. فعلاً حکم خاخام گرشوم معتبر است و کسی که آن را نقض کند خائن به قوم یهود است».

«جناب خاخام، من که دزدی نکرده‌ام، سر کسی هم کلاه نگذاشته‌ام. حاسیده‌های پولدار سالی دوبار ورشکست می‌شوند و روزهای تعطیل هم می‌روند پیش خاخامشان و سرفره او می‌نشینند. من وقتی چیزی می‌خرم، پولش را نقد می‌دهم. دیناری به کسی بدهکار نیستم. من نان چهار تا دختر یهودی و نه تا بچه دسته گلم را می‌دهم».

زن‌های کوپل سعی می‌کردند حرف او را قطع کنند، ولی پلیس مانعشان می‌شد. شموئل اسمتنا حرف‌های کوپل را به روسی ترجمه می‌کرد. با این که روسی نمی‌فهمیدم، به نظرم می‌آمد حرف‌های کوپل را درز می‌گیرد - ایما و اشاره می‌کرد، چشمک می‌زد، و انگار نمی‌خواست روس‌ها همه دفاعیات کوپل را

پلیس، که نشانی طلایی به کلاهش بود، گفت که کوپل میتزرن قانوناً، طبق دفاتر اداره ثبت احوال، با این زن‌ها ازدواج نکرده، بلکه فقط طبق شریعت یهود شوهر آنها محسوب می‌شود. دولت نمی‌توانست او را محکوم کند چون این زن‌ها فقط قبالة ازدواج یهودی داشتند، نه سند ازدواج روسی. کوپل میتزرن مدعی بود که آنها زنش نیستند و معشوقه‌اش هستند. از طرف دیگر، مقامات رسمی نمی‌توانستند اجازه بدهند که او قانون را زیر پا بگذارد و قسر در برود. برای همین، به دستور رئیس پلیس، متهم را پیش خاخام آورده بودند. خیلی عجیب بود که من، که یک پسر بچه بیشتر نبودم، سریع‌تر از پدرم از این مسأله پیچیده سردرآوردم. پدرم سرش توی کتاب‌های تلمود و تفاسیرش بود که کوپل و زن‌هایش و کل آن جماعت عجیب و غریب، از مرد و زن، به خانه ما ریختند. بعضی‌هایشان می‌خندیدند، و سایرین کوپل را سرزنش می‌کردند. پدرم - مردی ریزنقش و نحیف، با ردای دراز و شب‌کلاه مخمل، و پیشانی بلند و چشم‌های آبی و ریش قرمز - با اکراه کاغذ و قلم را روی میز خطابه گذاشت. یک سر میز نشست و از دیگران هم خواست که بنشینند. چند نفر روی صندلی‌ها نشستند، و بقیه روی نیمکت درازی کنار دیوار که تا سقف پوشیده از کتاب بود. صندوق طولمارهای مقدس بین پنجره‌ها درون قاب طلاکاری شده قرار داشت، و روی آن دو شیر الواح ده فرمان را با زبان‌های لوله‌شده خود نگه داشته بودند.

همه حرف‌ها را کلمه به کلمه گوش می‌کردم و در چهره همه آدم‌ها دقیق می‌شدم. کوپل میتزرن هم‌قد و قواره شاگرد مدرسه‌ها و یک مشت پوست و استخوان بود، صورت لاغری داشت، و دماغی دراز، یک سیب آدم نوک‌تیز روی چانه ظریفش، ریش تُنک کوچکی به رنگ کاه دیده می‌شد. کت چهارخانه به تن داشت و پیراهنی که یقه‌اش با یک دگمه برنجی طلایی و براق بسته می‌شد. لب نداشت، دهانش فقط یک شکاف بود. لبخند موزیانه‌ای بر چهره‌اش نقش بسته بود و سعی می‌کرد با آن صدای نازکش بلندتر از دیگران جیغ بکشد. وانمود می‌کرد کل ماجرا شوخی یا اشتباهی بیش نیست.

^{۱۱} - Rabbi Gershom

^{۱۲} - Bonifrate Street

^{۱۳} - Morris Keltzer

بچه داریم. این درست که شندرغاز بیشتر بابت خرجی آنها نمی‌دهد، ولی همیشه هم غنیمت است. اگر طلاق بگیرم، این مرد از هفت دولت آزاد می‌شود. بچه کفش و دامن و لباس زیر می‌خواهد. تازه، وقتی بزرگ شدند، بهشان چی بگویم؟ او فقط روزهای شنبه می‌آمد پیش ما، با این حال برای دخترهایم بابا بود. برایشان آب‌نبات و اسباب‌بازی و شیرینی می‌آورد. و وانمود می‌کرد که دوستشان دارد.

مادرم پرسید: «تو نمی‌دانستی زن دارد؟»
گوتشا کمی تردید کرد. «اولش نمی‌دانستم، و وقتی فهمیدم که دیگر خیلی دیر بود. می‌گفت با زنش زندگی نمی‌کند، همین امروز و فردا طلاقش می‌دهد. این مرد مرا جادو کرده بود. نمی‌دانید چه زبان چرب و نرمی دارد، مار را از سوراخش بیرون می‌کشد.»

ترینا لئا فریاد زد: «تو می‌دانستی، بدکاره، می‌دانستی. وقتی مردی فقط روز شنبات پیش زنی می‌رود، اگر خوک کاشر^{۱۴} باشد، او هم کاشر است. این زن هم دست کمی از او ندارد. این جور زن‌ها فقط می‌خواهند شوهرهای زن‌های دیگر را از چنگشان دریابورند. این زن هرجایی است، بی‌پدر و مادر است. ترینا لئا این را گفت و نفی به صورت گوتشا انداخت.

گوتشا صورتش را با دستمال پاک کرد و گفت: «الهی خون و چرک از دهانت بیرون بیاید.»

مادرم گفت: «راستش، من که عقلم به جایی قد نمی‌دهد. خطابش هم به آن زن‌ها بود هم به خودش. بعد اضافه کرد: «شاید بشود حکمی کرد که خرجی بچه‌ها را طبق قانون غیریهودی‌ها بدهد.»

گوتشا گفت: «زن خاخام، اگر مردی بچه‌هایش را دوست داشته باشد، لازم نیست به زور چیزی از او بگیرند. این مرد هر هفته که می‌آمد بهانه تازه‌ای می‌آورد. همان چند گولدن را هم انگار صدقه می‌داد. امروز پلیس‌ها آمدند بیمارستان و من را مثل خلافکارها با خودشان بردند. دشمن شاد شدم.

جواب درستی ندادند. کوپل شش تا بچه از زن خیابان کروخمالناش داشت، دو تا از آشپز بیمارستان یهودی‌ها، و یکی هم از زن مو قرمز. فقط از زنی که از همه جوان‌تر بود بچه نداشت. آن که مال خیابان کروخمالنا بود اسمش ترینا لئا^{۱۵} بود، زن آشپز اسمش گوتشا^{۱۶} بود، و زن مو قرمز ناعومی^{۱۷}. زن که از همه جوان‌تر بود یک اسم غیریهودی داشت، پولا^{۱۸}. معمولاً وقتی مردم برای دین تورا - قضاوت - پیش پدرم می‌آمدند، او حد وسط را می‌گرفت. اگر یک طرف دعوا شکایت می‌کرد که بیست روبل طلب دارد و طرف دیگر به کلی منکر بدهی‌اش می‌شد، حکم پدرم این بود که ده روبل بدهد. ولی در چنین قضیه‌ای چطور می‌شد حد وسط را گرفت؟ پدر سرش را تکان داد و آه کشید. گه‌گاه نگاهی به کتاب‌ها و نسخه‌های خطی‌اش می‌انداخت. دوست نداشت موقع مطالعه مزاحمش شوند. به من نگاه کرد و سر تکان داد، انگار می‌خواست بگوید: «بین شیطان کسانی را که به شریعت پشت کرده‌اند به کجا می‌کشاند؟»

پدر، بعد از کلی چک و چانه، زن‌ها را به آشپزخانه فرستاد تا مشکلات و مسائل مالی‌شان را با مادرم درمیان بگذارند. مادر در امور دنیوی باتجربه‌تر بود. یکی دوبار به داخل دادگاه سرک کشیده و نگاه نفرت‌باری به کوپل انداخته بود. زن‌ها بلافاصله به داخل آشپزخانه دویدند و من هم دنبالشان رفتم. مادرم از پدرم قهقهه‌دار بود، و لاغر و رنگ‌پریده مثل مریض‌ها، با بینی عقابی و چشم‌های خاکستری درشت. مثل همیشه مشغول خواندن یک کتاب اخلاق عبری بود. روی کلاه‌گیس بورش روسری سفیدی بسته بود. شنیدم که به زن‌های کوپل گفت: «از این مرد طلاق بگیرید. همان‌طور که از آتش می‌گریزید از او فرار کنید. خدا مرا به خاطر این حرف‌ها ببخشد، ولی شما در او چه دیدید؟ یک مرد هرزه!»

گوتشای آشپز جواب داد: «زن خاخام، طلاق گرفتن که کاری ندارد، ولی ما دو تا

به او گفته بود که برای معاینه کامل باید دو روز بستری شود. این زن به پدرم گفت: «حالا می‌فهمم چرا سرش درد می‌کرد. اگر من هم همین دسته گل او را به آب داده بودم، سرم از درد می‌ترکید و روزی ده بار عقل از کله‌ام می‌پرید.»

زن چهارم مو قرمز بود، صورتش پر از کک و مک، و چشم‌هایش مثل زمرد سبز بود، دندان طلایی گوشه دهانش برق می‌زد. مادرش، که کلاه بی‌لیه‌ای پوشیده از منجوق و رویان به سر داشت، نشسته بود روی نیمکت و هر بار که اسم دخترش را می‌آوردند هوار می‌کشید. دختر سعی می‌کرد با نمک بویا او را به هوش بیاورد، در یوم کیپور^{۱۹}، کسانی را که نه توانایی روزه گرفتن دارند و نه حاضرند روزه‌شان را بشکنند با این نمک به هوش می‌آورند. شنیدم که دختر گفت: «مادر، گریه و شیون فایده ندارد. توی هجل افتاده‌ایم و باید راه چاره‌ای پیدا کنیم.»

پیرزن جیغ‌جیغ‌کنان گفت: «خدایی هم هست، خدایی هم هست. صبرش زیاد است، ولی سخت کیفر می‌دهد. سرافکندگی و بی‌آبرویی ما را می‌بیند و قضاوت می‌کند. ای ملعون، ای زناکار، ای حیوان!»

سرش افتاد عقب، انگار داشت غش می‌کرد. دختر به طرف آشپزخانه دوید و با حوله خیس برگشت. شقیقه‌های پیرزن را با آن مالید. «مادر، به هوش بیا. مادر، مادر، مادر! پیرزن یکهو به هوش آمد و باز شروع کرد به فریاد کشیدن. «آی مردم، به دادم برسید، دارم می‌میرم.»

دختر قرصی را لای لثه‌های بی‌دندان پیرزن فرو کرد. «بیا، این را بخور.»

بعد از مدتی، پلیس‌ها رفتند و قرار شد کوپل میتزن فردای آن روز در مقر پلیس حاضر شود، و شمول اسمتنا بنا کرد به سرزنش کردن کوپل. «چطور ممکن است مردی، آن هم یک کاسب، چنین کاری بکند؟» پدرم به کوپل گفت که باید بی‌معطلی سه زن دیگرش را طلاق بدهد و فقط زن اولش را نگه دارد، همان که مال خیابان کروخمالنا بود. پدر به زن‌ها گفت بروند نزدیک میز، و از آنها پرسید با طلاق موافقت یا نه. ولی هیچ‌کدام

¹⁴ - Trina Leah

¹⁵ - Gutsha

¹⁶ - Naomi

¹⁷ - Pola

بچه‌هایم را سپرده‌ام به پرستاری که ساعت چهار باید برود و بعد از آن تنها می‌مانند».

مادرم گفت: «در این صورت، فوراً برو خانه. بالاخره یک کاری می‌کنند. مملکت هنوز نظم و قانون دارد».

«نظم و قانون کجا بود؟ همه‌اش تقصیر خودم است. حتماً دیوانه شده بودم. هر چه سرم بیاید حقم است. به مرگ خودم راضی‌ام، ولی جگرگوشه‌هایم را کی نگه می‌دارد؟ آنها که تقصیری ندارند».

ترینا لنا هوار کشید: «اگر من گتسم، این زن هم مادر است. بدکاره، جذامی، بی‌سروپا». دلم برای گوتشا خیلی سوخت، با این حال، می‌خواستم بدانم مردها چه می‌کنند، و دویدم توی اتاقی که در آنجا مشغول بحث بودند. شنیدم که شمونل اسمتنا گفت: «گوش کن ببین چه می‌گویم، کوپل. هر چه هم که بگویی، بچه‌ها نباید قربانی شوند. باید خرجشان را بدهی، و گرنه روس‌ها تو را می‌اندازند زندان و هیچ‌کس هم کککش نمی‌گردد. هیچ وکیلی چنین پرونده‌ای را قبول نمی‌کند. اگر از کوره دربروی و یک نفر را چاقو بزنی، شاید قاضی زیاد سخت نگیرد. ولی این کاری که تو یک عمر کرده‌ای کار آدمیزاد نبوده».

کوپل گفت: «خرجشان را می‌دهم، خرجشان را می‌دهم، لازم نکرده این قدر برای من جانماز آب بکشی. اینها بچه‌های من هستند، و نمی‌گذارم به گدایی بیفتند». کوپل در این موقع صندوق ثورات را نشان داد. «جناب خاخام، اگر اجازه بدهید به طومار مقدس قسم بخورم».

پدر جواب داد: «قسم بخوری؟ پناه بر خدا! اول باید تعهد کنی بدهی که حکم مرا اجرا می‌کنی و وظایف را نسبت به بچه‌هایم انجام می‌دهی. وای بر من! در این موقع، لحن پدرم عوض شد. «اصلاً آدم مگر چقدر زنده است؟ ارزش دارد به خاطر این قبیل احساسات شیطانی آن دنیا را از دست بدهیم؟ بعد از مرگ، بر سر جسم ما چه می‌آید؟ خوراک کرم‌ها می‌شود. آدم تا وقتی نفس می‌کشد، هنوز می‌تواند توبه کند. توی قبر دیگر حق انتخاب وجود ندارد». «جناب خاخام، من آماده‌ام که روزه بگیرم و کفاره بدهم. فقط می‌خواهم یک چیزی بگویم: عقلم

زایل شده بود. یک عفریت یا روح شیطانی روحم را تسخیر کرده بود. گرفتار شده بودم، مثل مگسی که توی دام عنکبوت افتاده باشد. می‌ترسم مردم از من انتقام بگیرند و دیگر هیچ‌کس پایش را توی مغازه‌ام نگذارد».

پدرم گفت: «یهودی‌ها آدم‌های دل‌رحمی هستند. اگر از صمیم قلب توبه کنی، هیچ‌کس اذیت نمی‌کند».

شمونل اسمتنا حرف پدرم را تأیید کرد: «کاملاً درست است».

مردها را به حال خود گذاشتم و به آشپزخانه برگشتم. زن پیر، مادر ناعومی، داشت می‌گفت: «زن خاخام، من از همان اول هم از او خوشم نمی‌آمد. تا چشمم به او افتاد، گفتم: ناعومی، اگر از طاعون فرار می‌کنی، از این مرد هم فرار کن. او خیال ندارد زنش را طلاق بدهد. گفتم: بگذار اول زنش را طلاق بدهد، تا بعد ببینم چه می‌شود. خانم جان، ما آدم‌های بی‌سروپایی نیستیم. شوهر مرحومم، پدر همین ناعومی، حاسید*** بود. ناعومی دختر نجیبی بود. خیاطی می‌کرد که خرج مرا بدهد. ولی این مرد زبانی دارد که مار را از سوراخ بیرون می‌کشد. هرچه بیشتر سعی می‌کرد با آن زبان چرب و نرمش دلم را به دست بیاورد، بیشتر می‌فهمیدم چه مار خوش خط و خالی است. ولی دخترم احمق است. اگر به او بگویند در آسمان بازار مکاره اسب راه انداخته‌اند، می‌خواهد برود آن بالا و اسب بخرد. از این گذشته، شانس ندارد. دخترم شوهر داشت و فقط سه ماه از عروسی‌اش گذشته بود که بیوه شد. شوهرش برای خودش یلی بود، یکهو مثل چوب خشک افتاد زمین و دیگر بلند نشد. وای که سرپیری چه چیزها دیده‌ام. عمر زیادی هم مصیبت است. کی به من احتیاج دارد؟ حیف از آن نانی که من می‌خورم».

مادرم گفت: «این چه حرفی است؟ وقتی خداوند به ما امر می‌کند که زندگی کنیم، باید زندگی کنیم».

«برای چی؟ که مردم به ریشمان بختند؟ وقتی دخترم به من گفت که از این هیولا

آبستن است، موهایش را گرفتم توی چنگم ... وای مُردم، به دادم برسید، دارم می‌میرم!»

آن روز، هر سه زن قبول کردند که از کوپل میتزرن طلاق بگیرند. قرار شد تشریفات طلاق در خانه ما انجام شود. کوپل کاغذی را امضا کرد و پنج روبل به پدرم پیش‌پرداخت داد. پدر دیگر اسم آن سه زن را ثبت کرده بود. ناعومی اسم یهودی خوبی بود. گوتشا هم اسم مصغر گوته^{۱۸} بود، که در اصل طووا^{۱۹} بوده. ولی پولاً دیگر چه جور اسمی بود؟ پدرم در کتاب اسامی آدم‌ها دنبال این اسم گشت، ولی توی آن کتاب پولاً وجود نداشت. به من گفت بروم و یسعیا^{۲۰}ی کاتب را بیاورم و با هم در این مورد صحبت کردند. یسعیا در این قبیل مسائل خیلی وارد بود. به پدرم گفت هر بار که طلاقنامه‌ای تنظیم می‌کند، توی یک دفترچه یادداشت دایره‌ای می‌کشد، و اخیراً پسرش بیشتر از هشتصدتا از این دایره‌ها شمرده است. ایزایا گفت: «طبق قانون شرع، اسم غیریهودی در طلاقنامه قابل قبول است».

بنا بود اول ناعومی را طلاق بدهند. تشریفات طلاق قرار بود روز یکشنبه انجام شود. ولی آن یکشنبه نه کوپل و نه زن‌هایش هیچ‌کدام پیدایشان نشد. این خبر در خیابان کروخمالنا پیچید که کوپل میتزرن و جوان‌ترین زنش، پولاً، دوتایی غیبتشان زده. کوپل سه زن دیگرش را ترک کرده بود، و آنها دیگر هرگز نمی‌توانستند دوباره شوهر کنند. او و پولاً کجا رفته بودند هیچ‌کس نمی‌دانست، ولی شایع بود که به پاریس یا نیویورک رفته‌اند. مادر گفت: «این جور شارلاتان‌ها دیگر کجا دارند که بروند؟».

بعد نگاه غضب‌آلودی به من انداخت، انگار فکر می‌کرد به سفر کوپل و، کسی چه می‌داند، شاید حتی به همسفر او غبطه می‌خورم. فریاد زد: «تو توی آشپزخانه چه غلطی می‌کنی؟ برگرد برو سر درس و مشقت. این جور هرزگی‌ها ربطی به تو ندارد!» ■

^{۱۸} - Gutte

^{۱۹} - Tovah

^{۲۰} - Isaiiah

*** - وابسته به گروه حسیدیم (پاراسایان) که در روش زندگی مذهبی و اجرای قوانین یهود، رسوم خاصی دارند



پیرامون فیلم مصائب مسیح

هارون یشایایی ریاست هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، در پاسخ به نوشته‌ای پیرامون این فیلم، که در روزنامه شرق (مورخ پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت) درج شده مطلبی نوشته‌اند که عیناً آن را منتشر می‌نمایم.

مصائب مسیح از نگاهی دیگر

به چند دلیل به خود حق می‌دهم درباره فیلم سینمایی مصائب مسیح، حرفی زده باشم.

اول این که عمری است سینما مشغله ذهنی و کاری من است و سال‌ها است در مقام تهیه کننده در سینمای ایران فعال هستم و داوری چندین جشنواره داخلی و خارجی را همراه دوستان برعهده گرفته‌ام و به قولی «از اهالی سینما هستم».

دیگر این که ایرانی و یهودی هستم و در حال حاضر ریاست هیئت مدیره انجمن کلیمیان را به عهده دارم. مشکل من و عیب کار این است که در زمانه ما اگر بخواهی از بدیهی‌ترین اصول اعتقادی و اخلاقی یهودیت دفاع کنی در مظان اتهام پیروی از افکار صهیونیست‌ها و لابی یهودیان امریکا قرار می‌گیری و مجبور به سکوت می‌شوی، همانطور که اگر بخواهی کوچکترین اعتراضی علیه صهیونیست‌ها عنوان کنی، از طرف باندهای صهیونیستی به دارا بودن تمایلات ضد یهودی متهم و از جامعه طرد می‌شوی. ولی شاید در مورد من یک نفر چنین برخوردی روا نباشد، چرا که من از هنگامی که ظلم به

دست گرفته‌ام - تا امروز به عنوان یک ایرانی وفادار به میهن خود از یهودیت پاک نبوی دفاع کرده‌ام و در رسوائی صهیونیست‌های دنیا زده با قلم و در عمل اقدام نموده‌ام. دلیل دیگر این که روزنامه شرق در صفحه اول، نمایش فیلم مصائب مسیح را به یک واقعه مهم تبدیل کرده است که توجه علاقمندان به موضوع را بیشتر به خود جلب می‌کند.

در مورد اول عقیده من این است که «مل گیسون» در ارائه شخصیت و مقام حضرت مسیح آن طور که این پیامبر را می‌شناسیم و می‌شناسند موفق نبوده است، و چون نتوانسته به شخصیت عارفانه مظلوم و در عین حال مقتدر آن حضرت با اندیشه‌های الهی - انسانی و عرفانی نزدیک شود، خشونت را محور وقایع جاری در فیلم خود قرار داده و آنقدر بر این اصل تکیه کرده است که پیام‌های ناب انسانی مسیح در غوغای قطع نشدنی صدای تازیانه‌ها و سیلاب خون بیرون از جریان فیلم قرار دارد و شکنجه‌های جاری در فیلم بر هر شخص دیگری اعمال می‌شد همین تأثیر را می‌توانست بر تماشاچیان برجای بگذارد و خلاصه به قول آقای احمد غلامی، (نویسنده روزنامه شرق) روح مسیحانی، و منشاء وحیانی در این فیلم جاری نیست.

در تصویر جسمیت حضرت مسیح نیز «مل گیسون» به بی‌راهه رفته و تسلیم نمایش «سوپرمن» «هری پاتر» و «ارباب حلقه‌ها» و دیگر قهرمانانی از این دست در سینمای هالیود شده است. تصور کنید جسم مسیح با آن ظرافت و صف‌ناپذیر

در نقاشی‌ها و مجسمه‌های میکل‌آنژ و لئوناردو داوینچی و دیگر هنرمندان کجا و پیکر بزرگ و عضلانی و غرقه به خون و تازیانه بازیگر نقش مسیح در فیلم مصائب مسیح کجا...؟

اما در مورد قضاوت نویسنده این سطور به عنوان یک یهودی باید بگویم در این فیلم آقای گیسون روایت تازه‌ای را عنوان می‌کند که موجب تأسف است. زیرا تاکنون در روایات گوناگون، بعضی ارباب کنیسه و کهنه معبد در قتل مسیح مقصر قلمداد شده‌اند ولی در فیلم مصائب مسیح توده‌های مردم یهودی هستند که فریاد به صلیب بکش سر می‌دهند و به نظر من این اتفاق آشکارا نمایانگر تمایلات شدید ضد یهودی است. آقای گیسون اصرار دارد توپ اتهام را از طرف بعضی بزرگان یهود در دامن مردم یهودی که به گواهی تاریخ سخت‌ترین مصیبت‌ها را از طرف حکام رومی متحمل شده‌اند پرتاب کند. جالب است که حتی «یهودای خائن» با پشیمانی و به دار آویختن خود، رستگار می‌شود ولی انبوه مردم یهودی همچنان پایکوب مرگ مسیح هستند که عموماً او را نمی‌شناسند، مردمی با آن فرهنگ دیرپا و ارزشمند که یکی از اصولی‌ترین احکام خطاب شده به آنها این است که «قتل نکن» و

لرد دیوید آلیانس یهودی، تنها لرد ایرانی در بریتانیا

برای نخستین بار در تاریخ بریتانیا، یک بازرگان ایرانی، موفق به کسب لقب «لرد» شد و در مجلس لردهای این کشور کرسی خواهد داشت. وی از بزرگترین



صاحبان صنایع پارچه‌بافی در بریتانیا است که ۷۲ سال پیش در شهر کاشان متولد شد. او هنگامی که در ۱۷ سالگی وارد لندن شد، از نظر مالی در وضع خوبی نبود اما امروز یکی از ده ثروتمند بزرگ بریتانیا به شمار می‌رود و تا حدی که گفته می‌شود، اموال او از ثروت ملکه انگلستان نیز بیشتر است. به گزارش «ساندی تایمز» سر دیوید آلیانس، که موفق به دریافت لقب «لرد» شده است، ۵۴ سال پیش فعالیت بازرگانی و صنعتی خود را در شهر منچستر آغاز کرد و امروز، کارخانجات پارچه‌بافی او در بریتانیا و چند نقطه دیگر جهان، بیش از ۷۵ هزار کارگر دارد.

لرد دیوید آلیانس در اقامتگاه خود در منچستر گفت: از این که به دریافت چنین لقبی مفتخر شده با فروتنی احساس خرسندی می‌کند و آن را یک موفقیت برای هموطنان ایرانی در سراسر جهان می‌داند.

او پس از رخداد زلزله در شهر بم، توسط جامعه کلیمیان ایرانی در تهران، ۷۰ هزار دست لباس و چندین تخته پتو برای آسیب‌دیدگان فرستاد و همچنین هزینه احداث بیمارستانی را به عهده گرفت.

وی می‌گوید: من با فروتنی تمام، احساس افتخار می‌کنم و این افتخار نه برای خودم شخصا، بلکه برای همه ملت ایران است و قلب من همیشه در ایران بوده و خواهد بود.

آرزوی بزرگ من این است که در این حال بتوانم به مملکت خود (ایران) خدمت کنم و این نه تنها آرزوی من که آرزوی تمام ایرانیان در همه جای دنیاست، که چطور به ایران و مملکتشان کمک بکنند.

لرد دیوید که یکی از چهره‌های فعال ایرانیان در بریتانیا است، در هر تماس با شخصیت‌های این کشور و دیگر کشورهای جهان، بر ایرانی بودن خود تاکید می‌کند. ■

جنگال‌های ناشی از آن آنقدرها هست که بتوان مدت‌ها درخصوص آن حرف زد و به آراء موافق یا مخالف چهره‌های سرشناس سینمایی و فرهنگی پیرامون این فیلم توجه نمود.

«دنان دولین» تهیه‌کننده فیلم‌های سینمایی، که خود یهودی است می‌گوید: «این فیلم پدیده‌ای است درباره عشق و گذشت و من به هیچ‌وجه آن را ضد یهود ندیده‌ام...»

«دیوید اروسل»، کارگردانی که خود را شخصی مذهبی می‌داند می‌گوید: سوزده‌های مختلف و البته جالبی را می‌توان از زندگی و مرگ مسیح انتخاب نمود، موضوع‌هایی که ما و جامعه را به سوی بهتر شدن سوق دهد.

از طرفی «نیویورک تایمز» در فوریه ۲۰۰۴، خبری با این عنوان به چاپ رساند: «گیسون فیلمی به نام مصائب مسیح ساخته که خشم بزرگان هالیوود را برانگیخته است تا جایی که شاید به اعتبار هنری و زندگی او لطمه وارد شود!»

همچنین «جفری کاتزبرگ» و «دیوید جینن» بزرگترین سازندگان آثار خیالی با عصبانیت از فیلم مصائب مسیح سخن گفته، صراحتاً آن را محکوم می‌کنند.

یکی از رؤسای استودیوی بزرگ هالیوود معتقد است: آن چه گیسون به تصویر کشیده است حقیقت ندارد و شاید یکی از اختلافات او نیز با پدرش و بحرانی شدن ارتباط آن دو به همین دلیل باشد.

«مارک مدیوی» که یکی از فرزندان بازماندگان کشتار مسیحیان در سال‌های دور است در زمینه فیلم گیسون چنین می‌گوید: احساس مذهبی و تعصب او مرا آزار می‌دهد. ■

«همنوعت را مانند خودت دوست بدار» و سلام آنها صلح است.

در دنیای امروز به نظرم افراطی‌ترین باندهای صهیونیستی از نوع برداشت آقای گیسون خرسند خواهند شد، دار و دسته «شارون»، «موفاز» و ژنرال‌های ارتش اسرائیلی یقیناً با قهرمان فیلم احساس همزادپنداری می‌کنند، وقتی که «حاکام عوبدیا یوسف» رسماً به نحوی کشتار یهودیان در جنگ دوم جهانی را توجیه می‌کند و با هیتلر همداستان می‌شود و یا روحانی افراطی دیگری حکم اعدام «اسحق رابین» را فقط به این جرم که با یاسر عرفات صحبت کرده است صادر و اجرا می‌کند و مردم منطقه اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی و فلسطینی یا اسرائیلی را به جنگی پایان‌ناپذیر سوق می‌دهند، شاید در اوهم بیمارگونه خود خشونت عصر عیسی مسیح را بازسازی کرده است و چه دردناک است اگر چنین باشد.

دست آخر این که، آن شواهد تاریخی ثبت شده و انجیل‌های معتبر که مورد استفاده آقای گیسون بوده است و آقای مازیار فکری ارشاد (نویسنده روزنامه شرق) به آن اشاره کرده‌اند کجا است. اگر ممکن است بنده را هم راهنمایی بفرمائید.

با تقدیم احترام
هارون یشایایی

تهیه کننده فیلم‌های سینمایی
و رئیس انجمن کلیمیان

گذشته از آن چه آقای یشایایی در ارتباط با این فیلم نوشته‌اند می‌توان گفت:

بازتاب‌های فیلم مصائب مسیح (ساخته مل گیسون) همراه با

تعمه ماندگار

«پدرم، عبدالله طالع همدانی»



شیرین طالع - بهار ۱۳۸۳

دوست عزیز ما شیرین طالع مطلبی در بزرگداشت پدر هنرمند و مردم دوستشان مرحوم عبدالله طالع همدانی نوشته‌اند که بخش‌هایی از آن را با توجه به امکانات افق‌بینا به نظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم.

چه فرقی می‌کند که پدرم کی به دنیا آمد، مهم این است که در دورانی به دنیا آمد که مردمش هنر را فقط دستمایه مطربان می‌دانستند. چه فرقی می‌کند در کجا متولد شد، این اهمیت دارد که در صفای خانه‌ای نهان در کوچه پس‌کوچه‌های خاکی و سرد اما گلاب‌زده شهرستان متولد شد. آن جا که مادری هنرمند خاتون خانه بود که با شیر شعر و شهد موسیقی جان دردانه‌اش را می‌پروراند. مادری که چون دیگر دختران هنرمند آن دوران خود قربانی تعصبات کور بود.

چه توفیری دارد که در کدام مدرسه درس خواند، همین بس که اجتماع را با تمام گستره تبعیضات فرهنگی و قومی در مدرسه و خانه و کوچه لمس و حس کرد که بعدها از او مردی درد آشنا ساخت با حضوری به بلندای ۷۰ سال خدمت مشتاقانه و کارنامه‌ای که نمرات درخشانش، میزان رضامندی مردمش

می‌شد تا پدر به راحتی آن زمان‌ها را صرف شرکت در انجمن‌های ادبی و تأسیس بسیاری از آنان کند، صرف تربیت رایگان شاگردانی در موسیقی که خود اینک از اساتید فرادهنده موسیقی هستند، وقف بازیگری و تصحیح دیوان‌های ادبی شعرا پیش از چاپ و اعطاء اعتباری دوباره به آنها و بالاتر از همه این‌ها اعتلای فرهنگ خاکی سخت بدان مغرور بود.

**انسان‌های بزرگ در حصار زمان
و مکان نمی‌پوسند، در زمانی
می‌آیند و در مکانی پا می‌گیرند
و در زمانی دیگر می‌روند آن
چه که به جا می‌ماند کیفیت
جنبه‌های ماندگار حقیقی و
معنوی شخصیت آنهاست**

چه فرقی می‌کند در کدام ناحیه شهر می‌زیست، مهم این است که در جابجایی نظام ادیبانه و درویشانه چاردیواری خلوتگاه شاعری و هنری‌اش تکرار می‌شد. اطاقی که حریم عشق بود. کوهی از کتاب و نوشته‌ها، میزی فلزی و صندلی قدیمی و ساده، ویولونی قهوه‌ای رنگ که در قاب سیاه رنگش به آرامی خوابیده بود، شعرهای خطاطی شده آویزان به دیوار (از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی‌درد بدانی که چه دردی است)، عکس جوانی‌های استاد گرمسیری زیر

بود. زمان تجربه اولین درد محرومیتش آن قدر مهم نبود که او را در نوجوانی بعد از تحصیلات متوسطه به علت سختی سربازی، از درس واداشتند. این جای تأمل دارد که داغ این اشتیاق سد شده همیشه در کنار ذهنش خانه داشت. این که روح آزاده‌اش تاب اسیری حجره پدر را نداشت، این که به خود آمد. میل به دانستن و رسیدن به اوج در آسمان بصیرت را در چمدانی به بزرگی رویاهایش گذارد و راهی شد. چمدانی که به اعتباری تمامی هستی‌اش در آن نهفته بود با این توشه می‌رفت تا خود را بیابد.

در این راه با بزرگان بی‌شماری محشور شد. اساتیدی چون نی‌داود، قمرالملوک وزیری، عارف قزوینی، غلام همدانی، مفتون کبریایی، ابوالحسن صبا، عبدالحسین سپینا و ... همه و همه از او شاعر، نوازنده، تصنیف‌ساز، نمایشنامه‌نویس و محقق ساخت. دیگر پویایی روحش با چاردیواری خاک خورده حجره پدر و پس از آن مرغ خانگی شدن بسیار منافات داشت.

نجوای همسرانه، مادرانه و رفیقانه مادرم او را به شکوفایی بیشتر سوق می‌داد و مهم این بود که بخش مهمی از اوقاتی که پدر باید در خانه می‌گذراند بزرگواری از جانب مادر نادیده گرفته



تنها و آرام به جا مانده بود. او هم از این غربت بی‌نصیب نمانده بود. لحظه‌ای زار زدنش را بر مزار برادر به یاد آوردم. شنیده بودم بارها نالیده

بود: «غم مرگ برادر را برادر مرده می‌داند» رفته بود تا دست در گردن برادر یکدیگر را تنها نگذارند. گویی از پیش با یکدیگر پیمان همجواری ابدی را بسته بودند. دوستان بی‌شماری که در کنارش آرمیده همه آنهایی بودند که اشعار پدرم آذین منزلگاه ابدی‌شان بود. به خود او برگشتم، اثری از غربی نیافتم، او خود را تنها نمی‌دانست، همان‌گونه که به شیوه شریف هستی‌اش قلبی پرمهر از حضور دوستان داشت. دوستی برایش نوشته بود:

تا زنده است ساز ذری شور و حال عشق
مرد هنر نمیرد و طالع نمرده است
و پدرم درویشانه آرام نجوا کرده بود
آن چه که همیشه بر لب داشت:

زندگی خواب و خیالی بیش نیست
قصه پر قیل و قالی بیش نیست
چه فرقی می‌کرد که پدرم چون همه
مردم دنیا صاحب خصلت نیک و بد
بود. آن چه که مهم بود این بود که دلی
پرمهر داشت که اکنون چون گنجینه‌ای
پربها در زیر خاک نهان است. چشم‌های
تار شده از اشکم را بستم. تلخی داغ را
با شیرینی عشقی آمیختم که از پدر فرا
گرفته بودم. عشق به هستی و مردمی که
آن را با رشد و پویایی تداوم می‌بخشند.
این بود نغمه یادگاری که از پدرم به جا
مانده بود: «عشق به هستی». ■

رودها را به دریا رساند و پدرم چنین بود.

اگر می‌خواهید بدانید بگذارید تا بگویم:

نام: عبدالله طالع همدانی

تولد: حدود ۹۰ سال قبل

زادگاه: همدان

تحصیلات: دبستان ثانیه و پس از آن

آلبانی

فوت: آبان ماه سال ۱۳۸۲

کدامیک از اینها به تنهایی معنا می‌دهد؟ آن چه که در این رفت و آمد به جا گذارد، ویولونی، دنیایی نوشته و عشقی ماندگار بود که علیرغم سدهای بی‌شمار، حرکت سیالش را همچنان تا شکوفایی حفظ کرد. این مهمترین درسی بود که از پدر آموختم. اما در این حرکت سعی در حفظ هویتی عمیق داشت که سخت بدان مفتخر بود: ایرانی بودنش. یهودی بودنش و همدانی بودنش. از ایران دل نکند، یهودی باقی ماند و زینت نامش با نام همدانی ماندگار شد.

آخرین روز که خسته و داغدار از فراز آسمان بار دیگر به پائین نگرستم که تا شاید یادگار خاک و ریشه‌ام را برای روزهای غربی در ذهنم ذخیره کنم، خود را در گوشه‌ای از شهر در امتداد جاده خاوران یافتم، آنجا که پدرم

شیشه میز کم‌دی سالخورده و لاک‌پ، که اکنون یکی از همان انجمن‌های ادبی به یادگار او در گوشه دیواری با حسرت به دوستان می‌نگرد.

چه فرقی می‌کند که شناسنامه قدیمی‌اش او را چه می‌نامید. این مهم است که این نام سال‌ها کلام «استاد» را با نبود یدک کشید و مهم این است که نه تنها جامعه یهود بلکه جامعه هنری ایران داغدارش شد. مهم این نیست که همان تکه پاره‌ای که سن و اسمش در آن نوشته چه می‌گوید، مهم این است که هنوز تا آخرین روزها پنجه دردمند دستانش با تلاش زیاد آرشه و سیم ویولون را هنوز به وصال می‌رساند و با تلاش بی‌پایانش سعی داشت تا هنوز با نوای موسیقی و شعر و آمیزه این دو حرمت عشق را فریاد زند. اگر چه که پس از او هم هنوز و تا ابد موسیقی و شعر در حریم عشق همچنان عاشقانه گام برخواهند داشت.

آن چه که در این رفت و آمد به جا گذارد، ویولونی، دنیایی نوشته و عشقی ماندگار که علیرغم سدهای بی‌شمار، حرکت سیالش را همچنان تا شکوفایی حفظ کرد

بیرون از کالبد کلیشه‌ای و جامد شرح‌حال‌نویسی کوشیدم تا بنویسم انسان‌های بزرگ در حصار زمان و مکان نمی‌پوسند، در زمانی می‌آیند و در مکانی پا می‌گیرند و در زمانی دیگر می‌روند. آن چه که به جا می‌ماند کیفیت جنبه‌های ماندگار حقیقی و معنوی شخصیت آنهاست. این جنبه‌ها اگر سیراب از سرچشمه عشق نباشند تشنگانی خواهند بود که از گنداب یک زندگی ساکن و بدون تغییر و تحرک و رشد خواهند نوشید. باید دریادل بود تا



اکستازی را بشناسید

داروی خطرناک روان گردان
ECSTASY

مریم حنا سبزه

غیرمعمول دیگری مانند تزریق، استنشاق و غیره وجود دارد، به طوری که در آمریکا این ماده به شکل قرص‌های خوراکی، آدامس‌های جویدنی، کپسول، مواد تدخینی و تزریقی تولید می‌شود. قرص‌های اکستازی در ایران معمولاً با مارک‌های «مرسدس بنز»، «میتسوبیشی»، \$، KO، صلیب و غیره در بازار عرضه می‌شود. همچنین احتمال ساخت غیرقانونی داخلی در آزمایشگاه‌های کوچک و پرخطر وجود دارد.

• تأثیرات اکستازی چگونه به وجود می‌آید؟

در علم پزشکی مشخص شده که یک ماده شیمیایی در مغز به نام «سرتونین» باعث تعدیل و تنظیم اموری مانند فعالیت‌های جنسی، خواب، حساسیت به درد و موارد دیگری می‌شود. به نظر می‌رسد مصرف اکستازی با تحریک سیستم مغز و اعصاب بدن باعث اختلالاتی در تولید سرتونین شود که این امر به صورت کوتاه‌مدت می‌تواند تأثیراتی مانند افزایش انرژی، احساس لذت و نشاط، اعتماد به نفس کاذب یا سرخوشی را سبب شود. لازم به ذکر است، مصرف اکستازی در نهایت منجر به تخریب نرون‌های تولید سرتونین و در نتیجه کاهش شدید سرتونین که یک عارضه برگشت‌ناپذیر مغزی است می‌شود.

• مشکلات و عوارض ناشی از مصرف اکستازی کدام‌ها هستند؟

به طور کلی مصرف اکستازی دارای دو دسته عوارض حاد و مزمن می‌باشد، با توجه به این که ذکر جزئیات این عوارض از حوصله نشریه خارج است، در ادامه مهمترین آنها معرفی می‌گردند:

(مانند LSD) و از سوی دیگر شبیه مواد محرک‌اند (از قبیل آمفتامین)، بنابراین مواد محرک در این ماده نقش تحریک‌کننده داشته و باعث سرعت فعالیت عصبی می‌گردند، روی ادراک فرد تأثیر گذارده و ممکن است باعث توهم شنیداری و دیداری گردند.

• مصرف این ماده در ایران و کشورهای دیگر چه تاریخچه‌ای دارد؟

اکستازی که برای اولین بار در سال ۱۹۱۴ به عنوان یک داروی کم‌کننده اشتها و در آلمان مورد استفاده قرار گرفت، به علت عوارض سوء خود به سرعت از رده مصرف خارج شد. همچنین در دهه ۷۰ میلادی از این دارو در جریان «روان درمانی» و برای کمک به بیماران در بیان احساساتشان استفاده می‌شد که با اثبات اثرات جانبی برگشت‌ناپذیر آن مصرف این ماده در آمریکا ممنوع اعلام گردید.

مصرف قرص‌های اکستازی در ایران با انگیزه بالا بردن روحیه در چند سال گذشته رواج و خصوصاً در یک سال اخیر افزایش یافته است.

• اشکال رایج اکستازی به چه صورت‌هایی است؟

اکستازی معمولاً به صورت کپسول یا قرص‌های کوچک به رنگ سفید، زرد، قهوه‌ای و با طرح و اندازه‌های مختلف (گاهی شبیه به اسمارتیز) موجود است. با این که مصرف آن به شکل قرص، رایج‌ترین طریقه است، روش‌های

مصرف مواد اعتیادآور انرژی‌زا و شادی‌بخش خصوصاً در میان جوانان مسأله‌ای جدیدی نبوده و از مدت‌ها قبل نگرانی دولت‌ها و توجه به این معضل را فراهم نموده است. اما در ایران، آن چه اخیراً توجه جدی مسئولان را به خود معطوف داشته، مصرف قرص‌های بسیار خطرناک توسط جوانان، مرسوم به «اکستازی» یا «اکستازی»، قرص X یا XTC است که در ایران به نام «قرص شادی» معروف می‌باشد.

عوارض سوء بالینی این دارو، به علاوه تأثیرات سوء اجتماعی ناشی از مصرف از یک طرف، و از سوی دیگر گسترش مصرف آن در میان نوجوانان حتی دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی، متأسفانه جامعه یهودی را نیز از گزند خود مصون نداشته است.

با توجه به این نکته که در حال حاضر هیچ پادزهری برای مسمومیت با اکستازی وجود نداشته و اقدامات درمانی برای معتادین به این ماده بسیار مشکل می‌باشد، شایسته است که خانواده‌ها آگاهی‌های کلی درخصوص اشکال دارویی رایج، علل مصرف و عوارض حاد و مزمن ناشی از مصرف این ماده خطرناک کسب نمایند:

• اکستازی چیست؟

اکستازی که در لغت به معنی سرخوشی مفرط است، شامل دسته‌ای از مواد می‌باشد که از لحاظ ترکیب و عملکرد از یک سو شبیه مواد توهم‌زا

اسامی شاگردان ممتاز و پذیرفته‌شدگان علمی آزمون کانون المپیاد ایران، دبیرستان اتفاق- در سال ۱۳۸۲

اسامی پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری ورودی کانون المپیاد ایران

یاسمن صدیقیم (چهارم دبستان)، بهناز
فرهمندیان (چهارم دبستان)، بهاره کدخدا (پنجم
دبستان)، نغمه کدخدا (اول دبیرستان)، میترا مرادیان
(اول دبیرستان)، سارا سنلیان (اول دبیرستان)، یودیت
سلیم (اول دبیرستان)، هلیا میرزاده (اول دبیرستان)،
تائیا میرزاده (اول دبیرستان).

اسامی برگزیدگان مسابقات روزنامه دیواری منطقه ۶

اودلیا بهروز (پنجم دبستان)، سارا یاشار
(پنجم دبستان)، لیورا حاجیان (پنجم دبستان)، نگار
آبگینه‌ساز (پنجم دبستان)، نغمه کدخدا (اول
دبیرستان) - برگزیده مسابقه داستان‌نویسی (نغمه
کدخدا (اول دبیرستان) - حائز رتبه در مسابقه
مقاله‌نویسی انگلیسی).

اسامی دانش‌آموزان ممتاز دبیرستان اتفاق

اول دبیرستان:

الناز الیاس‌زاده، سیا گرمی، میترا مرادیان، نغمه
کدخدا، یودیت سلیم، تائیا میرزاده، هلیا میرزاده، آلیس
میراخور، سارا سنلیان.

دوم دبیرستان:

غزاله نقره‌ئیان، الناز عیسی‌خواریان، شارونا
ریحانیان، دپورا گل‌شیرازیان، پرناز عبیری، شیوا
هارون‌پور.

سوم دبیرستان:

مونا عرب‌زاده نسیم تیشبی، مرسته یروشالمی،
سالومه یروشالمی، پگاه صدقانی، مونیکا یروشالمی،
پریسا تراشندگان، پریسا ابراهیم‌زاده، دلرام
یعقوب‌زاده، الهام کوشاپور، نسیم نوبهارستان.

پیش‌دانشگاهی:

حدیث بنیامینی، غزال عاقلیان، مونیکا یعقوبیان.

اول راهنمایی:

نیلوفر خاکشور، پائته‌آ براوریان، نوشین ظهوری،
آنی‌تا ریحانیان، الیزابت رفوا.

دوم راهنمایی:

نوشین خناساب، سپیده یوم‌طوبیان، ندا
آبگینه‌ساز، نیلوفر یعقوبی، سمیرا آبگینه‌سازان، بیتا
فرهمندیان، مهسا عاقلیان، آنزلا کاهن، پگاه تنائیم.

سوم راهنمایی:

گلرخ فارسی، مونا کشکی، دپورا خاتانیان، سارا
ماه‌گرفته، رکسانا سعید، مهسا نایل کلیمی، سبا
گل‌شیرازی، سپیده خناساب، دالیا رفوا، پریسا دانایال
خیاط، اورا ملکان، شیرین ابراهیم‌زاده، آیدا مصری.



XTC

• عوارض حاد:

- اختلالات بینایی به شکل تاری دید،
انقباض چشم، گشاد شدن مردمک چشم
و ...
- مسایل گوارشی، مانند حالت تهوع،
خشکی دهان
- مسایل روان‌شناختی مانند توهمات
بینایی، پرخرفی، لاپالای‌گری جنسی

• عوارض مزمن

صرف‌نظر از عوارض سوء‌مصرف
اکستازی که در کوتاه‌مدت پدید می‌آیند
این ماده می‌تواند موجب ایجاد اختلالات
بالینی مهم و جدی در مصرف‌کننده
باشد که مهمترین آنها عبارتند از:
- سیروز کبدی
- آسیب‌های برگشت‌ناپذیر مغزی،
خصوصاً اختلال در حافظه و تمرکز
- احتباس ادراری
- سردرد، سرگیجه، تشنج
- اختلالات جنسی و اختلال خواب
نکته شایان توجه این که بسیاری از
این عوارض می‌تواند برگشت‌ناپذیر بوده
و موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر در
طول زندگی فرد گردد، به علاوه برخی
از عوارض می‌تواند ناشی از مصرف هر
چند کوتاه‌مدت (حتی ۱ یا چند بار
مصرف) باشند، بنابراین آرایه این آگاهی

به جوانان سودمند به نظر می‌رسد که
تأثیرات کاذب شادی‌بخش مصرف
اکستازی هر چند به شکل آنی ممکن است
موجب بالا رفتن روحیه یا تغییراتی در
اعتماد به نفس گردد، با توجه به آثار
اعتیادآور این ماده و از بین رفتن سریع این
تأثیرات، به همراه اثرات مضر جانبی شدید
و مزمن اکستازی، روی آوردن به اقدامات
عقلانه رویارویی با چالش‌های زندگی نظیر
سود جستن از منابع مشاوره و روان‌درمانی
را مطرح می‌سازد. همچنین شایسته است
خانواده‌ها به علل روی آوردن نوجوانان به
مصرف مواد اعتیادآور آگاهی یابند.
طی دهه گذشته، چندین عامل خطر
برای سوء مصرف مواد توسط نوجوانان
شناسایی شده‌اند:

- ۱- مشکلات والدین و فرزندان و
تعارضات خانوادگی (مانند ضعف ارتباط با
نوجوان، مشاجرات و استرس‌های خانوادگی)
- ۲- مسایل مربوط به تحصیل و
مشکلات مربوط به شغل
- ۳- مشکلات روانی نظیر افسردگی،
اضطراب، پایین بودن اعتماد به نفس،
ترس‌های مرضی و ...
- ۴- و بالاخره مصرف مواد توسط
نزدیکان نوجوان (خانواده، بستگان، دوستان
و همسالان) ■



مصاحبه با ژيلا كهن كبريت.

مربي كليما ورزش

مصاحبه از : شرگان انورزاده (احدوت)

* لطفا خودتان را معرفي فرماييد.

* * ژيلا كهن كبريت هستم. فرزند اسحق كهن كبريت، متولد شيراز. متاسفانه در سن كودكي پدرم را از دست دادم و مادرم، «روشن نيكنام»، تربيت و سرپرستي من و خواهرانم را به عهده گرفت، كه بسيار از مادرم ممنونم كه براي تربيت و تحصيلات ما، آن هم به تنهائي، فوق العاده زحمت كشيد. تحصيلاتم را در اصفهان گذراندم و تمام واحدهاي دانشگاهي، اعم از واحدهاي مديريت، مربي گري، تغذيه، فيزيولوژي و آناتومي را گذرانده ام و علاوه بر امور ورزشي، مطالعات گسترده اي در زمينه روانشناسي دارم. همچنين به ادبيات و شعر بسيار علاقمندم و قبل از شعر مي سرودم.

* از سوابق ورزشي خود بگوييد.

* * مربي درجه ۲ آمادگي جسماني هستم، مربي و داور ژيمناستيك و همچنين مربي شنا (دوره ناجي گري ديده ام)، ورزش در آب، و مربي درجه ۲ استپ (پله) و حرركات موزون هستم، كه در تمام اين رشته ها، موفق به اخذ كارت از سازمان تربيت بدني بانوان استان تهران شدم.

مدت شش سال است كه مربي تيم همگاني استان تهران هستم. كه در طي سه سال تيم ما، مقام اول را كسب كرد. علاوه بر اين مربي صبحگاهي شهرداري منطقه شش، در پارك هاي لاله، شفق و ساعي بودم و همكاري داشتم و ضمنا مسئول هيت بازاي هاي بومي، محلي استان تهران نيز هستم.

مربي تيم ژيمناستيك آموزش و پرورش منطقه شش نيز بودم كه موفق به

كسب مقام اول شديم و مربي بچه هاي زير هفت سال ژيمناستيك منطقه شش بودم كه در مراسم افتتاحيه مجتمع ورزشي بعثت (ويژه بانوان و كودكان)، به حضور آقاي خاتمي رسيديم و بچه ها همراه با ساير تيم ها، بازي هايشان را ارائه دادند.

ورزش كردن، تنها و تنها موردي است كه سودش شامل حال خود شخص مي شود

در اكثر داوري ها حضور دارم، اعم از مسابقات باشگاهي داخلي و قهرماني كشوري و مدت شش سال است كه در مسابقات دوي المپيك، كه در ايران نيز برگزار مي شود (و در تمام دنيا، در يك تاريخ مشخص به طور هم زمان برپا مي گردد) داوري اين گونه مسابقات جهاني را نيز برعهده دارم. در ايران، اين مسابقات به طور جداگانه، يك روز براي بانوان، و يك روز براي آقايمان برگزار مي گردد ولي در ساير كشورها، در يك روز مشخص برگزار مي شود.

كار من طوري است كه با سه مقطع سني به طور كامل كار مي كنم:

با مادر بزرگ ها، مادرها و نوه ها، كه مادر بزرگ ها، ورزش در آب انجام مي دهند، مادران، شنا و بدنسازي و نوه ها، شنا و ژيمناستيك كار مي كنند و اين براي من باعث افتخار است كه مي توانم در آن واحد، سه نسل را در كنار هم داشته باشم. ضمنا من مديريت باشگاه شركت نفت الهيه را نيز برعهده داشتم كه در آنجا نيز سه نسل را در كنار هم آموزش مي دادم. يوكا هم كار مي كنم و بطور كلي به عنوان

معلم ورزش در مهد هاي كودك، مدارس و باشگاه ها، فعاليت زيادي دارم.

* مشوقين شما در امر ورزش چه كساني بودند؟

* * بايد هميشه از مادرم به خوبي ياد كنم كه من و خواهرانم را از ابتدائي كودكي با فن شنا آشنا كرد و از هفت سالگي شنا را آموختم و بعد در دوران تحصيل، هميشه كاپيتان تيم واليبال در مدرسه و دبيرانمان بودم.

* از چه زماني احساس كرديد كه به ورزش علاقه منديد؟ آيا اين علاقه از زمان كودكي با شما همراه بود؟

* * از وقتي كه به دنيا آمدم (با خنده)، چون بچه اي نبودم كه بتوانم در جايي آرام بگيرم و هميشه با بچه هاي بزرگ تر از خودم بازي مي كردم. مثلا در سن ۸ سالگي با پسر هاي بزرگ تر، هميشه فوتبال بازي مي كردم.

* در حال حاضر، چه سمتي در زمينه ورزش داريد و به چه فعاليت هايي مشغول هستيد؟

* * در حال حاضر، در باشگاه حجاب، عضو فعال هستم و مسئول كميته همگاني بازي هاي بومي - محلي هستم و بطور كلي در تمام مسابقاتي كه از طرف هيت همگاني برگزار مي شود، سرپرست فني مسابقات هستم. بايد بگويم سرپرستي فني، وظيفه بسيار سنگيني است كه هماهنگي كادر داوران، منشي، واحد اجرائي، روابط عمومي، هيت پزشكي، اهداي حكم، مدال و كلييه برنامه هايي كه

بوستان لاله‌ها

الیزا نجات حیم

به بوستانی پر از لاله‌های سرخ رفتیم

لاله اول را چیدم و به تو دادم.

گفتی: برای چه؟ گفتم: برای عشق.

لاله دوم را چیدم

گفتی: برای چه؟ گفتم: برای نگاه.

لاله سوم ... برای چه؟ برای لبخند...

یک بغل، لاله سرخ چیدم و به تو

دادم.

گفتی برای چه؟ جوابی ندادم.

هزاران لاله سرخ در دامانت ریختم.

گفتی: برای چه؟ باز هم جوابی نیامد.

تو را غرق در سرخ‌لاله‌های دَمَن

کردم.

گفتی: برای چه؟ گفتم: برای جدایی!

در سرای باقی منتظرت هستم.

تمام راهی را که ممکن است از آن

بگذری تا

نشانی مرا بیابی، با همین لاله‌های

سرخ نشانه می‌نهم.

به یاد داشته باش وقتی به من

رسیدی، سرخ‌ترین لاله را

به من می‌دهی.

می‌گویم: برای چه؟ می‌گویی: برای

آشنایی!!

هر شروع، غمی است برای پایان

هر آشنایی، اندوهی است برای

جدایی

دیدار به قیامت!

همگانی معرفی و موفق به اخذ تقدیرنامه شدم و با شادی و خوشحالی بسیار به دیدن آقای یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان) رفتم و خودم را معرفی کردم، که باعث حیرت و تعجب ایشان شد و با استقبال گرم وی روبرو شدم و از آن به بعد در مهدهای کودک یلدا (۱) و (۲) (مربوط به کودکان کلیمی) مربی ژیمناستیک و شنا بوده و همچنین در سازمان بانوان یهود، مربی بدنسازی بوده‌ام. * لطفاً خاطره‌ای برای خوانندگان ما تعریف کنید.

* شاید این خاطره که اخیراً اتفاق افتاده خالی از لطف نباشد. من سرپرستی تیم سالمندان بین ۶۰ تا ۸۰ سال را پذیرفته بودم و با آنها والیبال و بسکتبال کار می‌کردم. این مسابقات قهرمانی کشوری هر سال در یک استان برگزار می‌شود، که من مربی و سرپرست تیم بودم و دخترم نیز به عنوان سرپرست همراه ما بود. قبل از شروع مسابقات، به سالمندان، که خود را برای شرکت در مسابقات آماده می‌کردند، مدارک لازم جهت شرکت در مسابقه را توضیح می‌دادم، مثلاً این که کفش مناسب بپوشند و غیره، و در آخر به عنوان شوخی گفتم: «رضایت‌نامه از ولی فراموش نشود». فردای آن روز، عکس‌العمل سالمندان عزیز، دیدنی بود، یکی دو نفر می‌گفتند می‌شود به جای ولی، از شوهرانمان رضایت‌نامه بیاوریم؟ و دیگری با ناراحتی می‌گفت: آخر من که ولی ندارم، چطور رضایت‌نامه بیاورم؟! * اگر پیامی برای خوانندگان دارید، لطفاً بفرمایید.

* هیچ‌گاه فکر نکنید ورزش، یک تفنن است و یا مد است و یا این که بی‌ارزش است. ورزش کردن، تنها و تنها موردی است که سودش شامل حال خود شخص می‌شود، و در نهایت سلامت جامعه را تضمین می‌کند. ■

در روند یک مسابقه اجرا می‌شود را در بر می‌گیرد. همچنین در حال حاضر، در مجتمع غیرانتفاعی به فعالیت مشغول هستم، که شامل تمامی مقاطع این مجتمع می‌شود (مهد، دبستان، راهنمایی، دبیرستان) و اخیراً به طور داوطلب، مشغول به آموزش اساسی و اصولی و آموزش تکنیک‌های اولیه براساس استانداردهای بین‌المللی، مدتی در زمینه آموزش ورزش پایه، در دبستان، موسی‌بن‌عمران (اختصاصی کلیمیان) مشغول بوده‌ام.

* در کدام رشته‌های ورزشی توانایی فعالیت دارید؟

* ژیمناستیک، شنا، یوگا، بدنسازی، اروبیک، والیبال، بدمیتون، فوتبال و بطور کلی در اکثر رشته‌های ورزشی سررشته دارم.

* با توجه به این که یک زن هستید، چگونه وقت خود را تنظیم می‌کنید که هم به امور خانه و هم به امور ورزشی خود برسید؟

* وقتم را طوری تنظیم می‌کنم که به همه امور خانه به خوبی می‌رسم. البته ناگفته نماند که از همکاری و مساعدت خانواده، به خصوص همسر و فرزندانم متشکرم.

* آیا بچه‌های شما هم ورزشکار هستند؟

* به صورت تفریحی، بله دخترم شنا و کاراته کار می‌کند و پسر هم در رشته شنا و رشته‌های رزمی (تکواندو- فول کتاکت) کار می‌کند.

* چگونه با سازمان‌ها و انجمن‌های یهودی آشنا شدید؟

* در سال ۱۳۷۸ در سالن آمفی تئاتر وزارت کشاورزی، برنامه گردهمایی پزشکان ارتوپد و استادان دانشگاه تربیت بدنی برگزار شد که برنامه بر مبنای آشنایی با هیدروترابی و ورزش در آب بود. در این سال من به عنوان مربی نمونه هیئت

گزارش فعالیت‌های بهداشتی و درمانی کانون خیرخواه و تراز مالی آن در سال ۱۳۸۲

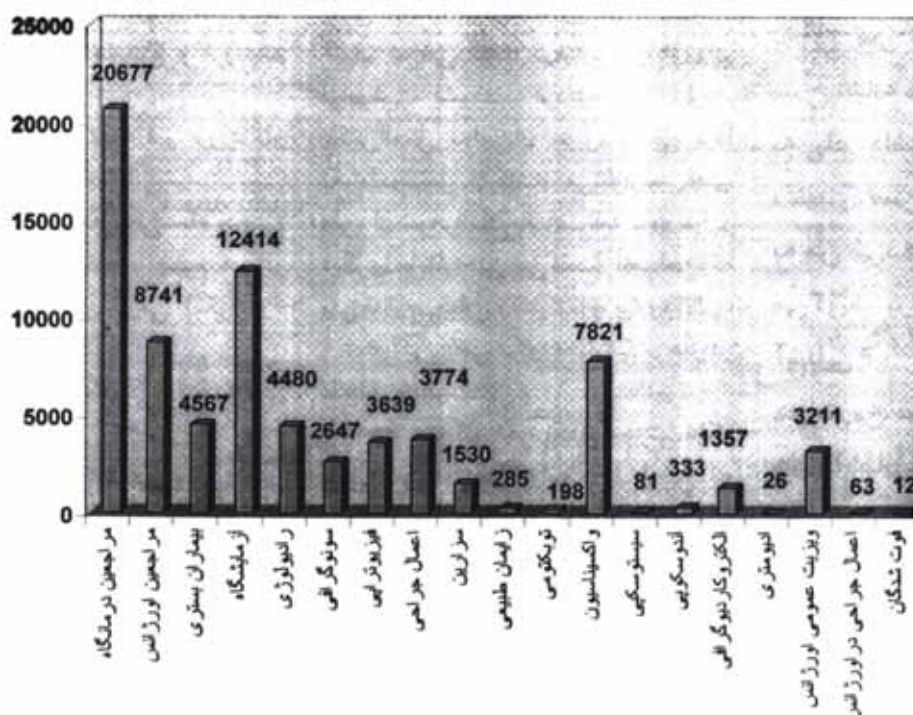
سال ۱۳۸۲	شرح	سال ۱۳۸۱
۱,۵۹۴,۹۰۲,۳۲۸	درآمد خدمات پزشکان	۱,۶۲۵,۹۵۰,۰۰۸
۱,۹۰۶,۱۳۳,۵۷۸	درآمد تخت بیمارستانی	۱,۵۷۰,۳۳۹,۱۳۹
۱,۰۸۷,۰۳۸,۸۳۴	درآمد اطلاق عمل	۵۹۸,۹۲۹,۶۲۸
۶۵۰,۸۶۷,۴۲۷	درآمد بیهوشی	۴۹۵,۳۷۳,۱۰۳
۷۰۸,۴۶۸,۸۳۳	درآمد پاراکلینیکی	۶۵۳,۱۱۳,۱۸۸
۱۱۹,۹۱۵,۰۶۱	درآمد فروش دارو	۱۲۶,۷۱۹,۳۱۴
۷۷۱,۸۹۱,۸۰۸	درآمد ۱۰٪ خدمات متفرقه	۳۱۰,۷۵۹,۱۴۸
۴۵۷,۸۷۴,۱۰۰	درآمد کمک‌های جامعه کلیمیان	۷۹,۱۸۰,۴۱۳
۷,۲۹۶,۱۰۱,۹۷۹	جمع درآمدها	۵,۴۶۰,۳۶۳,۹۴۱
	کسر می‌شود هزینه‌ها:	
۴,۴۶۶,۵۹۴,۰۲۴	هزینه‌های پرسنلی	۴,۰۲۲,۵۶۰,۵۳۱
۲۸۵۰,۹۶۳,۱۱۷	هزینه‌های جاری	۱,۹۷۷,۲۶۱,۱۸۳
۸۱۸,۶۱۹,۹۷۰	هزینه‌های خدمات پزشکان	۷۹۹,۲۸۳,۳۹۹
۲۳۵,۲۱۱,۳۳۹	هزینه‌های استهلاک	۶۵,۳۶۹,۱۴۶
۹۲,۰۴۳,۴۱۹	هزینه‌های رایگان دفترچه‌های تحت پوشش	۵۶,۰۷۵,۹۷۴
۸,۴۶۳,۴۳۱,۷۸۹	جمع هزینه‌ها	۶,۹۲۰,۴۵۰,۲۳۳
۱,۱۶۷,۳۲۹,۸۱۰		۱,۴۶۰,۰۸۶,۲۹۲

بیمارستان دکتر سپیر با بیش از شصت سال فعالیت بهداشتی و درمانی بزرگترین واحد خیریه کلیمیان ایران است که در حال حاضر کلیه خدمات خود را در اختیار هموطنان مسلمان خویش قرار داده است. این بیمارستان موجب اعتبار و حیثیت جامعه کلیمی ایران در سرتاسر جهان می‌باشد، و شعار آن «همنوعت را مانند خودت دوست بدار» از مهمترین پیام‌های انسانی در فرهنگ دینی یهودیان و چراغ راه هیئت مدیره، پزشکان، مدیران و کلیه کارکنان فعال و زحمتکش این بیمارستان خوش‌نام و قدیمی تهران است.

هم‌اکنون بیمارستان دکتر سپیر در حال تکمیل و تجهیز بخش‌های I.C.U و C.C.U و شروع فعالیت درمانگاه و بخش تخصصی قلب است که به زودی راه‌اندازی خواهد شد.

گزارش فعالیت‌های بهداشتی و درمانی کانون خیرخواه (بیمارستان دکتر سپیر) و تراز مالی سال ۱۳۸۲ به این شرح است.

نمودار فعالیت‌های بیمارستان دکتر سپیر (کانون خیرخواه) در سال ۱۳۸۲ (نفر)



درگذشت بانوی خدمتگزار و فداکار

خانم ملیحه سپهر (کشفی)

پس از درگذشت جانسوز دکتر سپهر، ملیحه خانم تصمیم گرفت که فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و بهداشتی برادر خود را دنبال کند. تاریخچه بیش از ۶۰ سال فعالیت و جانفشانی‌های بی‌شائبه ملیحه سپهر شاهد وفاداری این بانوی بزرگوار به آرمان‌های انسان‌دوستی برادر بزرگوارش می‌باشد.

ملیحه سپهر در تاسیس و اداره کانون خیرخواه، پرورشگاه کودکان، سازمان بانوان یهود سهم به سزایی داشت. ملیحه سپهر به غیر از شرکت فعالانه در سازمان‌های ذکر شده مرتباً مشغول حل مسائل خانوادگی و اجتماعی افراد کثیری در جامعه بود. او با دل و جان و با صرف وقت و منابع دیگری که در اختیار داشت به حل مشکلات زندگی افرادی می‌پرداخت که دستشان از همه جای دیگر کوتاه بود.

بعد از انقلاب ایران ملیحه خانم به آمریکا عزیمت و در لوس‌آنجلس مقیم گردید. در دوران غربت دست از فعالیت‌های انسان‌دوستانه خود برنداشت. او در تاسیس سازمان بانوان یهود مقیم کالیفرنیا جنوبی سهم به سزایی داشت و تا آخر عمر پرتیر خود در خدمت به جامعه از هیچ فداکاری دریغ نمود و در انجام امور خیر همواره ارتباط خود را با جامعه کلیمیان ایران حفظ نمود. ملیحه سپهر نمونه‌ای از یک انسان واقعی بود. سزاوار است که جوانان ما زندگی او را سرمشق زندگی خود سازند تا همیشه این خون، حیات‌بخش، در رگ‌های جامعه همیشه در حرکت باشد. یادش زنده و روح پرفتوحش شاد باد. ■

بزرگ ملیحه خانم، دکتر ارسطو خان حکیم که در انگلستان تحصیلات پزشکی خود را گذرانده بود، پس از مراجعت به ایران بیمارستان صحت را در تهران دایر کرد. این اولین بیمارستانی در ایران بود که به سبک مدرن اروپائی- و نه به سبک شفاخانه‌های متداول آن روزگار- برپا شد. همه خواهران و برادران و خود ملیحه خانم از فارغ‌التحصیلان مدرسه آمریکائی در تهران بودند. دکتر روح‌الله سپهر برادر ملیحه خانم از عنفوان جوانی مشغول به خدمت جامعه بود.

امروز مرحوم دکتر روح‌الله سپهر به عنوان بنیان‌گذار مؤسسات بهداشتی درمانی کانون خیرخواه و بیمارستان دکتر سپهر شناخته می‌شود. دکتر سپهر دوران تحصیل خود را در دانشکده پزشکی تهران گذراند و مرکز بهداشتی کانون خیرخواه را با کمک گروهی از مردم خیر تأسیس کرد. او حتی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی اقدام به راه‌اندازی دو کنسرت بزرگ با همکاری مرتضی خان و موسی خان نی‌داوود، خانم ملوک ضرابی و همکاری خواهرزاده‌اش طلعت حکیم که پیانو می‌نواخت نمود و بالاخره موفق به شروع ساختمان درمانگاه کانون خیرخواه گردید. به پاس خدمات ارزنده این پزشک فداکار که در راه خدمت به مردم و هنگام مبارزه با بیماری تیفوس که در جریان جنگ دوم، همه‌گیر شده بود خود به این بیماری مبتلا شد و جان شیرین خود را هدیه کرد، این موسسه امروز به نام بیمارستان دکتر سپهر در تهران به خدمات خود به جامعه یهودی و غیریهودی ادامه می‌دهد.



جامعه یهودیان ایرانی در روز سه‌شنبه شانزدهم مارچ ۲۰۰۴ (۲۵ اسفندماه ۱۳۸۲) یکی از برجسته‌ترین بانوان خدمتگزار و صدیق خود را از دست داد. درگذشت ملیحه سپهر (کشفی) همسر مرحوم جمشید کشفی در شهر لوس‌آنجلس خاتمه‌ای بر زندگی جسمانی انسان والائی بود که خدمات ارزنده او در بیش از ۶۰ سال فعالیت اجتماعی تأثیر به سزایی در بهبود زندگی هزاران خانواده یهودی ایرانی برجای گذارد.

ملیحه سپهر سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۲۹۶ شمسی) در یک خانواده اصیل یهودی در شهر تهران متولد شد. پدر او اسحق سپهر به شغل زرگری مشغول و به صداقت و درستکاری زبانزد مردم کوچه و بازار بود.

مادر او نصرت خانم از خانواده بسیار سرشناس و خدمتگزار جامعه، معروف به حکیم بود. پدر نصرت خانم، مرحوم حکیم سلیمان و همچنین جد بزرگوارشان مرحوم «حکیم‌ماشیه» مورد احترام دولتیان و جامعه یهودی و غیریهودی بودند. دانی



השם
הוא

نگاهی به تقوی و تزکیه روح در دین یهود

رحمن دلرحیم

که تقوی مورد مدح و ثنای پروردگار بوده، سبب آمرزش گناهان و پذیرش اعمال نیک می‌گردد تا مقدمه رستگاری فراهم آید.

در اهمیت تقوی، دانشمندان یهود معتقدند که پرهیزگاری از مراحل است که حتی منجر به کسب مقام نبوت می‌گردد، به طوری که در همین زمینه در تلمود (کتاب میشنا) چنین آمده است: «چابکی برای انسان پاکی را به همراه می‌آورد، طهارت و پاکی منجر به پرهیزگاری در انسان می‌گردد که همین امر به وی قداست می‌بخشد، قداست آدمی را متواضع و فروتن می‌سازد، تواضع و فروتنی در انسان، ترس از ارتکاب به خطا را در دل او می‌پروراند و هراس از خطاکاری سبب پارسایی و پرهیزگاری می‌شود و در نهایت همین پارسایی و دینداری شخص را پذیرای روح قدسی (الهام الهی) می‌کند».

حضرت داوود در کتاب تهیلیم، مزامیر (فصل ۱۵) اهمیت و مقام والای شخص خداترس را به گونه‌ای دیگر بیان نموده است. او ابتدا این سؤال را مطرح می‌نماید که «چه اشخاصی مقرب درگاه پروردگارند؟» و سپس صفاتی چند را در این چنین اشخاصی برمی‌شمرد که راستگویی، پرهیز از غیبت، روا نداشتن بدی به همسایه جزیی از آنهاست و سپس چنین می‌فرماید: «کسی مقرب درگاه الهی است که شخص خداترس را احترام گذارد».

در تورات، سفر تثئیه، دواویم (فصل ۱۰ آیه ۱۲) چنین آمده است: «اکنون ای فرزند اسرائیل پروردگارت از تو چه می‌خواهد؟ مگر آن که از او ترس داشته باشی و در راه او گام نهی، به او عشق ورزی و با تمامی دل و جان خدایت را پرستش نمایی».

در این زمینه «راشی» از بزرگترین مفسران تورات و کتب مقدس، با اشاره به جمله «مگر آن که از او ترس داشته باشی» و با استناد بر جمله معروف در ادبیات یهود که می‌گوید: «همه چیز در اختیار خداوند است جز ترس از خدا»، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تنها خود انسان است که می‌تواند موجب خیر یا شر باشد و گرچه انتخاب نیکی و بدی از جانب خدا در اختیار انسان قرار گرفته است، پروردگار عالم، انسان را راهنمایی فرموده تا در جهت صلاح و نیک‌بختی خویش، نیکی را برگزیند و با ترس از پروردگار از بدی دوری جوید.

همچنین هارامبام (موسی‌بن‌میمون) عالم و فیلسوف یهودی چنین می‌گوید: تورات به دو مورد به عنوان یک قاعده کلی در نیل به سعادت اشاره نموده است، اول تزکیه روح و دوم اصلاح جامعه.

در این نوشتار منظور از تقوی، پرهیزگاری و دست نگه داشتن از ارتکاب به خطاست. بدین معنی که اوامر پروردگار را به جای آوریم و نواهی او را ترک نماییم و چنانچه طالب سعادت و نیل به تقوی هستیم، ترک نواهی ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک می‌گرداند، چرا

با توجه به آن چه گفته شد مشخص می‌گردد که رستگاری انسان در گرو پرهیزگاری و تقوی است. اگر قلب انسان را به آینه و دستورات الهی را به آفتاب عالمتاب تشبیه نماییم، جایی که در اثر هوی و هوس این آینه، تیره و تار شود هرگز نوری را انعکاس نخواهد داد و در جهت خلاف آن نیز این ارتباط صادق خواهد بود یعنی چنانچه در پرتو خداترسی و پرهیزکاری این آینه صیقل داده شود، آن گاه روشنایی خیره‌کننده آفتاب فرامین الهی در سطوح آن منعکس گردیده و روشنی‌بخش محیط خواهد بود. روشن است که پیشرفت‌های علمی و صنعتی هرگز مشکلات عاطفی و معنوی انسان‌ها را حل ننموده و همیشه خلاء غفلت از خدانشناسی در جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی احساس می‌شود.

در پایان به مزامیر حضرت داوود آیه‌های ۱۵-۱۲ از فصل ۳۴ اشاره می‌شود: «... ای فرزندان بیابید از من بشنوید تا خداترسی را به شما بیاموزم: کیست آن شخصی که آرزومند زندگی و نیکی است؟ زیانت را از بدی و لبهایت را از سخنان فریب‌کارانه مصون نگاهدار، از بدی پرهیز و به نیکی روی آور، طالب صلح باش و در پی آن بکوش ...» ■

دلدادگان، اثر جدید پرویز نی داوود

پرویز نی داوود، شاعر و ادیب کلیمی، اخیراً کتابی با نام «دلدادگان» منتشر نموده که شامل خاطراتی از هنرمندان به همراه اشعاری متنوع است. وی در ابتدای کتاب خود چنین آورده است: «خیلی وقت است در دنیا، به خصوص در غرب، که نامه‌ای به دست کسی نمی‌رسد، ترانه‌ای را کسی نمی‌شنود، و شور را کسی نمی‌فهمد، عشق زیر دست و پای دنیای بی‌رحم نیمه نفس می‌کشد. هر یک از ما گوشه‌ای از دنیا افتاده‌ایم، از یکدیگر بی‌خبر؛ این خاطرات را می‌نویسم که احساس‌ها را به سوی شعر و موسیقی و عشق و هستی معطوف کنم».

خاطرات هنرمندان این دفتر عبارتند از: استاد پرویز یاحقی، استاد شاپور نیاکان، استاد مجید نجاحی، استاد اسداله ملک، لیلی کسری، استاد همایون خرم، استاد فرهنگ شریف، استاد فضل‌اله توکل، استاد شهریار، استاد علی تجویدی، استاد مرتضی نی‌داود، در ستایش استاد جلیل شهناز، استاد جواد معروفی، در رثای استاد جهانگیر ملک، استاد حسن کسایی، استاد کاوه شفیعی (هنرمند جوان).

آن چه تا کنون از این نویسنده انتشار یافته عبارت است از:

(در غم چشمهایت) به زبان انگلیسی، آذر ماه ۱۳۴۶ In the blue of your eyes

تک درخت زرد پائیز، فروردین ماه ۱۳۵۱ چاپ اول.

تقلای ماهیان در تور ۱۳۵۴، مشاهیر ادب معاصر ۱۳۵۶ (شامل قسمت اول برنامه‌های رادیویی).

مجموعه مقالات رادیویی، اشک لیلی، نی‌داوود آثار زیر را نیز در دست انتشار دارد:

و پائیز بود ... (ترجمه)، مهتاب در مرداب، «لادن» پنجره‌ای به باغ نیلوفر، روزی که راد به زندگی برخاست، حجم پوک، زندگی و شوخی‌های ادیبانه اثر جیمز سترلند James Sotherland، قسمت دوم برنامه‌های رادیویی، رعا (داستان برای فیلم)، خاطرات هنرمندان (دلدادگان) دفتر ۲، درد شهرت.

در ادامه، قطعه شعری که وی برای استاد پرویز یاحقی سروده است می‌آید:

خشک سیمی خشک چوبی خشک پوست
از کجا می‌آید این آوای دوست

گر زسیم است این صدای نازنین
خود چگونه می‌زند هیهای دوست

از چه چوبی آید این پیدادها
می‌کند عریان چرا سیمای دوست؟

این مگر سیم و زر است کز قدرتش
می‌کند فریاد، قدرت‌های دوست

این مگر خوش بوی پوست آهو است؟
کز شمیمش می‌رسد فیهوای دوست

می‌زنی تغمه به سر، این دست نیست
جای دارد سر نهم در پای دوست

این «نی‌داود»** از عشق آمده
بر سر چه می‌کنی دعوای دوست

● - بیداد : گونه‌ای از دستگاه همایون.

●● - نی‌داود: گوشه‌ای از دستگاه همایون.

همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمان و یهودی به روایت روزنامه آلمانی



رافائل یک دانشجوی ۲۷ ساله یهودی در اصفهان می‌گوید اگر به اسرائیل بروم مانند آن است که از زیر باران به زیر تگرگ رفته باشم و به همین خاطر اگر من قصد مهاجرت داشته باشم، به کانادا می‌روم. پدر رافائل که تاجر روسری است، سرپرست کنیسه داوود در اصفهان نیز هست. او و پسرانش از زندگی خوب خود در ایران سخن می‌گویند. او می‌گوید که چند فرزند من پزشک هستند و چند نفر دیگر از آنها در صنایع نساجی مشغول کار هستند.

یهودیان ۲۵۰۰ سال است که در اصفهان زندگی می‌کنند. رافائل می‌گوید، ما یهودیان بازرگانان بسیار خوبی هستیم. او می‌افزاید، یهودیان اصفهان را دوست دارند، زیرا هوای آن با هوای بیت‌المقدس یکسان است. به گفته او، اوایل، ایرانی‌های مسلمان به ویژه سالمندان خیلی تند با ما رفتار می‌کردند، ولی نسل جوان ایرانی خیلی بیشتر اهل تساهل هست و خیلی بازر از سالمندان فکر می‌کند. رافائل که اکثر دوستانش در دانشگاه تهران را مسلمانان تشکیل می‌دهند، می‌گوید که هر چه افراد تحصیلکرده باشند، تساهل آنها نیز بیشتر است.

در برابر در ورودی کنیسه داود، یک جوان مسلمان در انتظار کسی ایستاده است. یک جوان یهودی که می‌خواهد وارد کنیسه شود به او می‌گوید مثل این که تو اشتباه آمده‌ای، جوان مسلمان با شوخی در پاسخ به او می‌گوید مگر اینجا مسجدالاقصی نیست؟

سپس این جوان مسلمان و یهودی خنده‌ای کرده و هر کدام به راه خود می‌روند. ولی در ۱۷۰۰ کیلومتر دورتر از اصفهان یعنی در بیت‌المقدس، این گونه شوخی‌ها اصلاً ممکن نیست.

(وبه سورشر سایتونگ - ایران ۱۳/۲/۱۱)

میدان فلسطین در شهر اصفهان پیش از انقلاب، میدان شاه‌عباس نامیده می‌شد که در قرن هفدهم بر این کشور حکومت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، این میدان و یکی از خیابان‌های منتهی به آن به فلسطین تغییر نام یافت. البته مقام‌های شهری می‌توانستند میدان دیگری را به ملت فلسطین که تحت فشار اسرائیل است، نامگذاری کنند، ولی میدان شاه‌عباس با اهداف مسئولان سازگار بود، زیرا کنیسه یهودیان اصفهان نیز در نزدیکی این میدان قرار دارد. در نزدیکی کنیسه یهودیان در اصفهان، مسجدی نیز قرار دارد که نام آن را مسجدالاقصی گذاشته‌اند. حاج آقا خلی می‌گوید این مسجد قبلاً در این مکان وجود داشته است. این حاجی در نزدیکی مسجد مغازه کفاشی دارد و همزمان سرپرستی کنیسه مزبور را نیز برعهده دارد.

حاجی خلی می‌گوید که ما با همسایه‌های یهودی خود هیچ مشکلی نداریم. وی می‌افزاید که حتی برخی از بازاریان یهودی همکار من، در بعضی از مناسبت‌های مذهبی به طور مثال ولادت پیامبر اسلام در جشن‌های ما شرکت می‌کنند.

در سیاه و سبز رنگ کنیسه داوود در نزدیکی میدان فلسطین فرسوده است و داخل این کنیسه عده‌ای زن سالخورده نشسته‌اند. زنان یهودی نیز مانند زنان مسلمان ایرانی باید روسری بر سر داشته باشند. برخی یهودیان بعد از انقلاب ایران را ترک کرده‌اند.

در حال حاضر حدود ۳۰ هزار یهودی در ایران زندگی می‌کنند. البته اکثریت اعضای جامعه یهودیان شهر اصفهان را جوانان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در کشورهای عربی مانند لبنان و تونس، بیشتر یهودیان سالخورده باقی مانده‌اند، زیرا مهاجرت به اسرائیل برایشان مشکل بوده است.

روزا یک دختر جوان یهودی می‌گوید که جامعه یهودیان شهر اصفهان ۱۵۰۰ نفر عضو دارد. او که زبان فارسی را با اندکی لهجه یهودی صحبت می‌کند می‌گوید که اکثر بستگانش پس از انقلاب اسلامی، به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند. در بین اقلیت ساکن اصفهان که سابقه ۴۰۰ ساله در این شهر دارند، خیلی‌ها به فکر مهاجرت به خارج هستند.

عبری بیاموزیم

بخش بیست و سوم

آرمون گولستآن کاخ گلستان

۱۳۵۷

חברי היקר והאהוב מר סולימאני אני מקווה שאתה עם כל בני משפחתך בריאים ושמחים. دوست عزیز و محبوبم، آقای سلیمانی امیدوارم که خودت و تمام اهل فامیلت سلامت و خوشحال باشید. آتمول קבלתי את מכתבך היקר ושמחתי מאוד אינך יודע איזה ענג גרמה לי קריאת מכתבך. دیروز نامه با ارزشت را دریافت داشتم و بسیار خوشحال شدم. نمی‌دانی که خواندن نامهات باعث چه لذتی برای من شد.

שאלת אותי איזה דבר חדש ראיתי בזמן האחרון בעיר הביתה. پرسیده بودی که اخیراً چه چیز تازه‌ای را در پایتخت دیده‌ام.

בא ואספר לך דבר מעניין

ביا تا برایت موضوع جالب توجه‌ای را تعریف کنم.

לפני שבועיים הלכנו עם חברי המערכת "בینه" לראות את ארמון גולסטאן.

دو هفته قبل با دوستان هیئت تحریریه «بینا» به تماشای کاخ گلستان رفتیم.

ארמון גולסטאן הוא ארמון יפה וגדול שנבנה על ידי המלכים הקודמים של איראן משושלת קاج'ار. کاخ گلستان، کاخ زیبا و بزرگی است که توسط سلاطین قدیم ایران از سلسله قاجاریه بنا شده است.

הארמון הזה נמצא בצפון של רחבת ארץ חצרו הוא גדול מאוד

این کاخ در شمال میدان ارک واقع است حیاط آن بسیار بزرگ است.

יש בו עצים עבים וזקנים גנות יפות ובריכות גדולות.

درخت‌های قطور و کهنسال، باغچه‌های زیبا و حوض‌های بزرگی دارد.

מזרקות יפות שופכות מים חיים בבריכות.

فواره‌های قشنگی آب روان به میان حوض‌ها می‌ریزند.

עלינו ממדרגות הארמון ונקנסנו לאולם גדול.

از پله‌های قصر بالا رفته و وارد تالار بزرگ شدیم.

כל הקירות והתקרה של האולם הזה מקشטים במראות קטנות וגדולות

تمام دیوارها و سقف این تالار با آئینه‌های کوچک و بزرگ مزین شده است.

שטיחים יקרים מכסים את הרצפה של כל חדרי הארמון.

قالی‌های گرانبهائی کف تمام اتاق‌های قصر را پوشانیده‌اند.

בתוך הארונות נראים כלים עתיקים ויקרים.

درمیان گنجینه (ویترین)‌ها ظرف‌های آنتیک و گرانبهائی دیده می‌شوند.

מינים שונים של כלי זין עתיקים

انواع مختلف از اسلحه‌های قدیمی.

כמו חרב, פגיון, קשת, אקדחה, רומח, מגן, שריון, רובה וכו' ראינו שם.

مثل شمشیر، خنجر، کمان، ترکش، نیزه، سپر، زره، تفنگ و غیره را در آنجا دیدم.

כסא המלכות היה יפה מאד.

تخت سلطنتی بسیار زیبا بود.

אלפי חתיכות של יהלום, בִּרְקַת, ואדם מקשטים את הכסא הזה

هزاران قطعه الماس، زمرد و یاقوت این تخت را مزین کرده‌اند.

בְּקִצּוֹר כָּל מֵה שְׁאֵכֶתָב מֵהַיּוֹפִי שֶׁל הָאֶרְמוֹן הַזֶּה עֲדִיין מַעֲט הוּא.

خلاصه هر چه از زیبایی این قصر بنویسم هنوز کم است.

אֲנִי מִקְנֶה שֶׁתְּבּוֹא לְטֶהֱנָאן וְתִרְאֶה אוֹתוֹ בְּעֶצְמָךְ

امیدوارم که به تهران آمده و خودت آن را ببینی.

כִּיעַת אֵין לִי לְהוֹסִיף יוֹתֵר מִזֶּה

فعلاً بیش از این چیزی ندارم اضافه کنم.

ובְּאִי-סִבְלָנוֹת רַבָּה אֲנִי מַחֲבֶה לְמַכְתָּבְךָ הַיָּקָר

با کمال بی‌صبری منتظر نامه عزیزت هستم.

דְּרִישַׁת שְׁלוֹם רַבָּה לְכָל בְּנֵי הַמִּשְׁפָּחָה לְקָרֹבִים וּלְיָדִידִים

سلام زیاد به همه اهل فامیل، خویشان و دوستان برسان.

חֲבֵרְךָ לְתָמִיד אֶהְיֶה

دوست همیشگی تو اהرون (هارون).

מילים חדשות - کلمات جدید

עֲנָג عُونُك	לֶדֶת - خُوشִי	אוֹלָם اولام	תָּלָר - סָלָן	פִּגְיוֹן پیگیون	خَنְجَر	יְהִלּוֹם يَهْلُوم	الماس
בִּירָה بِيرا	پَايتِخت	חִקְרָה تیقرا	سִפֶּף - أُوج	קֶשֶׁת قِشَت	כֶּמֶן	בִּרְקַת بارِقت	زمرد
אֶרְמוֹן ارمُون	قصر - کاخ	מִקְשָׁט مِقوشاط	תְּרִינִן שֶׁדֶה	אֶשְׁפָּה أشیا	تَرْكُش	אָדָם أدم	یاقوت - عقیق
שׁוֹשָׁלַח شوشِلَت	سلسله	מִרְאָה مِرآه	אֵינֶה	רוֹמַח رُومَح	نِيزه	סִבְלָנוֹת سُولَانُوت	صبر - شکيایی
רִחְבָּה رِحاوا	میدان - وسیع	שְׁטִיחַ شاطِیْخ	قَالִי - فֶרֶשׁ	מַגֵּן ماگِن	سֶהֶר	תָּמִיד تَامِید	همیشه - دائم
בִּרְכָה بِرِخا	حوض - استخر	אֶרֶן آرُون	دוֹלָב - گَنْجִינֶה	שְׁרִיּוֹן شَرِیُون	زֶרֶה	יָדִיד يَادِید	دوست
מִזְרָקָה مَزْرَقَا	فواره	כֵּלֵי זֵיין کله زَیین	اَسْلَحَہ - سֶלַח	רוֹכָה رُوه	تَفְנִיگ	יוֹפִי يُوفِی	زیبایی
מִדְרָגָה مَذْرَگَا	پله - درجه	חֶרֶב حِرَو	شَمְשִׁיר	חֲתִיכָה خَتِیخَا	قِطْعَه - نִיכֶה	מַעֲנִין مَعْنِین	جالب

همایش دین،

معنویت و انسان امروز



دانست که در آن دریافت بدون واسطه صورت می‌گیرد و عالم مستقیماً به معلوم دست می‌یابد، و به همین دلیل، این تجربه خطاناپذیر و نیز انتقال‌ناپذیر است. دکتر راسخی حاصل معمول تجربه عرفانی را ایجاد دگرگونی اخلاقی مثبت در شخص دانست و اظهار داشت که طبق عقیده برخی اندیشمندان، اخلاقیات و احکام دینی، همگی مقدماتی هستند برای حصول تجربه دینی. میزگرد نمایندگان ادیان، آخرین بخش این همایش بود. لزوم دین در جهان امروز، وضعیت ایمان دینی پیروان هر دین، لزوم بازخوانی اندیشه دینی، نقش و جایگاه معنویت در هر یک از ادیان، پاسخ‌های مناسب دینی در وضعیت امروز، سرعت تغییرات شرایط اجتماعی در جهان امروز و مشترکات ادیان، مهمترین نکات مورد بحث میزگرد و سخنان هر یک از اندیشمندان ادیان بود.

آرش آبانی به عنوان نماینده یهودیت در این بخش، علاوه بر ذکر مطالبی پیرامون هر یک از محورهای فوق، به ذکر شباهت‌های فقهی دو دین یهود و اسلام پرداخت و ضمن برشمردن نکات مشترک و متفاوت بحران معنویت دینی در جامعه یهودی و جوامع دیگر ادیان، به پرسش‌های متعدد دانشجویان حاضر در جلسه در حوزه یهود به ویژه وضعیت حجاب و حقوق زن در یهود و نیز موضع یهودیان درباره فیلم مصائب مسیح پاسخ داد.

همایش با اهدای لوح تقدیر به ارائه‌کنندگان مقالات و سخنرانان از سوی رئیس دانشکده پایان یافت. ■

در میان مقالات ارسالی، ۶ مقاله به طور خاص به حوزه یهودیت ارتباط داشتند که عناوین آنها عبارت بودند از:

اورشلیم از دیدگاه یهود (آرش آبانی) - فیلون و نقش وی در تکوین فلسفه و فکر یهودی و مسیحی (دکتر طاهره حاج ابراهیمی) - بررسی مفهوم خدا در یهود (حسین حیاتی) - موعود باوری در یهود (میترا حسنی) - حضرت داوود (نسا سقایی) - روز سبت در یهود (زهرا فتحی).

در بخش ارائه مقالات این همایش که به ابتکار کسانون دانشجویی گفتگوی تمدن‌های آن دانشکده طراحی شده بود، دکتر فتح‌اله مجتبیایی، مدیر گروه ادیان و عرفان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، در سخنان خود، حیات واقعی انسان را حیات اسطوره‌ای دانست و اظهار داشت که حیات عقلانی انسان بسیار ضعیف‌تر از حیات ایمانی و ذوقی اوست. وی گفت: جنبه‌های عاطفی و ایمانی انسان، منطق‌ناپذیرند. دکتر مجتبیایی زبان دین را زبان اسطوره، ذوق و استعاره دانست و اعلام داشت که تنها با درک این مفهوم از زبان دینی است که می‌توان به تمام ادیان احترام نهاد و عشق ورزید.

تجربه عرفانی، محور سخنان دکتر فروزان راسخی، استاد دانشگاه الزهرا بود. وی پس از برشمردن مراتب تجربه دینی، تجربه عرفانی را از نوع علم حضوری

نخستین همایش دین، معنویت و انسان امروز با هدف بررسی جایگاه، نقش و تاثیر ادیان بر ابعاد گوناگون زندگی انسان، روز ۵ خرداد در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران در شهرستان بابلسر برگزار شد. در این همایش که از دو بخش ارائه مقالات برگزیده و میزگرد نمایندگان ادیان تشکیل شده بود، استادان، محققان و دانشجویان دوره‌های الهیات و ادیان به همراه تنی چند از روحانیون ادیان توحیدی شرکت داشتند.

به دعوت حجت‌الاسلام دکتر فخرالدین اصغری آق‌مشهدی، دبیر همایش، مهندس آرش آبانی از طرف انجمن کلیمیان به عنوان نماینده این دین با ارائه ۲ مقاله در همایش و میزگرد آن حضور یافت. نمایندگی سایر ادیان را حجت‌الاسلام دکتر ادیب، دکتر موبد کوروش نیک‌نام (نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی و عضو انجمن موبدان زرتشتی) و شماس آریسی کشیش‌زاده مسیحی (نماینده شورای خلیفه‌گری ارامنه) برعهده داشتند.

در پاسخ به فراخوان این همایش، ۴۵ مقاله ارسال شده بود که از میان آنها ۷ مقاله برای ارائه در جلسات همایش انتخاب شدند.



بچه‌ها سلام شالوم یلדיم

یک خاطره

دوستان عزیز سلام، من می‌خواهم خاطره‌ای برایتان بگویم. من در تابستان کلاس عبری داشتم و رفتم و ۲۰ هم گرفتم. وقتی کلاس‌های تابستانی عبری تمام شد، ما رفتیم به جشن در تالار سبحان، گروه ارکستر هم بود و شعبه بازی هم بود. جایزه هم گرفتیم. جایزه‌اش ساعت بود. به من خوش گذشت. موزیک بازی هم بود. روز خوبی بود. بعداً برایتان خاطره‌های دیگری می‌گویم. راستی من امسال به کلاس اول می‌روم و خیلی خوشحالم. دابین احدوت

این هم اسامی دوستان خوب بفش کودک که برای ما مطلب فرستاده‌اند: رایان احدوت، دلارام الیاس زاده، کامیار اقبالی، آنژلا کاهن، سارا سنبلیان، نسترن اقبالی، نوشین هناساب، یاسمن شادپور، نیلوفر یعقوبی، اوریل الیاس زاده، آیدا مصری، سباگرامی.

چستان

حرف اولم اول پیاز است، حرف دوم اول ساز است و حرف سوم و چهارم آخر هسته، توی صندوق درسته.

جواب: پسته

یاسمن داود طیبی - ارومیه

زمستان

من زمستان را از همه چیز بیشتر دوست دارم. وقتی که از خانه می‌آید بیرون همه جا سفید است. برف جاری با دوستان گلوله‌های برف و بچه‌ها در خانه یا اعضای خانواده جلوی شومینه ایستادن و گرم شدن و یک لیوان شیر داغ و خوابیدن در تختخواب گرم و نرم امیدوارم که شما هم زمستان خوب و خوشی داشته باشید.

کامیار اقبالی

چهار سکه لایان

آن چیست که من بهن و روز جمع است؟

جواب: رختخواب

صدف سلومو

شنا:

معلم: بچه تو چرا خفه نمی‌شی؟
شاگرد: آقا برای این که شنا بلدیم.

دلارام دل رحیم

بچه چلی

خانم اولی: چرا اسم بچه چهارمین است را گذاشته‌ای

«چن چونگ»؟

خانم دوم: آخه من گویند از هر چهار کودکی که در

دنیا متولد می‌شود، یکی‌شان چینی است!

آیدا مصری

نوجوانانه



الناز گیدانیان

شنا کردن یعنی شادی

آب، به به، حالا یک کُرال سینه. آخ جون. آدم این طوری زنده می‌شود. به! شنا کردن یعنی طراوت.

بله، درست فهمیدی. ما در این شماره می‌خواهیم با یک شناگر نوجوان کلیمی آشنا بشویم. این دوست خوب ما، «سارا سلیمانی» است که امسال در مقطع پیش‌دانشگاهی تحصیل می‌کند. این دوست خوب ما، توانسته بعد از شرکت در دوره‌های آموزشی ناجی‌گری و موفقیت در امتحانات مربوط به آن، مدرک بین‌المللی ناجی‌گری را دریافت کند. واقعا باید به سارا خانم خسته نباشید گفت. این دوست خوب ما درباره شنا کردن می‌گوید: «از ۵ سالگی شنا را شروع کردم، اول از آب می‌ترسیدم اما پدر و مادرم مرا با آب آشنا کردند». سارا خانم قصد دارد مدرک قایق‌رانی را نیز دریافت کند. همچنین کسب مدرک مربی‌گری و داوری نیز از برنامه‌های ورزشی این دوست خوب ماست.

سارا درباره مدرک ناجی‌گری می‌گوید: «این مدرک در واقع قراردادی بین ناجی و فدراسیون غریق‌نجات است. کسی که این مدرک را دارد در استخر به صورت رسمی و یا غیررسمی موظف است به شناگرها کمک کند».

از قرار معلوم این نوجوان کلیمی به کمک‌های اولیه و امدادگری هم بسیار علاقه‌مند است، چون این روزها در کلاس‌های آموزش کمک‌های اولیه شرکت می‌کند. او در اینباره می‌گوید: «ما برای ناجی‌گری با یک سری از کمک‌های

دوباره یک گام بلند

برای ورزش کردن بیشتر ارزش قائل باشیم».

حتما تو هم از موفقیت این دوست خوب- مثل ما- خوشحال شدی، راستی یادت باشد «نوجوانانه» آماده است که موفقیت‌های هر نوجوان کلیمی ایرانی را از طریق مجله به اطلاع دوستانش برساند. پس تو هم اگر موفقیت خاصی کسب کرده‌ای ما را از آن بی‌خبر نگذار. قطعاً ما از شنیدن آن خوشحال خواهیم شد.



کتابن برای کودکان

الناز گیدانیان

«بازی‌ها و سرگرمی‌های آموزشی کودکان پیش‌دبستانی» عنوان کتابی است ترجمه سیروس حدوت، پژوهشگر کلیمی، که انتشارات خجسته آن را چاپ کرده است. با توجه به اهمیت تربیت و پرورش صحیح کودکان، این کتاب راه‌های ساده و ارزان سرگرم کردن کودکان ۲/۵ تا ۵ ساله را نشان می‌دهد که چه طور با وسایل کنار گذاشته شده و هزینه کم می‌توان وسایل نقاشی، چاپ، الگوبرداری، تهیه کتاب، ورزش و ... را برای کودکان فراهم آورد. این کتاب که نوشته «جی روبین» و «سوزان مردیت» است خطاب به والدین نوشته شده، اما تصاویر آن می‌تواند محرک افکار کودکان نیز باشد. سیروس حدوت همچنین کتاب‌های «آموزش خواندن» و «راهنمای خانواده» را با همکاری سیدعلی اکبر مرعشی ترجمه کرده است.

اولیه که برای یک ناجی لازم بود آشنا شدیم و از همان جا من احساس کردم که به این نوع کارها علاقمند هستم و به همین خاطر هم آن را دنبال کردم». سارا در صحبت‌هایش از زحمات پدر و مادرش برای این که او بتواند این رشته ورزشی را ادامه بدهد بسیار تشکر می‌کند. از او درباره درس و مدرسه می‌پرسم، می‌گوید: «اگر درس بخوانم که درسم خوب است اما باهاش می‌سازم». دوست‌های سارا درباره سرکلاس مانند او می‌گویند که کمتر پیش می‌آید سارا در مدرسه باشد و سرکلاس بنشیند و درس گوش بدهد. به قول دوست‌هایش او معمولاً در ساختمان مدرسه، حیاط و ... مواظب بچه‌های مدرسه است که مبادا غرق بشوند!!!

این دوست خوب ما، سال گذشته نیز در مسابقات ورزشی منطقه ۶ تهران به عنوان داور در رشته ورزشی شنا حضور داشت. سارا خانم مدرک دریا نیز دارد که با داشتن آن، می‌تواند در دریا نیز به عنوان ناجی به شناگرها کمک کند. از او درباره حس و حالش در آب می‌پرسم. می‌گوید: «آب تنها جایی است که من در آن احساس آرامش می‌کنم. چون از در آب بودن خیلی لذت می‌برم. شنا کردن از کارهایی است که من هیچ‌وقت از انجام آن خسته نمی‌شوم».

وقتی از سارا می‌خواهم که اگر حرف خاصی دارد آن را بگوید، او درباره موضوع مهمی صحبت می‌کند. می‌گوید: «متأسفانه در جامعه ما آن طور که باید به ورزش کردن مخصوصاً ورزش بانوان اهمیت داده نمی‌شود. به نظر من، ما باید



برنامه های تاپستانی دانش آموزان کلیمی
سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲



OFEGH BINA

Cultural, Social and News Magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE

Vol. 6, No. 23, April – July 2004

אֶפֶק
בִּינָה

Cultural Heritage of
Iranian Jewish Community

